

مناسک حج

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی

آیت الله العظمی صافی - لطف الله

مناسک حج، (ویراست جدید) آیت الله العظمی لطف الله صافی. - قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی، شوال المکرم ۱۴۳۲ق، ۱۳۹۰ش -

ص: ۳۳۲

بها: ۲۵۰۰۰ ریال

:ISBN

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله الوارف

مناسک حج (ویراست جدید)

حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله الوارف

شمارگان: ۵۰۰۰

بها: ۲۵۰۰ تومان

سایت الکترونیکی: www.saafi.net / www.safi.ir

پست الکترونیکی: saafi@saafi.net

آدرس: قم / انقلاب ۶ / شماره ۱۸۱

تلفن: ۷۷۲۳۳۸۰ (۰۲۵۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ، عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَأَشْرَفِ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، لَأَسِيْمَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ، وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

فضیلت حج

قال الله تعالى: والله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً ومن كفر فإن الله غني عن العالمين

حج بیت الله الحرام، در بین واجبات و فرائض دین اسلام دارای موقعیت خاص و جایگاه ویژه است.

حکمت ها و منافع تربیتی، اجتماعی و سیاسی آن بسیار است. حج، مدرسه عالی و دانشگاهی است که در کلاس هایش بخش های مهمی از معارف قرآن کریم و تعالیم و هدایت های اسلام، ضمن عمل به ارکان و دستورات آن آموخته می شود.

اسلام حقیقی، که تسلیم محض در برابر احکام و اطاعت خالص از خداوند متعال است در عمل به برنامه های آن ظاهر می گردد. همه مواقف و مشاعر آن سازنده و موجب رشد فکر و پرواز روح به عوالم غیر متناهی و درس و جهاد با نفس و سیر در فضاهاى رحمانی و ملکوتی است.

حج، مشتمل بر عبادات و وظایف مهم دینی است مثل نماز، دعا، انفاق، خضوع و خشوع در درگاه الهی، خویشتن داری و صبر و بازدارى از مشتتهیات، آشنایی با مسلمانان مسائل اجتماعی و سیاسی جهان اسلام و اعلاء، کلمه اسلام و ظهور نفوذ دعوت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در شرق و غرب و دورترین نقاط و حضور در یک اجتماع میلیونی از نمایندگان مردم سراسر جهان و امور بسیار دیگر، همه در حج مندرج است.

خلاصه؛ فضایل این فریضه بزرگ، بسیار بوده و ثواب هایی که برای یکایک آن اعمال مقرر است بی شمار می باشد. باید کسانی که به حج مشرف می شوند درک تشریف انجام این مراسم نورانی و حضور در این اجتماع پر فیض را توفیقی بزرگ شمرده، خودسازی و استفاده های معنوی در هر کدام از مواقف آن را نصب العین خود قرار دهند. و مخصوصاً تعجیل فرج حضرت صاحب الامر ارواح العالمین له الفداء را در همه آن مشاهد مقدسه از خداوند متعال مسئلت نمایند.

احکام حج

مسئله ۱. بر هر مکلف مستطیع در تمام عمر یک بار حجة الاسلام واجب می‌شود که باید اعمال آن را بجا آورد.
مسئله ۲. واجب است مستطیع در سال اول استطاعت به حج برود، و تأخیر آن بدون عذر، گناه کبیره است و اگر در سال اول نرفت، و تا سال بعد از استطاعت افتاد حج از او ساقط نمی‌شود، و باید به هر صورت ممکن حج نماید.

اقسام حج

مسئله ۳. حج بر سه قسم است:

۱. حج تمتع و این وظیفه کسانی است که منازل آنان تا مکه معظمه ۱۶ فرسخ شرعی یا بیشتر باشد.
- ۲ و ۳. حج قران و افراد و این وظیفه اهالی مکه معظمه و کسانی است که فاصله منازل آنان از مکه معظمه کمتر از ۱۶ فرسخ شرعی است. و بر آنها واجب است بعد از حج عمره مفرده بجا آورند.
۴. تعیین وظیفه نسبت به حجة الاسلام همان است که ذکر شد، اما در حج مستحبی اهل مکه هم می‌توانند حج تمتع بجا آورند، و اشخاصی که منزلشان از مکه ۱۶ فرسخ یا زیادت، دور باشد می‌توانند حج قران یا افراد بجا آورند، بلی تمتع برای هر دو طایفه در حج مستحبی افضل است.

- حج قران

کیفیت حج قران مانند حج افراد است در همه اعمال مگر اینکه حج افراد قربانی ندارد و در حج قران که مکلف قربانی به همراه خود می‌آورد باید همان قربانی را ذبح یا نحر کند و چنین شخصی مخیر است در عقد احرام بین اینکه تلبیه بگوید یا اشعار و یا تقلید نماید و به هر کدام ابتدا کرد احرامش بهمان منعقد می‌شود و چون حج افراد و قران خیلی مورد ابتلاء نیست به همین اشاره مختصر اکتفا می‌شود و وظیفه کسانی که عمره تمتع آنها به جهت بعض عذرهای مبدل به حج افراد می‌شود در جای خود بیان خواهد شد.

- حج افراد

کیفیت و آداب و اعمال واجبه و مستحبیه حج افراد مانند حج تمتع است، و در چند چیز با هم تفاوت دارند:
۱. مکلف باید از میقات‌های معروفه محرم شود و به عرفات برود برخلاف حج تمتع که از مکه محرم می‌شود

بلی کسانی که وظیفه آن‌ها حج تمتع است و از میقات برای عمره تمتع محرم می‌شوند و بعد به جهت عذری عمره آن‌ها مبدل به حج افراد می‌شود یا همان احرام به عرفات می‌روند.

۲. قربانی ندارد.

۳. بعد از انجام آن باید عمره مفرده بجا آورد.

۴. جایز است برای کسیکه حج افراد بجا می‌آورد که طواف زیارت و سعی را قبل از وقوف در عرفات و مشعر انجام دهد لیکن مکروه است و ترک آن احوط است برخلاف حج تمتع که در آن تقدیم طواف و سعی بر وقوفین جایز نیست مگر در وقت اضطرار که در مسائل آینده ذکر می‌شود.

- حج تمتع

چون نوع واجب حج بر فارسی زبانان و ایرانیان بلکه بر بیشتر مسلمانان حج تمتع است، احکام و مسائل حج تمتع مشروحاً بیان خواهد شد انشاء الله تعالی.

مسئله ۵. حج تمتع، مرکب از دو عبادت است که اول را عمره تمتع و دوم را حج تمتع گویند، و باید عمره تمتع قبل از حج تمتع بجا آورده شود. و اگر کسی به شرحی که گفته خواهد شد بواسطه عذری نتواند عمره تمتع را پیش از حج تمتع بجا آورد، حج او حج افراد می‌شود.

مسئله ۶. در انجام حج هم مانند سایر عبادات دیگر قصد قربت لازم است، و همین مقدار که پیش از پوشیدن لباس احرام، قصد کند بجا آوردن عمره و حج واجب خود را برای خدا کافی است، و لازم نیست که در ابتدا، صورت حج تمتع را بداند، پس اگر وقتی که می‌خواهد احرام ببندد تمام کارهای واجب حج را نداند ولی نیت کند که برای اطاعت امر خداوند متعال عمره و حج واجب خود را بجا می‌آورم، و قصدش این باشد که بعد از مشغول شدن به عمل، هر چه را لازم است مطابق رساله‌ای که نزد او می‌باشد، یا مطابق دستور مجتهد یا عالم مورد وثوق که همراه اوست انجام دهد کفایت می‌کند، و عمل او صحیح است.

- عمره تمتع

مسئله ۷. اول از کارهای حج تمتع، عمره تمتع می‌باشد و کارهای واجب عمره تمتع پنج چیز است:

۱. احرام.

۲. طواف خانه کعبه.

۳. دو رکعت نماز طواف.

۴. سعی بین صفا و مروه.

۵. تقصیر.

که در شرح احکام هر یک خواهد آمد، ان شاء الله تعالی.

مستحباتِ احرامِ عمره

مسأله ۸. کارهائی که پیش از احرام، و در وقت مهیا شدن برای احرام و در حال بستن احرام و بعد از آن، مستحب است ده چیز است:

۱. پیش از احرام پاکیزه کردن بدن و گرفتن ناخن و شارب و زائل کردن موی زیر بغل و موی عانه (زیر شکم) با نوره.

۲. غسل احرام در میقات، و هر گاه احتمال دهد که در میقات آب نباشد، جایز است که پیش از رسیدن به میقات غسل کند. و اگر پیش از میقات غسل کرد و در میقات آب یافت، مستحب است که در میقات دوباره غسل کند، و اگر بعد از غسل خواب برود، یا چیزی را که خوردنش و یا پوشیدنش برای محرم جائز نیست بخورد یا بپوشد، یا استعمال بوی خوش کند، مستحب است دوباره غسل را بجا آورد. و اگر محدث، به حدث اصغر، غیر از خواب بشود، بهتر است رجاءاً غسل را اعاده کند، و غسل روز برای شب و غسل شب برای روز کفایت می کند، خصوصاً اگر غسل شب در آخر شب، و غسل روز در آخر روز باشد، و بهتر آن است که به غسل اول روز برای روز و به غسل اول شب برای شب اکتفا کند. و غسل احرام بر حائض و نفسا نیز مستحب است و شرط احرام، طهارت از حدث نیست.

۳. خواندن این دعا در وقت غسل است:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهْرًا وَحِرْزًا وَأَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَأَشْرِحْ لِي صَدْرِي، وَأَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي مَحَبَّتِكَ وَمَدْحَتِكَ وَالنَّسَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِيَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لَكَ، وَالْإِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

۴. نتراشیدن و نگرفتن موی سر و ریش از اول ذیقعهه بنا بر مشهور بین علما مستحب است، بلکه احوط و اولی ترک آن است، و نگرفتن موی سر برای زن ها هم از اول ذیقعهه بعید نیست مستحب باشد.

۵. آن که بعد از نماز ظهر محرم شود، و اگر در وقت نمازهای دیگر می خواهد محرم شود بعد از یکی از آنها، و اگر نه، بعد از نماز قضا احرام ببندد، و اگر نماز قضا بر ذمه ندارد شش رکعت نماز یا حداقل دو رکعت نماز بخواند، و در رکعت اول، بعد از حمد، سوره قل هو الله احد (توحید) و در رکعت دوم، بعد از حمد سوره قل یا

أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (جحد) را بخواند، و چون از نماز فارغ شود و بخواهد نیت احرام کند، حمد و ثنای خدا بجای آورد، و صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله عليهم بفرستد و این دعاء را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ وَأَمَّنَ بِوَعْدِكَ وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَلَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَاسْأَلُكَ أَنْ تَعْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقَوِّينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ وَتُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يُسْرَمِنِكَ وَعَافِيَةٍ، وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِينَ رَضِيَتْ وَارْتَضَيْتَ وَ سَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَأَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَعُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَحُلْنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةً فَعُمْرَةٌ أَحْرَمٌ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعَصَبِي مِنَ النَّسَاءِ وَالثِّيَابِ وَالطَّيِّبِ ابْتِغَاءً بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ.

پس دو جامه احرام را بطوری که در واجبات گفته می شود بپوشد.

۶. جامه احرام از پنبه باشد، و در حال پوشیدن احرام بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوَدِّي فِيهِ فَرَضِي وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي وَوَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَمَلْجَأِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي.

۷. نیت احرام را به زبان بیاورد، و چنان که در واجبات احرام هم گفته خواهد شد واجب است مقارن نیت بگوید:

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ.

و بنابر احتیاط واجب جمله ذیل را هم بگوید:

إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.

و بهتر آن است که بعد از این جمله، یک لَبَّيْكَ دیگر نیز بگوید.

۸. پس از آن مستحب است بگوید:

لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَاً إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارِ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَبْدِئُ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَغْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْغُوباً وَمَرْهُوباً إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ.

و این جمله را نیز به رجاء استحباب بخواند:

لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِعُمْرَةٍ.

و در احرام حج بگوید: لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ و پس از آن، در عمره تمتع بگوید:

لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَهَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَمَعَةٌ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَلْبِيَةً تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ.

۹. مرد تَلْبِيَه را بلند بگوید مگر در میقات مدینه، که در آن جا بهتر آن است که اگر سواره است آهسته تَلْبِيَه بگوید، و وقتی که زمین بیداء (هموار) نمایان شود بلند بگوید، و کسی که از مکه محرم به حج می شود مستحب است وقتی که به (رقطاء) می رسد، یا مشرف بر (ابطح) شود بلند بگوید.

۱۰. در وقت بیدار شدن از خواب، و عقب هر نماز واجب و مستحب، و وقت رسیدن به منزل، و وقتی که به سواره برسد، و وقت سوار شدن، و وقت بالا رفتن بر تلی، و پائین رفتن از سرایشی نیز تلبیه بگوید، و در سحرها بسیار بگوید، هر چند جنب یا حیض باشد، و در عمره تمتع تلبیه را قطع نکند در عمره تمتع تا خانه های مکه را ببیند، و در حج تمتع تا ظهر روز عرفه تلبیه بگوید.

مکروهات احرام

مسأله ۹. در احرام، ده چیز مکروه است:

۱. پوشیدن لباس سیاه، بلکه اولی ترک پوشیدن هر پارچه رنگ شده است مگر رنگ سبز که در بعضی روایات معتبره استثناء شده است.

۲. خوابیدن در رختخواب و بالش زرد رنگ، و هم چنین مکروه است محرم شدن در جامه کتیف. و سزاوار است جامه احرام نظیف باشد، و بهتر آن است که تا نجس نشود آن را نشوید.

۳. حنا بستن بدون قصد زینت، ولی با قصد زینت خلاف احتیاط است، بلکه احتیاط آن است که مطلقا حنا نبندد، حتی پیش از احرام در صورتی که اثرش تا حال احرام باقی بماند، و نیز مکروه است برای زن پیش از احرام حنا بستن، هر گاه رنگ آن تا حال احرام باقی بماند.

۴. حمام رفتن و سائیدن بدن.

۵. لبیک گفتن در جواب کسی که او را بخواند.

۶. شستن بدن با آب سرد.

۷. مبالغه در مسواک کردن و سائیدن رو.

۸. کشتی گرفتن، و هر کاری که در آن بیم مجروح شدن، یا افتادن موی از بدن باشد.

۹. شعر خواندن.

۱۰. استعمال ریاحین و گل‌های خوشبو، و بهتر ترک شستن سر، به سدر و خطمی می‌باشد.

مواقیت احرام

مسأله ۱۰. محلی را که در آن احرام بستن واجب است میقات گویند و هر کس باید در آن میقاتی که در راه او به مکه است محرم شود به این شرح:

۱. مسجد شجره و آن میقات اهل مدینه و کسانی است که از راه مدینه منوره به مکه مشرف می‌شوند، مثل بسیاری از حاجیان ایران و آن را ذوالحلیفه نیز می‌نامند، و اکنون به آبار علی معروف است. و فاصله آن، بنا بر نقل بعضی تا مکه ۴۶۴ کیلومتر است، و تا مدینه تقریباً هفت کیلومتر است. و بهتر بلکه احوط آن است که در داخل مسجد محرم شوند و جنب و حائض در حال عبور از داخل مسجد محرم شوند. و اگر از پشت مسجد هم محرم شوند، صحیح است. و در وقت ضرورت، احرام بستن را تا میقات اهل شام که جحفه است می‌توانند به تأخیر اندازند، و در جحفه محرم شود.

۲. جُحْفَه، و آن میقات اهل جحفه و نواحی آن، و میقات مردم مصر و شام و شهرهای مغرب و اروپا می‌باشد، و هم اکنون بعضی ایرانیان هم از آن جا محرم می‌شوند و هر کسی که از کانال سوئز به قصد مکه عبور می‌کند، باید در دریا در محاذات جحفه محرم شود، و تقریباً مسافت بین مکه و جحفه ۲۲۰ کیلومتر است و به رابغ نزدیک است و احرام از رابغ مجزی نیست.

۳. وادی عقیق، و آن میقات اهل نجد و عراق و کسانی است که از آن طریق به حج می‌روند، و افضل آن است که از اول آن، که مسلخ است - اگر بطور یقین معلوم شود - محرم گردند، والا وقتی که یقین کردند به وادی عقیق رسیده اند پیش از رسیدن به ذات عرق محرم شوند. و اگر بواسطه تقیه ناچار شوند از تأخیر احرام تا ذات عرق، قبل از آن که به آن جا برسند در لباسی که پوشیده اند، نیت احرام نموده، و آهسته تلبیه بگویند. و اگر ممکن شود لباس های خود را بیرون آورده، و دو جامه احرام را بپوشند، و بعد لباس احرام را درآورده و لباس خود را بپوشند، و به جهت آن - بطوری که گفته خواهد شد - فدیة دهند، و هر گاه که به ذات عرق رسیدند آن جا جامه احرام را بپوشند.

۴. قرن المنازل کوهی است مشرف به عرفات، در ۹۴ کیلومتری مکه، و آن میقات اهل طائف و نواحی آن و کسانی است که از آن طریق به مکه مشرف می‌شوند.

۵. یلملم کوهی است از کوه‌های تهامه، در ۹۴ کیلومتری مکه، و آن میقات اهل یمن و کسانی است که از آن طریق به حج مشرف می‌شوند.

احکام میقات

مسأله ۱۱. لازم است تحصیل علم، یا بینه شرعیه، به رسیدن به میقاتی که باید در آن محرم شود، و اگر تحصیل هیچیک ممکن نشود، اکتفا به ظن حاصل از گفته اهل اطلاع و معرفت به آن اماکن جایز است.

مسأله ۱۲. هر کس منزل او از این میقات ها به مکه نزدیکتر باشد، یعنی منزل او بعد از یکی از این میقات ها باشد، میقات او همان منزل اوست که از همانجا باید محرم شود.

مسأله ۱۳. بهتر آن است که از راهی برود که از یکی از میقات ها عبور کند، و اگر از راهی می رود که به هیچ یک از این پنج میقات عبور نمی کند، باید در محاذی هر میقاتی که ابتداءً از آن عبور می کند احرام ببندد، هر چند که نسبت به میقات دیگر دورتر از مکه باشد، یا فاصله اش با اصل میقات بیشتر باشد، و اگر بعد از آن، در راه خود به محاذات میقات دیگر رسید در آنجا هم تجدید احرام کند.

مسأله ۱۴. اگر کسی احرام بستن از میقات را فراموش کند، بعد از آن که یادش آمد - خواه بعد از داخل شدن به حرم یادش بیاید یا پیش از وارد شدن به حرم - اگر برگشتن به میقات ممکن است، برگردد و از میقات محرم شود، و اگر برگشتن به میقات ممکن نیست، احتیاط واجب آن است که هر مقدار ممکن است بسوی میقات برگردد و از آن جا محرم شود، و اگر برگشتن هیچ ممکن نیست، از همان مکان خود احرام خود را ببندد، و هم چنین است حکم برای جاهل، مثل آن که زن حائض گمان کرده که احرام برای او صحیح نیست و بدون احرام از میقات گذشته است.

مسأله ۱۵. در احرام، طهارت از حدث اصغر و حدث اکبر شرط نیست، پس جایز است شخص جنب و زن حائض و نفسا محرم شوند، بلکه اگر وقت نباشد که صبر کند تا از حیض و نفاس پاک شود، واجب است با همان حال از میقات احرام ببندد، و غسل احرام برای حائض و نفساء مستحب است.

احکام احرام بانوان

مسأله ۱۶. زن اگر در حال حیض محرم شود به احرام عمره تمتع، و گمان کند که برای عمره پاک می شود، ولی پاک نشود، تا وقت آن بگذرد، حج او مبدل به افراد می شود، و لازم است با همان احرام به عرفات و مشعر برود، و وقفین را با مردم بجا آورد، و بعد به منی بیاید، و اعمال منی را انجام دهد، و در حج افراد قربانی واجب نیست، و روز دوازدهم یا سیزدهم به مکه مراجعت نماید و در آنجا بماند، هر وقت پاک شد طواف زیارت و نماز آن را بجا آورد، و بعد سعی بین صفا و مروه نماید، پس از آن طواف نساء و نماز آن را بجا آورد،

و آن‌گاه به خارج حرم رفته و محرم شود به احرام عمره مفرده، و به مکه آمده و اعمال عمره را تمام نماید.

مسئله ۱۷. در مسأله سابق اگر آن زن نمی‌تواند بماند تا پاک شود - مثلاً همسفرهای او مهلت نمی‌دهند و ناچار از مراجعت است - باید برای طواف زیارت و نماز آن نایب بگیرد، و پس از آن که نایب، طواف و نماز آن را بجا آورد، آن زن سعی بین صفا و مروه نماید، و پس از آن برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد، و بعد برود خارج حرم و محرم به احرام عمره مفرده شود و بیاید مکه، و برای طواف عمره و نماز آن نایب بگیرد، و بعد خودش سعی بین صفا و مروه نماید، و بعد تقصیر کند و بعد برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد.

مسئله ۱۸. اگر زن در میقات پاک باشد و محرم شود به احرام عمره تمتع، و قبل از طواف عمره، حائض شود و پاک نشود تا وقت عمره بگذرد، عدول به حج افراد نموده، و بنحوی که قبلاً ذکر شد عمل نماید.

مسئله ۱۹. اگر زن در حال احرام پاک بود و محرم به احرام عمره تمتع شد، و در بین طواف حائض شد، واجب است فوراً از مسجد الحرام خارج شود، پس اگر بعد از چهار شوط حائض شده، عمره تمتع او صحیح است، می‌رود سعی بین صفا و مروه می‌نماید و بعد تقصیر می‌نماید، و از عمره محل می‌شود، و بعد در خارج از مسجد در مکه محرم شود به احرام حج، و اعمال عرفات و مشعر و منی را بجا آورد، و بعد از مراجعت از منی هر وقت پاک شد طواف زیارت و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن را به ترتیب بجا آورد، پیش از طواف حج آن چه از طواف عمره و نماز طواف باقی مانده آن را بجا آورد، و احتیاطاً سعی را هم اعاده نماید، هر چند لازم نیست، و اگر قبل از پاک شدن ناچار است از مراجعت به وطن، برای کسری طواف عمره و نماز آن و برای طواف زیارت و نماز آن نایب بگیرد، و بعد از آن که نایب، طواف و نماز آن را بجا آورد خودش سعی نماید، و بعد برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد و اگر بعد از سه شوط و نیم و پیش از تمام شدن شوط چهارم حائض شود احوط این است که سعی بین صفا و مروه را رجاءاً به قصد سعی عمره تمتع انجام دهد و تقصیر کند و در خارج مسجد در مکه، به احرام حج تمتع، رجاءاً محرم شود و اعمال عرفات، مشعر و منی را به قصد ما فی الذمه از حج تمتع یا افراد بجا آورد و بعد از مراجعت از منی هر وقت پاک شد باقی مانده طواف عمره و سعی را رجاءاً قبل از طواف زیارت بجا آورد و طواف زیارت و نماز آن و رجاءاً سعی و طواف نساء و نماز آن را به قصد ما فی الذمه بجا آورد، سپس یک عمره مفرده بجا آورد و احتیاطاً برای تقصیر کفاره بدهد.

مسئله ۲۰. اگر زن در میقات پاک است، لکن احتمال می‌دهد که قبل از طواف عمره حائض شود و پاک نشود، تا وقت عمره بگذرد، یا آن که در میقات حائض باشد و احتمال بدهد پاک نشود تا وقت عمره بگذرد، احتیاط آن است که در وقت احرام قصد کند محرم می‌شوم به احرامی که بر من واجب است از عمره تمتع یا حج افراد، پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد اعمال را تمام کند و محل شود، و بعد اعمال حج را بجا آورد و

حج تمتع او صحیح است و اگر پاک نشد، با همان احرام اعمال حج را بجا آورد و بعد عمره مفرده بجا آورد، و حج او حج افراد است. و اگر فرصت طواف ها را ندارد بنحوی که در مسائل گذشته ذکر شد برای طواف ها نایب بگیرد.

مسئله ۲۱. اگر زن در میقات حائض است و یقین دارد پاک نمی شود تا وقت عمره تمتع بگذرد، یا آن که در میقات پاک است و یقین دارد قبل از طواف عمره حائض می شود و پاک نمی شود تا وقت عمره بگذرد جمعی فرموده اند: واجب است از میقات محرم به حج افراد شود، لیکن چون این یقین بر حسب عادت است و امکان دارد برخلاف عادت پاک شود، و یا در فرع دوم در حیض تأخیر شود، احتیاطاً مسئله قبل را ترک نکند و به همان نحو عمل نماید.

مسئله ۲۲. اگر زن چون یقین داشت برای عمره تمتع پاک نیست به قصد حج افراد محرم شد، و اتفاقاً در مکه بر خلاف عادت پاک شد، لازم است از حج افراد - عدول به عمره تمتع کند - یعنی طواف و نماز آن و سعی را بجا آورد و تقصیر نماید، و بعد برای حج محرم شود و اعمال حج را بجا آورد، و این مخصوص کسی است که مکلف به حج تمتع باشد، و اما کسی که حج افراد هم از او صحیح است مختار است که عدول نماید به تمتع یا حج افراد را تمام کند.

مسئله ۲۳. اگر زن در بین طواف قبل از سه شوط و نیم حائض شود، و تا گذشتن وقت عمره پاک نشود، حکم حائض شدن قبل از طواف را دارد، و عمره تمتع او باطل است، و واجب است عدول به حج افراد نماید بنحوی که گذشت.

مسئله ۲۴. اگر کسی احرام را فراموش نماید، و تا بعد از انجام جمیع واجبات به خاطرش نیاید، اقوی صحت آن عمره است، و جاهل به مسئله در حکم ناسی است، و هم چنین است حکم، در ترک تلبیه جهلاً یا نسیاناً.

مسئله ۲۵. اگر کسی عمداً احرام را ترک کند، و برگشتن به میقات ممکن نباشد اقوی فساد عمره اوست، اگر چه احوط آن است که از هر مکانی که ممکن باشد محرم شود و عمره را انجام دهد و بعد هم قضاء آن را بجا آورد.

جده میقات نیست

مسئله ۲۶. میقات بودن جده به نظر حقیر محرز نیست، لذا اشخاصی که از ایران یا سایر ممالک از طریق هوائی وارد جده می شوند، لازم است یا قبل از حرکت نذر کنند که در محل خود محرم شوند، و بعد از احرام حرکت کنند، و برای نشستن زیر سقف یک گوسفند کفاره در مکه ذبح نمایند، در این صورت از هر طریق بخواهند می توانند وارد مکه شوند، و با همان احرام اعمال عمره را بجا آورند و تجدید نیت هم لازم نیست، هر چند از یکی از میقات ها عبور نمایند و یا آن که اگر نذر نمی کنند لازم است در این حرکت، عازم ورود به مکه نباشند،

بلکه قصد کنند که می‌رویم جدّه که از آن‌جا به یکی از میقات‌ها برویم، و در این صورت واجب است پس از ورود به جدّه به یکی از میقات‌ها بروند و از آن‌جا محرم شوند، چنانچه با این فرض نتوانستند به میقات بروند، احتیاطاً هر مقدار ممکن است بجانب میقات بروند محرم شوند، و اگر نتوانستند بجانب میقات بروند، در جدّه محرم شوند، و در حدیبیه و یا جعرانه یا ادنی‌الحل احتیاطاً تجدید نیت کنند، و در غیر این صورت در جدّه نمی‌توانند محرم شوند.

نذر احرام پیش از میقات

مسئله ۲۷. چنانچه گفته شد پیش از رسیدن به میقات یا محاذات آن، احرام بستن جائز نیست، ولی اگر کسی نذر کند که پیش از رسیدن به میقات در محل معینی محرم شود، مثلاً نذر کند که در تهران یا مشهد یا کوفه محرم شود باید به نذر خود وفا کند، و در همان محل معین که نذر کرده است احرام ببندد، و احرام او صحیح است.

مسئله ۲۸. برای صحت نذر احرام قبل از میقات، کافی است بگوید مثلاً:

لِهْتَرِ عَلٰی اَنْ اُحْرِمَ مِنْ طَهْرَانِ

یا فارسی بگوید:

از برای خدا بر من است که از تهران محرم شوم.

مسئله ۲۹. در هر جا که تشخیص میقات یا محاذات آن به علم یا ظن معتبر ممکن نشود، بهتر آن است که نذر کند پیش از میقات یا پیش از محاذات میقات، در محل معینی احرام ببندد، و از همان محلی که نذر کرده محرم شود.

مسئله ۳۰. اگر در وقت نذر احرام پیش از میقات، بنا داشته باشد که با وسیله سقف دار مثل هواپیما یا کشتی یا اتومبیل مسقف حرکت نماید، نذر او صحیح است، ولی مرد باید تا ممکن می‌شود در حال حرکت و طی منزل، زیر سقف ننشیند، و اگر مضطر باشد جایز است، و كفاره دارد که در بحث كفاره ذکر می‌شود.

مسئله ۳۱. کسی که می‌خواهد با هواپیما به حج برود، اگر ناچار باشد و طور دیگر ممکن نباشد، جایز است نذر کند از محل خود محرم شود، ولی در حین احرام قصد کند که تا بتوانم تظلیل نکنم، و با اضطرار، هر چند از جهت ضیق وقت باشد یا وسیله ای غیر آن نباشد، جایز است به هواپیما سوار شود، و برای تظلیل فدیّه بدهد، لیکن اگر هواپیما شب حرکت کند وجوب فدیّه معلوم نیست، ولی مطابق احتیاط است.

واجبات احرام

مسأله ۳۲. واجبات احرام سه چیز است:

اول - پوشیدن دو جامه احرام، و واجب است که یکی از آن‌ها از ناف تا زانو را بپوشاند که آن را لنگ گویند، و دیگری باید بر دوش انداخته شود، و بقدری باشد که شانه‌ها را بپوشاند و آن را ردا گویند، و احتیاط لازم آن است که پیش از نیت و گفتن تلبیه‌های واجب، لباس دوخته را درآورد، و لباس احرام را بپوشد و بعد نیت کند، و احتیاط مستحب آن است که زن‌ها نیز این دو جامه را بپوشند، و درآوردن لباس دوخته بر آن‌ها واجب نیست، و جایز است بانوان بعد از احرام، دو جامه احرام را بیرون بیاورند، و با لباس خودشان باشند، و بهتر آن است که در حال سعی و طواف دو جامه احرام را در برداشته باشند.

مسأله ۳۳. احرام باید در لباسی باشد که نماز خواندن در آن صحیح باشد، پس اگر لباس احرام حریر (ابریشم) خالص باشد، یا از اجزای حیوان حرام گوشت، یا نجس باشد به نجاستی که در حال نماز از آن عفو نشده یا غصبی باشد، احرام در آن صحیح نیست، ولی اگر لباس احرام به نجاستی که نماز خواندن با آن صحیح است نجس باشد، مثل خون زخم و جراحت و دمل ضرر ندارد.

مسأله ۳۴. باید پارچه‌ای که از ناف تا زانو را می‌پوشاند، بقدری نازک نباشد که پوست بدن از زیر آن نمایان باشد، و احوط در پارچه‌ای که بدوش انداخته می‌شود نیز این است، که به حدی که گفته شد نازک نباشد.

مسأله ۳۵. اگر لباس احرام در بعض حالات احرام نجس شود، احتیاط مستحب آن است که آن را عوض کند و یا تطهیر نماید، بلکه احوط و اولی آن است که اگر محرم بدنش نجس شود نجاست را از آن زایل کند.

مسأله ۳۶. جامه احرام زن نیز مثل جامه احرام مرد، باید از ابریشم خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که سایر لباس‌های او نیز از ابریشم خالص نباشد.

مسأله ۳۷. احتیاط واجب آن است که لباس احرام بافتنی باشد، چه محرم مرد باشد و چه زن، و از پوست یا مثل نمد مالیده نباشد، و هم چنین از اجناس جدید مثل پلاستیک و نایلون و امثال آن اگر بافته نیستند، نباشد.

دوم - از واجبات احرام، نیت است، یعنی قصد کند که احرام می‌بندم برای عمره تمتع حجة الاسلام به جهت اطاعت فرمان خداوند عالم. و معنای احرام بستن، آن است که برای توجه به مکه، و بجا آوردن اعمال حج و عمره، بر خود قرار دهد و ملتزم شود کارهایی را که در عمره تمتع بر او حرام است ترک نماید، و مستحب است که نیت احرام را به زبان بیاورد چنانچه گذشت.

سوم - گفتن چهار تلبیه است بعد از نیت، و صورت آن این است که بگوید:

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ،

و بنابر احتیاط واجب جمله ذیل نیز گفته شود.

إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَشَرِيكَ لَكَ

و بهتر، اضافه یک لَبَّيْكَ دیگر است بعد از لا شَرِيكَ لَكَ، و واجب است که این عبارت را به عربی صحیح بگویند، و احوط و اولی کسر همزه إِنَّ و فتح کاف الملک است، و واجب است کسی که این عبارت را نمی داند به طور صحیح آن را یاد بگیرد، یا کسی به او در وقت گفتن تلقین کند، و اگر ممکن نشد، به هر صورت که می تواند بگوید، و ترجمه اش را به فارسی یا زبان دیگر بگوید، و نایب هم بگیرد رجاء که از طرف او بطور صحیح بگوید.

مسأله ۳۸. مکرر گفتن این چهار تلبیه مستحب است، و بیش از یک مرتبه گفتن آن واجب نیست.

مسأله ۳۹. شخص محرم تا محل نشده جایز نیست لباس دوخته بپوشد، ولی بیرون آوردن لباس احرام برای او در صورتی که ناظر محترم نباشد جایز است.

مسأله ۴۰. هر گاه پوشیدن لباس احرام را فراموش نماید، و پیش از آن که مشغول طواف شود، بخاطرش بیاید، احوط آن است که به میقات برگردد، و لباس احرام را بپوشد، و تلبیه را هم رجاءاً بگوید، و اگر برگشتن به میقات ممکن نباشد، هر مقدار ممکن است برگردد، و در آن جا بپوشد، و اگر برگشتن اصلاً ممکن نشود، هر جا به خاطرش آمد همانجا لباس احرام بپوشد، و تلبیه را بنحوی که ذکر شد بگوید، و اگر با تمکن برنگشت، و هر جا یادش آمد لباس احرام پوشید، احرام او صحیح است علی الظاهر، گرچه خلاف احتیاط است.

مسأله ۴۱. معلوم شد که احرام این است که شخص ملتزم شود، و بر خود قرار دهد، ترک کارهایی را که در حال احرام حرام است. پس لازم است آن کارها را، پیش از نیت احرام بطور اجمال بشناسد، تا در موقع نیت، ترک آن ها را بر خود قرار دهد، و کفایت می کند که در نظر داشته باشد ترک محرّماتی که در مناسک نوشته شده، و لازم نیست که بطور تفصیل در وقت احرام آن کارها در نظرش باشد.

۲۵ چیز بر محرم حرام است

۱ - شکار حیوان صحرائی.

۲ - جماع (نزدیکی) با زن و سایر لذات.

۳ - عقد کردن زن.

۴ - شاهد عقد شدن.

۵ - استمناء.

۶- بوئیدن بوی خوش و گرفتن بینی از بوی بد.

۷- پوشیدن چیز دوخته برای مرد.

۸- سر مه کشیدن.

۹- نگاه کردن در آینه.

۱۰- پوشیدن روی پا برای مرد.

۱۱- دروغ گفتن و فحش دادن.

۱۲- قسم خوردن.

۱۳- کشتن جانوران بدن.

۱۴- برای زینت انگشتر بدست نمودن.

۱۵- پوشیدن زیور برای زن.

۱۶- مالیدن روغن به بدن.

۱۷- زایل نمودن مو از بدن.

۱۸- پوشاندن مرد سر و گوش خود را.

۱۹- پوشاندن زن صورت خود را.

۲۰- استتلال برای مرد.

۲۱- بیرون آوردن خود از بدن خود.

۲۲- ناخن گرفتن.

۲۳- کندن دندان.

۲۴- کندن درخت حرم.

۲۵- بستن آلات حرب بر بدن.

و تفصیل این امور به شرح ذیل است:

اول - شکار حیوان صحرائی وحشی، حلال گوشت باشد یا حرام گوشت، مثل روباه و خرگوش و آهو و ملخ و طیور، و حرام است کمک به صیاد، و نشان دادن شکار به او، و خوردن گوشت آن، و نگاه داشتن آن، هر چند پیش از احرام مالک آن شده باشد. و هر حیوانی که شکار کردن آن بر محرم حرام است، برداشتن تخم و جوجه آن نیز، بر محرم حرام است.

مسأله ۴۲. صید حیوانات وحشی در حرم، و هم چنین برداشتن جوجه و تخم آن ها و خوردن آن بر غیر محرم

نیز حرام است.

مسأله ۴۳. شکار حیوان دریائی و کشتن حیوان اهلی، مثل گاو و گوسفند و شتر و خوردن گوشت آن ها بر محرم حلال است، و هم چنین کشتن حیوان صحرائی وحشی که از اذیت آن ترس داشته باشد، مانعی ندارد.

مسأله ۴۴. محرم شکار وحشی را مالک نمی شود، و اگر کسی آن را به او بفروشد یا ببخشد ملک او نمی شود، و اگر پیش از احرام آن را شکار کرده باشد و با خود آورده باشد، وقتی محرم شد از ملک او بیرون می رود و باید آن را رها کند.

مسأله ۴۵. اگر محرم حیوانی را که شکارش حرام است بکشد، باید کفاره بدهد. و تفصیل آن را در کتاب های حج، فقها ذکر فرموده اند.

مسأله ۴۶. اگر محرم صیدی را ذبح کند میته است، و خوردن آن بر محرم، و محل حرام است.

دوم - جماع کردن با زن و بوسیدن، و بازی کردن، و نگاه کردن به شهوت به او است بلکه بردن هر لذتی از زن حرام است، هر چند حلال خودش باشد، و لذت بردن مرد محرم از زن نامحرم، و یا مرد از مرد، علاوه بر آن که پیش از احرام حرام بوده، بواسطه احرام مؤکد می شود.

مسأله ۴۷. اگر کسی با علم و عمد، در عمره تمتع جماع کند، خواه در فرج باشد یا در دبر، اگر پیش از سعی باشد بنا بر مشهور عمره او فاسد است، و باید احتیاطاً آن را تمام کند، و بعد از تمام کردن عمره، پیش از حج، واجب است عمره را اعاده نماید، و یک شتر کفاره بر او واجب است. و اگر وقت اتمام و اعاده ندارد، آن را به قصد ما فی الذمه، از اتمام و تمام اعاده نماید. و اگر به واسطه تنگی وقت نتواند، آن را پیش از حج اعاده کند، ولی می تواند اتمام کند، اتمام کند، و تقصیر نماید. و احتیاطاً به یکی از مواقیت برود، و محرم به احرام حج افراد شود، و اگر وقت تنگ است هر چه می تواند بطرف میقات برود و محرم شود و به مکه بیاید، و در مکه نیز احتیاطاً محرم به احرام حج تمتع شود، و سایر اعمال را بقصد ما فی الذمه از حج تمتع یا افراد بجا آورد، و بعد یک عمره مفرده بجا آورد. و احوط اعاده حج است در سال آینده. و اگر بعد از سعی جماع کند فقط یک شتر، کفاره بر او لازم است، و حج او صحیح است.

مسأله ۴۸. اگر کسی در احرام حج جماع کند، اگر پیش از وقوف به عرفات و مشعر بوده حج او فاسد است، و باید آن را تمام کند، و در سال دیگر قضاء آن را بجا آورد. و هم چنین است حکم، بنا بر اشهر، اگر بعد از وقوف به عرفات و پیش از مشعر جماع کند، و باید در هر دو صورت تا تمام شدن مناسک حج بین زن و شوهر جدائی باشد، یا شخصی ثالثی نزد آنان باشد، و این حکم در سال بعد نیز که حج می کنند و به این محل می رسند در حق ایشان جاری است، و حکم زن، مثل حکم مرد است اگر راضی باشد، و اگر مرد، او را مجبور نموده حج

زن صحیح است، و دو کفاره بر مرد است. و اگر بعد از وقوف عرفات و مشعر باشد در صورتی که پنج شوط از طواف نساء را بجا نیاورده باشد فقط کفاره بر او لازم است و حج او صحیح است، و بعد از پنج شوط، کفاره بر او نیست اگر چه احوط است.

مسئله ۴۹. کفاره بوسیدن زن اگر از روی شهوت باشد یک شتر است، و اگر به غیر شهوت نیز باشد، بنا بر احتیاط واجب، یک شتر است.

مسئله ۵۰. اگر محرم عمداً از روی شهوت به زن خود نگاه کند و منی از او بیرون آید، یا زن خود را ببوسد، کفاره آن یک شتر است، و اگر به غیر عیال خود نگاه کند و منی از او بیرون آید، بنا بر احتیاط واجب کفاره آن یک شتر است، و اگر نتواند، یک گاو و اگر آن را هم نتواند یک گوسفند کفاره بدهد.

سوم - آن که، زنی را برای خودش یا برای شخص دیگر عقد کند، اگر چه آن شخص محرم نباشد، و عقد هم باطل است. و احتیاط واجب آن است که زن را خواستگاری هم نکند ولی رجوع به مطلقه رجعی در عده مانعی ندارد.

مسئله ۵۱. کسی که زنی را برای محرمی عقد کند، و آن محرم به آن زن دخول کند، بر آن کسی که عقد کرده اگر چه محرم نباشد، و بر محرمی که دخول کرده، هر یک، یک شتر کفاره واجب است. و بر زن نیز اگر چه محل باشد و بداند که شوهرش محرم است همین کفاره لازم است. ولی اگر دخول واقع نشود بر هیچ یک کفاره نیست.

چهارم - آن که شاهد عقد ازدواج شود، و اگر پیش از احرام شاهد شده است در حال احرام شهادت بر آن جایز نیست.

پنجم - استمناء است (استمناء به غیر ملامعه با حلیله خود، در غیر حال احرام نیز حرام است) یعنی کارهایی که به سبب آن‌ها منی از انسان خارج می‌شود، مثل ملامعه با زن، بلکه با دست یا خیالات شهوت انگیز که منی از او بیرون آید، کفاره آن یک شتر است. و احوط آن است که این کارها را ترک کند، اگر چه سبب بیرون آمدن منی نشود.

ششم - بوئیدن بوی خوش، مثل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، و نیز مالیدن آن‌ها بر بدن و خوردن آن و پوشیدن لباسی که در آن بوی خوش باشد اگر اثرش باقی باشد حرام است و در صورت احتیاج به خوردن یا پوشیدن، باید بینی خود را بگیرد، و بنا بر احتیاط لازم، باید استعمال گل‌های خوشبو را نیز ترک کند، و بنا بر احتیاط، از بوئیدن میوه‌های خوشبو، مثل سیب و به، خودداری کند، ولی خوردن آن‌ها ضرر ندارد.

مسئله ۵۲. چنانچه اتفاقاً از برابر دکان‌های عطر فروشی عبور کند، بنا بر احتیاط لازم، بینی خود را بگیرد که

بوی خوش به آن نرسد.

مسئله ۵۳. احوط آن است که از بوهای خوش کعبه هم خودداری کند، ولی آن چه به غیر اختیار در حال طواف از بوی آن به شامه یا به لباس یا بدن می رسد ظاهراً اشکال ندارد، و گرفتن بینی یا شستن لباس و بدن واجب نیست.

مسئله ۵۴. کفاره استعمال بوی خوش بنا بر احتیاط واجب کشتن یک گوسفند است.

مسئله ۵۵. در حال احرام گرفتن بینی از بوی بد حرام است ولی از آن به تعجیل گذاشتن حرام نیست.

هفتم - پوشیدن چیز دوخته است، هر چند کوچک باشد، ولی بستن همیان پول به کمر عیبی ندارد هر چند دوخته باشد، و بهتر آن است که طوری ببندد که بدون گره باشد و بستن فتق بند نیز، اگر ناچار باشد مانعی ندارد اگر چه دوخته باشد ولی بنا بر احتیاط مستحب، یک گوسفند کفاره دارد.

مسئله ۵۶. احتیاط لازم آن است که به لباس احرام خصوصاً ردا، گره نزند و تکمه در آن ندوزند و به چوپ یا سوزن و سنجاق آن را بهم وصل نمایند.

مسئله ۵۷. حرمت پوشیدن لباس دوخته مخصوص مردها است، پس جایز است زن ها لباس دوخته بپوشند، ولی باید از پوشیدن قفازین که دستکش مخصوصی است خودداری نمایند.

مسئله ۵۸. گذاردن سنگ در لای لباس احرام، و بستن و پیچیدن آن با نخ، بدون آن که گره بزند مانعی ندارد، بشرط آن که دو طرف رداء را روی یکدیگر نگذارد که مثل گریبان (یقه) شود، و جایز نیست رداء را سوارخ کند و سرش را از رداء بیرون آورد.

هشتم - سر مه کشیدن است به چیز سیاهی که اسباب زینت باشد اگر چه قصد زینت هم نداشته باشد. و احوط آن است که به چیزی که سیاه هم نباشد به قصد زینت خصوصاً اگر بوی خوش داشته باشد سر مه نکشد.

نهم - نگاه کردن در آینه برای محرم حرام است مگر در حال ضرورت، مثل راننده که گاهی از اوقات برای او ضرورت دارد، ولی نگاه کردن در آب صاف ضرر ندارد، اگر چه احتیاط مستحب ترک آن است، و هم چنین احتیاط مستحب ترک عینک زدن است.

دهم - از چیزهایی که بر مرد محرم حرام است پوشیدن چیزی است که تمام روی پا را بپوشاند مثل چکمه و جوراب، و احتیاط آن است که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خودداری کند، ولی بند نعلین که مقداری از روی پا را می پوشاند اشکال ندارد، و اگر محتاج شود به پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بپوشاند از جهت نداشتن نعلین، احوط شکافتن روی آن ها است.

یازدهم - فسوق است - فسوق در غیر حال احرام نیز حرام است، و آن دروغ و فحش دادن است. و نیز حرام

است عیبی را از خود دور و به دیگری نسبت دهد، یا صفت خوبی را برای خود بگوید، و آن را از دیگری سلب کند، بلکه احتیاط آن است که از هر سخن زشت و ناروایی در حال احرام خودداری کند.

مسئله ۵۹. دروغ و فحش دادن سبب فساد احرام نمی شود، و کفاره آن استغفار است. و مستحب است صدقه دادن به چیزی، بلکه کشتن یک گاو، مستحب است.

دوازدهم - جدال است، و آن قسم خوردن به گفتن لا والله یا گفتن بلی والله است، خواه راست باشد یا دروغ، و احتیاط واجب آن است که به غیر این دو لفظ هم قسم نخورد، و در موقع ناچاری که اثبات حق یا رد باطل به غیر آن نشود مانعی ندارد. و آری والله و بله والله و نه والله ملحق به آن است بنا بر احتیاط لازم.

مسئله ۶۰. اگر قسمی که خورده است راست باشد تا دو مرتبه کفاره ندارد و باید استغفار کند، و در مرتبه سوم، کفاره آن یک گوسفند است و اما قسم دروغ در مرتبه اول، کفاره آن یک گوسفند، و در مرتبه دوم، یک گاو، و در مرتبه سوم، یک شتر است.

سیزدهم - کشتن شپش یا کک و کنه و مانند اینها است، در بدن باشد یا در لباس. و هم چنین انداختن شپش و کک از بدن، بلکه آنها را از جای خودشان بجای دیگر - در صورتی که جای اول محفوظ تر باشد - نقل ندهند، و اما اگر جای اول محفوظ تر نیست، عوض کردن جای آنها مانعی ندارد.

چهاردهم - به جهت زینت، انگشتر بدست کردن برای محرم حرام است، ولی به قصد استحباب عیبی ندارد. و احتیاط آن است که از بستن حنا به قصد زینت، بلکه به غیر قصد زینت، در حال احرام و پیش از احرام، اگر اثرش تا حال احرام باقی می ماند خودداری کند.

پانزدهم - پوشیدن زیور است برای زن به قصد زینت، ولی آن چه را عادت بپوشیدن آن پیش از حال احرام داشته، لازم نیست بیرون بیاورد، ولی نباید برای شوهرش با مرد دیگر آن را نمایان سازد.

شانزدهم - مالیدن روغن به بدن است، هر چند در آن بوی خوش نباشد، و نیز پیش از احرام روغن مالیدن، اگر در آن بوی خوش باشد، و اثرش تا حال احرام باقی بماند جایز نیست.

مسئله ۶۱. اگر در حال احرام ناچار شود از مالیدن روغن، در این صورت مالیدن آن، مانعی ندارد.

هفدهم - ازاله کردن مو است از بدن خود، یا از بدن کس دیگر، اگر چه آن کس محرم نباشد، اگر چه یک مو باشد، ولی اگر ناچار باشد، مثل آن که برای رفع درد سر مو را برطرف کند، یا آن که مو، چشم را اذیت کند، ازاله آن حرام نیست.

مسئله ۶۲. کنده شدن مو در حال وضو یا غسل بدون قصد ضرر ندارد.

مسئله ۶۳. کفاره تراشیدن سر، و ازاله، موی زیر هر دو بغل، بلکه زیر یک بغل، اگر ناچار شود، یک گوسفند، یا

سه روز روزه، یا صدقه دادن ده مُدّ، بر ده مسکین است. و بعضی دوازده مُدّ بر شش مسکین فرموده اند. و این مطابق با احتیاط است و ترک نشود، و اگر ناچار نشود بنا بر احتیاط واجب، کفاره کشتن گوسفند است. و هر گاه دست به سر یا به ریش خود بکشد، و یک مو یا دو مو بیفتد، احتیاطاً یک مشت گندم یا جو و مانند اینها صدقه بدهد.

هیجدهم - آن که مرد، سر و گوش خود را بیوشاند، و احتیاط واجب آن است که گل و حنا به سر نمالد، و چیزی هم بر سر نگذارد، بلکه احتیاط مستحب این است که با دست نیز سر را نپوشاند.

مسأله ۶۴. پوشیدن قسمتی از سر نیز حرام است، ولی گزاردن بند مشک آب بر سر مانعی ندارد، و پوشیده شدن مقداری از سر، یا تمام آن، بواسطه دستمالی که برای درد سر به سر می بندد مانعی ندارد، لیکن یک گوسفند کفاره دارد، چنان که مذکور خواهد شد.

مسأله ۶۵. در حال احرام، سر به زیر آب یا مایع دیگر فرو کردن، برای مرد جایز نیست، بلکه احتیاط برای زن نیز ترک آن است.

مسأله ۶۶. پوشاندن صورت برای مردها جایز است.

مسأله ۶۷. کفاره پوشیدن سر، یک گوسفند است، اگر چه از روی ناچاری باشد، و احتیاط آن است که اگر بیش از یک بار سر را بیوشاند، برای هر بار جداگانه کفاره بدهد، خصوصاً اگر بدون عذر باشد، و مخصوصاً اگر مجلس آن هم متعدد شود.

نوزدهم - آن که زن، تمام یا قسمتی از صورت خود را با نقاب یا چیز دیگر بیوشاند.

مسأله ۶۸. اگر زن در موقع نماز، برای آن که یقین کند سر و گردن او پوشیده شده، مقداری از اطراف صورت را بیوشاند اشکال ندارد، ولی باید بعد از نماز فوراً آن مقدار را باز کند.

مسأله ۶۹. جایز است به جهت روگرفتن از نامحرم، مقداری از چادر یا چیز دیگری که به سر انداخته، تا محاذی چانه پائین بیندازد، لیکن احتیاط لازم این است که آن را به دست یا به چیزی دور از صورت نگهدارد، که مثل نقاب نشود، و در غیر این صورت یک گوسفند کفاره بر او لازم است.

بیستم - آن که مرد محرم، در روز در حال راه پیمودن، بالای سر خود سایه قرار دهد، چه سواره باشد و چه پیاده، و احتیاط مستحب آن است که در شب هم در حال راه پیمودن، برای خود سایه قرار ندهد.

مسأله ۷۰. برای زن و بچه، بالای سر، سایه قرار دادن اشکال ندارد.

مسأله ۷۱. احتیاط مستحب آن است که مرد محرم، در حال راه پیمودن، در سایه چیزی که بالای سر او هم نیست نباشد.

مسأله ۷۲. در وقت ناچاری، مثل شدت سرما یا گرما یا باران، در حال راه پیمایی، زیر سایه رفتن جایز است، ولی یک گوسفند کفاره آن بر او واجب می شود، و اما اگر در احرام عمره یا حج، مکرر سوار مرکب سقف دار شود و پیاده شود، به تکرار آن، کفاره تکرار نمی شود، بلی اگر هم در احرام عمره و هم در احرام حج سوار مرکب سقف دار شود، باید برای هر یک جداگانه کفاره بدهد. و احتیاط آن است که اگر بتواند برای هر روز یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۷۳. مرد محرم، در وقتی که منزل می کند، زیر طاق و مانند آن برود، یا چتر به سر بگیرد اشکال ندارد، اگر چه در حال رفت و آمد برای کارهای منزل باشد، و نشسته نباشد، ولی احتیاط آن است که در وقت رفت و آمد در کارهای منزل هم، زیر سایه نباشد هر چند مراعات آن لازم نیست.

بیست و یکم - آن که از بدن خودش خون بیرون بیاورد، هر چند به خراشاندن بدن یا مسواک کردن باشد، اگر بداند که این کارها سبب بیرون آمدن خون می شود، ولی در حال ناچاری مانعی ندارد، و کفاره آن بنا بر احوط و اولی یک گوسفند است.

مسأله ۷۴. اگر از بدن شخص دیگر خون بیرون آورد، اشکال ندارد.

بیست و دوم - ناخن گرفتن است، اگر چه مقدار کمی از یک ناخن باشد، و اما اگر ناچار باشد - مثل آن که مقداری از آن افتاده باشد، و باقی مانده، او را اذیت کند - گرفتن آن جایز است، و کفاره آن یک مُدّ (تقریباً سه ربع کیلو) طعام است، مثل گندم یا جو و مانند این ها که باید به فقیر بدهد. و کفاره گرفتن تمام ناخن نیز یک مُدّ است، و اگر تمام ناخن های دست و پا را در یک مجلس بگیرد، یک گوسفند لازم است، و اگر ناخن دست ها را در یک مجلس، و پاها را در مجلس دیگر بگیرد، دو گوسفند لازم است. و اگر شخصی اشتباهاً به محرمی بگوید: گرفتن ناخن در حال احرام اشکال ندارد، و آن محرم باور کند، و ناخن بگیرد و اتفاقاً خون بیفتد، باید کسی که مسأله را اشتباه گفته یک گوسفند کفاره بدهد، چه محرم باشد، و چه محل و چه مجتهد باشد یا نباشد. بیست و سوم - کشیدن دندان است، هر چند خون نیاید، و کفاره آن بنا بر احتیاط، یک گوسفند است. بیست و چهارم - کندن درخت و گیاهی است که در حرم روئیده باشد، ولی کندن درخت و گیاهی که در ملک خودش روئیده باشد مانعی ندارد.

مسأله ۷۵. اگر محرم، درختی را که کندن آن در حال احرام حرام است بکند، جمعی فرموده اند: که اگر بزرگ باشد کفاره آن یک گاو و اگر کوچک باشد یک گوسفند است، و این قول مشهور است. و بعضی فرموده اند: قیمت درخت را به فقیر بدهد. و ظاهر این است که اگر گاو یا گوسفند را، به قصد ما فی الذمه، از عین آن ها یا قیمت درخت بدهد، و قیمت درخت بیشتر نباشد، کافی است. و اگر مقداری از یک درخت را بکند، باید به

مقدار قیمت آن به فقیر بدهد. و اگر گیاهی را بکند، استغفار کند ولی کفاره ندارد.

مسأله ۷۶. کندن درخت یا گیاه حرم به تفصیلی که گفته شد برای کسی که محرم هم نیست حرام است، ولی جایز است حیوان خود را رها کند تا علف را بخورد، بدون آن که خودش به جهت او آن را قطع کند، چنانچه راه رفتن بطور متعارف، اگر موجب کنده شدن گیاه حرم شود مانعی ندارد.

بیست و پنجم - اسلحه و آلات حرب بر خود بستن است، و بعضی زره و خود و هر چه از وسائل دفاع باشد نیز جز سلاح شمرده، و پوشیدن آن‌ها را حرام دانسته‌اند.

مسأله ۷۷. احتیاط واجب آن است که اسلحه را اگر نمایان باشد همراه بر ندارد، اگر چه به تن او نباشد.

محل ذبح کفاره

مسأله ۷۸. محل ذبح یا نحر کفاره صید، اگر در احرام عمره باشد مکه است، و اگر در احرام حج باشد منی است. و بنا بر احتیاط، محل ذبح کفاره غیر صید نیز در احرام حج منی است، و در احرام عمره مکه است، ولی اگر متمکن از آن در مکه یا منی نشد یا فقیری که آن را به او صدقه بدهد نبود و یا به هر جهت دیگر ترک شد در وطنش ذبح کند، و به فقیر بدهد.

مسأله ۷۹. از کارهایی که بر محرم حرام است، پانزده قسم آن کفاره دارد، لیکن در بعضی از آن اقسام کفاره بنا بر احتیاط است.

۱ - شکار.

۲ - عقد به شرط دخول.

۳ - استمناء.

۴ - جماع و بوسیدن زن.

۵ - استعمال بوی خوش.

۶ - پوشیدن چیز دوخته برای مرد.

۷ - جدال.

۸ - زایل کردن موی زیر بغل و تراشیدن سر (تراشیدن و زایل کردن موی زیر بغل غیر، کفاره ندارد، اگر چه حرام است).

۹ - پوشانیدن سر برای مرد.

۱۰ - پوشانیدن زن تمام یا قسمتی از صورت خود را.

۱۱ - سایه بالای سر قرار دادن برای مرد در حال سیر.

۱۲ - بیرون آوردن خون از بدن خود.

۱۳ - ناخن گرفتن.

۱۴ - کندن دندان.

۱۵ - کندن درخت و گیاه حرم.

و شرح هر یک به مقداری که در این رساله مناسب بود گفته شد.

مسأله ۸۰. اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، یکی از کارهایی را که سبب کفاره می شود انجام دهد، کفاره بر او واجب نمی شود، مگر در شکار، و بعض موارد دیگر که حکم آن بعداً ذکر می شود که در صورت فراموشی و ندانستن مسأله نیز کفاره لازم می شود.

طواف عمره

مسأله ۸۱. دانسته شد که دوم از اعمال واجب عمره تمتع، طواف خانه کعبه است. و پیش از بیان احکام آن، مستحبات داخل شدن به حرم، و مستحبات داخل شدن به مکه، و مستحبات داخل شدن به مسجد الحرام را به تفصیل شرح می دهیم انشاء الله.

- مستحبات داخل شدن به حرم

مسأله ۸۲. بدان که مقداری از زمین هائی که از جهات چهارگانه محیط به مکه است، حرم می باشد، و طول و عرض آن هر یک چهار فرسخ است، لکن مسافت آن از تمام جهات به مکه مساوی نیست و علاماتی از طرف جدّه و عرفات، و سایر اطراف که وارد مکه می شوند نصب شده است که معلوم است.

مسأله ۸۳. مستحب است که محرم چون به حرم رسید، قبل از ورود به آن پیاده شود، و برای وارد شدن به حرم غسل کند، و پا را برهنه کند، و نعلین را در دست گیرد، و وارد حرم شود. و در حدیث است کسی که چنین کند برای تواضع و فروتنی نسبت به خداوند متعال، خداوند عالم، جلّ ذکره، محو کند از او صد هزار گناه، و بنویسد از برای او صد هزار حسنه، و صد هزار حاجت او را برآورد، و مستحب است که در وقت وارد شدن به حرم، این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَأَدَّنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالاً وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعًا لِنِدَائِكَ

وَمُسْتَجِيباً لَكَ، مُطِيعاً لِأَمْرِكَ، وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أُبْتَغِي بِذَلِكَ الرَّزْقَةَ عِنْدَكَ، وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي، وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ، وَأَمْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

- مستحبات داخل شدن به مکه معظمه

بدان که مکه معظمه مرکز طلوع انوار وجود محمدی، و مشرق آفتاب هدایت اسلامی، و مهبط ملائکه مقربین، و محل بزرگ ترین و باشکوه ترین اجتماع مؤمنین و موحدین، و مکان نزول امطار رحمت و مغفرت، و آیات بینات الهی، و مقام ابراهیم خلیل است. و از این جهات و جهات بسیار دیگر، مخصوصاً از جهت وجود بیت الله الحرام در آن، شرافت و حرمت آن بسیار است. کسی که وارد آن شهر مقدس می شود باید فضایل مشاهد بزرگ و شعائر اسلامی را که خداوند متعال مقرر داشته متوجه باشد، تا برای ادراک برکات و فضایل آن اماکن مقدسه آماده شود، و نور حقیقت بر حال او ظاهر شده، و گناهانش آمرزیده، و عیوبش بر طرف شود، انشاء الله تعالی.

إِنَّمَا سُمِّيَتْ مَكَّةَ لِأَنَّهَا تَمْكُ الذُّنُوبَ أَيُ تُزِيلُهَا كُلَّهَا.

مکه را به این نام نهاده اند چون تمام گناهان را محو و نابود می کند.

مسأله ۸۴. مستحب است به جهت وارد شدن به مکه اگر

ممکن شود غسل دیگر کند، و با آرامش دل و بدن با فروتنی و وقار وارد مکه شود، و چون وارد مکه شود از راه بالای مکه داخل شود از عقبه (کداء) که در شمال مکه است. و بعضی این حکم را مختص به کسانی دانسته اند که از راه مدینه می روند. و در موقع خروج، از عقبه ذی طوی که در جنوب مکه واقع است خارج شود.

- مستحبات داخل شدن به مسجدالحرام

مسأله ۸۵. بنا به فرموده بعضی از علما، مستحب است غسل به جهت وارد شدن به مسجدالحرام و مستحب است که از در بنی شیبیه که مقابل باب السلام است، و بواسطه توسعه مسجد در خود مسجد واقع شده است وارد شود. و در کمال خضوع و خشوع، و آرامش دل و بدن، در نزد آن بایستد و بگوید - چنان که در خبر صحیح است :-
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِهَلَلِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و در روایت دیگر وارد است که میگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى
 أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لَهُوَ رَبُّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا
 وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ
 مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَى
 الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لَهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ، وَاحْفَظْنِي
 بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِهَاعِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُورِهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ
 مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مَاتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ
 خَيْرُ مَاتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، بِأَنَّكَ وَاحِدٌ
 أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ) كُفُوًا أَحَدٌ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ
 بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جِبَارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ بَرِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوْلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي
 فَكَأكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

پس سه مرتبه می گوئی:

اللَّهُمَّ فَكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

پس می گوئی:

وَأَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالنَّاسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.

پس داخل مسجد می شوی و می گوئی:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

پس دستها را بردار و روی به کعبه معظمه کن و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي
 وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا
 مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأُؤَمِّمُ طَاعَتَكَ، مُطِيعًا
 لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ، الْخَائِفِ مِنْ عُقُوبَتِكَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي
 بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ.

پس خطاب به کعبه کن و بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ.

و چون نظر بر حجر الاسود افتد رو بسوی او کن و بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخْشَى وَأَحْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ.

پس به تائی و آهسته روانه شو و گام ها را کوتاه بگذار پس چون به نزدیک حجر الاسود رسیدی دست ها را بردار و حمد و ثنای الهی بجا آور و صلوات بر محمد و آل محمد فرست و بگو:

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.

و اگر توانستی دست و رو و بدن را به حجر الاسود می مالی - و می بوسی آن را و اگر نتوانستی ببوسی دست به مال و اگر نتوانی دست را بمالی اشاره کن و بگو:

اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا، وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ، لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَاظَةِ. اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى، وَعِبَادَةَ الشَّيْطَانِ، وَعِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.

و اگر نتوانستی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي، وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ سُبْحَتِي، وَاغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ، وَالْفَقْرِ، وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

و بعد از آن شروع به طواف کن.

احکام طواف عمره تمتع

مسأله ۸۶. کسی که وظیفه او عمره تمتع است بعد از احرام، و وارد شدن به مکه معظمه، واجب است هفت شوط طواف کند. یعنی هفت مرتبه دور کعبه بگردد، که آن را طواف عمره تمتع می گویند.

مسأله ۸۷. طواف رکن عمره است، یعنی اگر کسی عمداً طواف را ترک کند و وقت آن بگذرد عمره او باطل است، چه عالم باشد چه جاهل، چه تمام طواف را ترک کند چه بعضی آن را، و موقعی وقت آن می گذرد که نتواند پیش از وقوف به عرفات آن را بجا آورد، که در این حال چون بعید نیست که احرام او نیز باطل شده باشد بنا بر احتیاط واجب به میقات برود و اگر بواسطه تنگی وقت متمکن از رفتن به میقات نیست هر مقدار

می‌تواند به طرف میقات برود و رجاءاً محرم به احرام حج افراد شود و به عرفات برود. و کارهای حج را انجام دهد، و بعد از آن عمره مفرده بجا آورد، در سال دیگر نیز باید حج خود را بجا آورد. ولی کسی که حج تمتع او بواسطه عذری - چنان که گفته خواهد شد - بدل به افراد شود بعد از تمام کردن حج افراد و بجا آوردن عمره مفرده به تکلیف خود عمل کرده، و دیگر در سال بعد حج بر او لازم نیست.

مسئله ۸۸. اگر کسی طواف را فراموش کند باید هر وقت بخاطرش آمد آن را انجام دهد، و اگر بعد از رفتن به شهرش یادش آمد، و برگشتن برای او ممکن نباشد یا دشوار باشد، نایب بگیرد که از طرف او طواف و نماز آن را بجا آورد.

مسئله ۸۹. کسی که طواف را فراموش کرده و سعی را بجا آورده باشد، بنابر احتیاط لازم باید خود یا نایبی که از طرف او طواف را بجا آورده، سعی هم بنماید.

مسئله ۹۰. اگر مریض نمی‌تواند طواف کند، او را بطوری طواف دهند که پاهایش بر زمین کشیده شود، و اگر ممکن نشود او را توسط دوش یا چیز دیگر طواف دهند، و اگر هیچ‌گونه ممکن نشود نایب بگیرد که از برای او طواف کند.

شرایط طواف

در طواف پنج چیز شرط است.

شرط اول - آن که با طهارت باشد، پس محدث به حدث اکبر یا اصغر، طواف واجب او باطل است، اگر چه از روی فراموشی یا جهل به حکم باشد.

مسئله ۹۱. اگر در وقتی که مشغول طواف است وضوء یا غسل او بی اختیار باطل شود، یا عذر دیگری برایش پیدا شود که نتواند طواف را تمام کند، پس اگر شوط چهارم را تمام کرده است، از همانجا طواف را رها کند، و بعد از وضوء یا غسل یا بعد از رفع عذر، طواف را از همانجا که رها کرده تمام نماید، و اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم بوده، اگر به سه شوط و نیم نرسیده، طواف او باطل است، و باید بعد از وضوء یا غسل یا بعد از رفع عذر، طواف را از سر بگیرد، و اگر به سه شوط و نیم رسیده و شوط چهارم را تمام نکرده، احتیاط آن است که بعد از وضوء یا غسل یا بعد از برطرف شدن عذر، باقی مانده را از همانجا که رها کرده تمام کند، و دو رکعت نماز طواف بخواند و دوباره هفت دور طواف کند و دو رکعت دیگر نماز طواف را نیز بجا آورد.

مسئله ۹۲. کسی که قبل از طواف، یا در بین طواف قبل از تمام شدن هفت شوط شک کند که غسل کرده یا وضوء گرفته یا نه، یا بداند که حدثی از او صادر شده و غسل یا وضوء هم گرفته، ولی نداند کدام جلوتر بوده باید غسل کند یا وضوء بگیرد. و بعد، طواف را از سر بگیرد و اگر بعد از طواف شک نماید اعتنا به آن شک نکند. و

کسی که شک کند که وضوء یا غسلش باطل شده یا نه به آن شک اعتنا نکند، و طواف را بجا آورد، چه قبل از طواف باشد، و چه در بین، و چه بعد از طواف.

مسأله ۹۳. اگر کسی بواسطه عذری نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، احتیاط واجب آن است که صبر کند تا عذرش برطرف شود. و اگر عذرش تا تنگی وقت برطرف نشود، باید برای طواف بدل از غسل یا وضو تیمم کند، بطوری که در تیمم نماز عمل می کند. و کسی که تیمم بدل از غسل جنابت کرده بعد از آن که خودش طواف را بجا آورد احتیاطاً نائب هم بگیرد.

مسأله ۹۴. زن حائض بعد از پاک شدن و قبل از غسل، در وجوب غسل با امکان، و تیمم با عدم امکان غسل، حکم او حکم جنب است، و اگر در تمام مدتی که در مکه است پاک نشود، باید برای هر طواف و نماز آن نائب بگیرد، و خودش طواف نکند. ولی سایر اعمال را خودش بجا آورد.

شرط دوم - در طواف پاک بودن بدن و لباس است، به طوری که در نماز شرط شده است، بلکه احتیاط واجب آن است که در صورت امکان، با خون کمتر از درهم و خون زخم و جراحت که در نماز عفو شده نیز طواف نکند، و برای طواف، آن را برطرف نماید، و تطهیر کند و اگر بر طرف کردن و تطهیر آن ممکن نیست، احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نائب بگیرد تا برای او طواف نماید. ولی در صورتی که وقت دارد و می تواند تطهیر کند بنا بر احتیاط واجب باید طواف را به تأخیر بیندازد.

مسأله ۹۵. اگر بعد از طواف بفهمد که لباس یا بدنش نجس بوده طوافش صحیح است. و اگر فراموش کرد و با بدن یا لباس نجس طواف کرد، احتیاط لازم آن است که طواف را دوباره بجا آورد.

مسأله ۹۶. اگر در بین طواف لباس یا بدنش نجس شود، یا بفهمد که از پیش نجس بوده، و بدون رها کردن طواف شستن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید. و اگر چهار دور یا بیشتر طواف کرده، بعد از تطهیر بدن یا لباس، طواف را تمام کند. و اگر به سه دور و نیم نرسیده، طواف او باطل است، و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد. و اگر از سه دور و نیم گذشته، و چهار دور را تمام نکرده، احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همانجا که رها کرده طواف را تمام کند، و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را بجا آورد.

شرط سوم - آن است که مرد طواف کننده ختنه شده باشد. پس اگر ختنه نکرده باشد طواف او باطل است، و بنابراین، طواف نساء از مرد غیر مختون باطل است، و بنا بر احتیاط لازم بچه ای که ختنه نشده اگر طواف نساء کند یا او را طواف دهند، طوافش باطل خواهد بود و بعد از ختنه تا خودش یا نایش از طرف او طواف هایی را که بر ذمه دارد بجا نیاورد، زن بر او حلال نخواهد شد.

شرط چهارم - پوشانیدن عورت است با چیزی که مباح باشد و غصبی نباشد. بلکه احتیاط آن است که در آن

تمام شرایط لباس نمازگزار رعایت شود.

شرط پنجم - آن است که نیت کند که برای اطاعت فرمان خداوند عالم هفت دور طواف خانه کعبه انجام می دهد
طواف عمره تمتع حجّة الاسلام.

واجبات طواف

واجبات طواف هفت چیز است:

اول و دوم - آن است که طواف را در هر دور از حجرالاسود شروع کند و به حجرالاسود تمام کند، و برای این که یقین نماید در هر دور، از جزء اول حجر شروع نموده و به جزء اول تمام کرده، در طواف اول باید کمی پیش از رسیدن به حجرالاسود نیت کند، و قصد نماید که ابتدا در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد، و انتهای آن همان موضعی که واقعاً انتهای دور است باشد، و با همین نیت هفت دور طواف کند.

سوم - آن که طوری طواف کند که در تمام مدتی که به طواف مشغول است خانه کعبه طرف دست چپ او باشد پس اگر درین طواف رو به خانه کعبه کند برای بوسیدن ارکان یا جهت دیگر، یا آن که به بواسطه زیاده جمعیت پشت به خانه یا روی به خانه کند، آن مقدار جزء طواف محسوب نمی شود، و باید برگردد و آن مقدار را بطوری که خانه کعبه بطرف دست چپش باشد بجا آورد، و اگر نمی تواند برگردد آن موضع را نشان کند، و بدون نیت دور بزند تا به آن موضع که رسید از آن جا قصد طواف کند، و طواف را تمام کند.

مسأله ۹۷. برای این که در تمام احوال طواف، شانه چپ، مقابل خانه کعبه باشد دستور داده اند بهتر این است که وقتی از حجرالاسود گذشت، پیش از رسیدن به در حجر اسماعیل کمی بدن را به طرف چپ خود کج کند، و پیش از رسیدن به در دیگر حجر اسماعیل نیز قدری بدن را به طرف راست کج کند، تا شانه چپ از خانه رد نشود، و مقابل هر رکنی که می رسد به همین دستور عمل کند، ولی رعایت این دقت ها لازم نیست، و همین که بطور متعارف هفت شوط را انجام دهد کافی است.

چهارم - آن است که حجر حضرت اسماعیل (علیه السلام) را که مدفن مادر آن حضرت، بلکه مدفن بسیاری از انبیاء علی نبینا و آله و علیهم السلام است، در طواف خود داخل کند، یعنی در خارج حجر طواف کند، و داخل آن نشود، و چنانچه از داخل حجر طواف نماید آن دور از طواف او باطل می شود، و اعاده آن از موضعی که داخل حجر شده کافی نیست، بلکه باید آن دور را از سر بگیرد، و اگر اعاده نکند طواف او باطل است و در این جهت فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست.

و با اعاده چون احتمال باطل شدن اصل طواف نیز می رود، احتیاطاً لازم آن است که پس از تمام کردن طواف و خواندن نماز، دوباره طواف کند، و نماز آن را بخواند.

پنجم - آن که در حال طواف بیشتر از بیست و شش ذراع و نیم از کعبه دور نشود (ذراع از آرنج است تا سر انگشتان) پس اگر در بین طواف بیشتر از این مقدار از خانه دور شود، باید آن مقدار را که دور بوده از طواف حساب نکند، و دوباره بطور صحیح بجا آورد، ولی اگر چاره ای از طواف در خارج از این فاصله نباشد طواف در دورتر از این فاصله بشرط صدق طواف و رعایت نزدیکی ممکن اشکال ندارد.

ششم - آن که در حال طواف از خانه و آن چه از خانه حساب می شود خارج باشد، پس اگر روی سکوی اطراف خانه که آن را شاذروان گویند راه برود، آن مقدار از طواف که بر روی سکو راه رفته باطل است، و باید آن مقدار را بطور صحیح دوباره بجا آورد، و طواف را تمام و بعد از خواندن نماز طواف دوباره آن را با نمازش، احتیاطاً اعاده نماید، و هم چنین اگر در اثناء طواف روی حجر اسماعیل برود بلکه احتیاط آن است که در بین طواف روی شاذروان برای دست مالیدن به رکن ها یا غیر آن، دست دراز نکند و نیز دست را روی دیوار حجر نگذارد تا این که در تمام طواف، تمام بدن او از خانه و حجر خارج باشد.

هفتم - آن که هفت شوط یعنی هفت دور طواف کند و آن را کم و زیاد نکند.

مسئله ۹۸. اگر عمداً یک شوط یا بیشتر کم کند، واجب است آن را تمام کند در صورتی که کاری که موالات و پی در پی بودن طواف را بهم می زند انجام نداده باشد، و اگر تمام نکند تا موالات به هم بخورد، در حکم ترک طواف است پس اگر وقت باقی است باید طواف را عاده کند و اگر وقت گذشته حکم مسئله ۸۷ را دارد که گذشت.

مسئله ۹۹. اگر سهواً کمتر از هفت دور طواف کند، پس اگر از سه دور و نیم نگذشته، باید طواف را از سر بگیرد، و اگر از سه دور و نیم گذشته، و فقط یک دور کم کرده آن را تمام کند، و اگر بیشتر از یک دور کم کرده بنا بر احتیاط لازم آن را تمام کند و نماز طواف بخواند و دوباره هفت دور طواف و نماز آن را بجا آورد، ولی در طواف مستحب تمام کردن کافی است.

مسئله ۱۰۰. اگر عمداً یک دور یا بیشتر از یک دور زیاد کند به قصد آن که جزء طواف دیگر باشد قران (جمع) بین طوافین است که در طواف مستحب مکروه، و در طواف واجب، حرام است. بلکه بنا بر احتیاط لازم سبب باطل شدن طواف می شود، چه آن که از اول طواف، این قصد را کرده باشد یا در بین یا در آخر، و اگر به قصد لغویت آن را بجا آورده باشد ضرری به طواف نمی زند، و اگر به قصد آن که جزء طواف اول باشد بجا آورد پس اگر از ابتدای طواف قصد داشته، بی اشکال طوافش باطل است، و اگر در بین طواف قصد کند از همان وقت باطل می شود، و اگر در آخر طواف قصد کند، مشهور فرموده اند: طوافش باطل است، ولی احتیاط این است که نماز را بخواند و بعد طواف را با نماز آن اعاده نماید.

مسأله ۱۰۱. اگر از روی فراموشی بر هفت شوط زیاد کند، پس اگر کمتر از یک دور است آن را رها کند، و طواف او صحیح است، و اگر یک شوط یا بیشتر زیاد کند طواف واجب او صحیح است، و مستحب است که آن چه را زیاد کرده به قصد قربت مطلقه به هفت دور برساند، و در این صورت احوط آن است که یک نماز طواف پیش از سعی، جهت طواف واجب، و یک نماز طواف بعد از سعی، جهت طواف مستحب، بجا آورد، و بهتر آن است که بعد از عمل به این احتیاط، اصل طواف و نماز آن را دوباره قبل از سعی بجا آورد.

مسأله ۱۰۲. کسی که تمام طواف یا بعض آن را فراموش کند، و یادش نیاید تا به شهر خود برگردد، و برای او مشکل باشد که به مکه مراجعت نماید، و آن چه را فراموش کرده بجا آورده، واجب است نایب بگیرد که برای او طواف کند، و نماز طواف بخواند و بنا بر احتیاط لازم سعی هم بنماید و در این صورت بنا بر احتیاط واجب هدی بفرستد، و احوط آن است که شتر باشد، و در مواردی که گفته شد باید وجوباً یا احتیاطاً بعد از اتمام و نماز طواف، اعاده نماید، نایب نیز به همان شرح عمل کند.

مسأله ۱۰۳. اگر بعد از طواف، در عدد دروهای آن شک کند، به آن شک اعتنا نکند، و اگر در آخر یکی از دورها شک کند که آن شوط هفتم بوده یا هشتم، بنا گذارد که دور هفتم بوده است، و اگر در بین شوطی شک کند که هفتم است یا هشتم، احوط بجا آوردن نماز طواف و اعاده طواف با نماز آن است.

مسأله ۱۰۴. اگر یقین داشته باشد که بیشتر از هفت شوط طواف نکرده، و شک در عدد آن کند، وجوب از سر گرفتن طواف، خالی از قوت نیست، و احتیاط آن است که بنا را بر اقل گذارد. و تمام کند، و نماز طواف بخواند، و بعد طواف را از سر بگیرد.

مسأله ۱۰۵. اگر ازدحام جمعیت، انسان را مقداری در طواف جلو ببرد، در صورتی که بکلی از اختیار او خارج نشود و قصد طواف داشته باشد اشکال ندارد.

مسأله ۱۰۶. طواف و سعی بوسیله چرخ‌هایی که اخیراً معمول شده، یا نشستن در طبقها، یا سوار شدن بر دوش دیگران اشکال ندارد، و اگر با پای خود برود ثواب آن زیادتر است.

مستحبات و مکروهات طواف

مسأله ۱۰۷. مستحب است که در حال طواف سر برهنه و پابرهنه، و مشغول دعاء، و ذکر خدا باشد، و حرف بیهوده نزند، و کارهایی که در نماز مکروه است انجام ندهد، و گام‌ها را کوچک بردارد، به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده، که هر کس طواف خانه کعبه کند در وقت زوال با سر برهنه، و گام‌ها را تنگ بردارد، و چشم خود را از نامحرم و عورت بیوشاند، و دست یا بدنش را در هر شوطی به حجر الاسود بمالد، بدون آن که به کسی آزار رساند و ذکر خدا را از زبان نیندازد، خدای تعالی بنویسد برای او به عدد هر

گامی هفتاد هزار حسنه، و محو کند از او هفتاد هزار گناه، و بلند گرداند از برای او هفتاد هزار درجه، و بنویسد از برای او ثواب آزاد کردن هفتاد هزار بنده، که بهای هر یک ده هزار درهم باشد، و او را شفیع سازد در هفتاد هزار کس از اهل بیت او، و برآورد از برای او هفتاد هزار حاجت، که اگر خواهد در دنیا به او رساند، و اگر خواهد در آخرت، و مستحب است که در حال طواف این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ، وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي (كَذَا وَ كَذَا).

و حاجت خود را بطلبد، و سنت است که در حال طواف نیز بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِيرٌ، وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُبَدِّلْ اسْمِي، فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي.

و در هر شوط که به در خانه کعبه رسد صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و این دعاء را بخواند:

سَأَلْتُكَ فَاقِيرٌكَ مِسْكِينُكَ بِيَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنَكَ، وَالْحَرَمُ حَرْمُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ، الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَاعْتَقِنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ.

و چون به حجر حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام برسد نگاه به ناودان طلا کند و بگوید:

اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَجِرْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفُهُ وَتَقَبَّلَهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ، وَ الْمُنْعِمُ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمُنْفَضُّ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ، وَ الْحَمْدُ لِيهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ جَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خِيَارَ خَلْقِكَ، وَ جَنَّتَهُ شِرَارَ خَلْقِكَ.

و چون میان رکن یمانی و حجر الاسود برسد بگوید:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً، وَفِنَا عَذَابَ النَّارِ.

و چون در شوط هفتم به مستجار رسد - و آن پشت کعبه است - نزدیک به رکن یمانی برابر در خانه بایستد، و دست‌ها را بگشاید رو به خانه، و روی خود و شکم خود را برساند به کعبه و بگوید:

اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَاعْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.

و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدِي أَفْوَاجاً مِنْ ذُنُوبٍ، وَأَفْوَاجاً مِنْ خَطَايَا، وَعِنْدَكَ أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةٍ، وَأَفْوَاجٌ مِنْ مَغْفِرَةٍ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِابْتِغَافِ خَلْقِهِ إِذْ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ اسْتَجِبْ لِي.

پس حاجت خود را بطلبد، و دعا بسیار کند و اقرار به گناهان خود کند هرچه داند مفصلاً، و هرچه را بخاطر نداشته باشد مجملاً اقرار نماید، و طلب آمرزش نماید که البته آمرزیده می‌شود، انشاء الله تعالی.

پس چون به حجر الاسود رسد بگوید:

اللَّهُمَّ فَتَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي.

و می باید کمال ملاحظه را بکند در هر مرتبه که می رود حجر را ببوسد، و اگر نتواند ببوسد، استلام کند، و اگر استلام، باعث زحمت باشد از دور اشاره کند، و هم چنین مستحب است استلام سایر ارکان، و هم چنین مستحب است که خود را به مستجار بمالد، و آن جا را نشان کند، و چون این اعمال را بجا آورد باز بجای خود رود، و از آن جا به طواف ادامه دهد، تا زیاده و کم، در طواف حاصل نشود.

نماز طواف

مسأله ۱۰۸. واجب است بعد از هر طواف واجب، دو رکعت نماز مثل نماز صبح، به نیت نماز طواف در نزد مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) بجا آورد، جهراً یا اخفاً، و احتیاط آن است که نماز را بعد از طواف فوراً بخواند، و نیز احتیاط آن است که نماز را در پشت مقام بخواند - یعنی طوری بایستد که سنگی که نشانه پای حضرت ابراهیم (علیه السلام) بر آن است روبروی او باشد - و اما اگر به علت زیادی جمعیت نتواند پس در جایی بایستد که عرفاً بگویند پشت مقام ایستاده است، باید

در یکی از دو طرف مقام بایستد، و نماز بخواند، و اگر آن هم ممکن نباشد در هر جایی از مسجد که به پشت مقام و دو طرف آن نزدیکتر است نماز را بخواند، و بهتر آن است که هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام بخواند رجاءاً.

مسأله ۱۰۹. نماز طواف مستحب را می‌توان در هر جای از مسجد بجا آورد، بلکه بعضی فرموده‌اند که ترک آن

عمداً جایز است لیکن سزاوار نیست ترک کند.

مسأله ۱۱۰. اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کرد، هر وقت به یادش آمد باید در پشت مقام به تفصیلی که در مسأله قبل ذکر شد بجا آورد و اگر سعی و کارهای دیگر را بجا آورده، لازم نیست دوباره بجا آورد، اگر چه احوط است.

مسأله ۱۱۱. بنا بر آن که ترتیب، در بین نماز طواف و کارهای بعد از آن معتبر باشد، بعضی فرموده اند: که کسی که واجبات نماز مثل قرائت و غیر آن را نداند عمره او باطل است، و از حجة الاسلام بریء الذمه نخواهد شد، پس علاوه بر آن که برای نمازهای واجب دیگر لازم است انسان قرائت صحیح و احکام واجبه نماز را بیاموزد، در وقتی که اراده حج دارد نیز باید قرائت خود را صحیح نماید، و واجبات نماز را یاد بگیرد، و اگر ممکن نشود، نماز طواف را به جماعت بخواند، ولی اکتفا به آن اشکال دارد، و واجب است بطور فردی نیز بخواند، و اگر نائب هم بگیرد جهت نماز، بهتر و مطابق با احتیاط است.

مسأله ۱۱۲. کسی که نماز طواف را فراموش کرده است، باید برگردد پشت مقام بجا آورد، و اگر برگشتن به مسجد برایش دشوار باشد، می تواند آن را در هر محلی که یادش آمد بخواند، هر چند در شهر دیگر باشد، و بهتر آن است که نایب هم بگیرد تا پشت مقام برای او بجا آورد.

مسأله ۱۱۳. اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند و پیش از بجا آوردن آن بمیرد، باید پسر بزرگ تر، قضای آن را بجا آورد، مثل سایر نمازهایی که از میت فوت شده.

مستحبات نماز طواف

مستحب است که در رکعت اول نماز طواف، بعد از حمد سوره قلُّ هُوَ اللهُ أَحَدٌ و در رکعت دوم بعد از حمد سوره قلُّ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخواند، و چون از نماز فارغ شود حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و صلوات بفرستد و بگوید:

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي، الْحَمْدُ لَهُمْ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي.

و در بعضی از روایات وارد است که بگوید:

اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ.

پس به سجده رود و بگوید:

سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَذَا أَنَا ذَا بَيْنَ

يَدِيكَ، ناصيتي بيدك، فاغفر لي، إنه لا يغفر الذنب العظيم غيرك، فاغفر لي فأني مقرر بذنوبي على نفسي، ولا يدفع الذنب العظيم غيرك.

سعی

مسأله ۱۱۴. بعد از نماز طواف، واجب است هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی نماید، یعنی از ابتداء صفا پیاده یا سواره یا بر دوش کسی به مروه برود، و این یک مرتبه حساب می شود، و از مروه به صفا برگردد، که با رسیدن به صفا دو مرتبه سعی کرده است، پس به هر رفتن از صفا به مروه و برگشتن، دو سعی حاصل می شود و به این ترتیب سعی را بجا آورد، و سعی هفتم در مروه تمام می شود.

مسأله ۱۱۵. سعی مثل طواف، رکن است. و اگر کسی آن را عمداً یا از جهت ندانستن مسأله ترک کرده باشد، چنانچه قبل از وقوف به عرفات متوجه شود و می تواند سعی و تقصیر را بجای آورد، باید تدارک نماید، و اگر وقت گذشته، احتیاطاً حج افراد با عمره مفرده بجای آورد، و چون احتمال می رود که احرام او نیز باطل شده باشد، چنانچه وقت برای رفتن به میقات تنگ نیست، به میقات برود و رجاءاً محرم به احرام حج افراد شود و اگر وقت تنگ است هر مقدار که می تواند به طرف میقات برود و محرم شود. لیکن به این حج اکتفاء نکند و سال بعد حج تمتع بجا آورد، هر چند مستطیع نباشد.

مسأله ۱۱۶. در سعی، وضو و غسل و پاک بودن بدن و لباس شرط نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که با غسل یا وضو باشد.

- واجبات سعی

مسأله ۱۱۷. هشت چیز در سعی واجب است:

اول - نیت است: پس اگر سعی او برای عمره تمتع است: چنین نیت کند که برای انجام فرمان خداوند عالم هفت مرتبه سعی عمره تمتع حجة الاسلام را بین صفا و مروه بجا می آورم، و مستحب است نیت را به زبان بیاورد، و باید پیش از شروع به سعی نیت کند که از اول جزء آن با نیت باشد.

دوم و سوم - آن است که سعی را از صفا ابتداء و به مروه تمام کند. و احتیاط آن است که برای تحصیل اطمینان قدری از تلی که در جانب صفا و مروه است بالا رود، و از آنجا شروع و به آنجا ختم کند.

چهارم - آن است که هفت مرتبه سعی کند، نه کمتر و نه بیشتر.

مسأله ۱۱۸. اگر عمداً بیشتر از هفت بار سعی کند سعیش باطل می شود، و اگر از جهت ندانستن مسأله یا

فراموشی، زیاد کند سعیش صحیح است.

مسأله ۱۱۹. اگر سعی را فراموش کرده و یا سهواً از هفت مرتبه کمتر بجا آورد، باید هر وقت بیادش آمد تمام یا بقیه آن را انجام دهد، و اگر از مکه بیرون رفته، اگر چه به وطنش رسیده باشد، باید برگردد و آن را بجا آورد. و اگر نتواند برگردد باید نایب بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که اگر چهار مرتبه سعی نکرده، بعد از اتمام اول، آن را از سر بگیرد.

مسأله ۱۲۰. کسی که سهواً از هفت مرتبه کمتر سعی کند، آن چه بر او به سبب احرام حرام شده، تا بقیه سعیش را انجام ندهد حلال نمی شود، و اگر به خیال آن که مُحَلّ شده با زن نزدیکی کند، یک بقره کفاره دارد بنا بر احوط، و هم چنین است اگر ناخن بگیرد.

مسأله ۱۲۱. اگر کسی سعی را فراموش کند و یادش نیاید، تا به شهر خودش برگردد، و برای او مشکل باشد که به مکه برگردد باید نایب بگیرد و اگر قبل از انجام سعی با زن نزدیکی کرده باشد باید کفاره بدهد. و اگر تقلیم اظفار نماید باید بنا بر احتیاط کفاره بدهد.

مسأله ۱۲۲. اگر بعد از منصرف شدن از سعی، شک در عدد آن کند، به آن شک اعتنا نکند، و سعیش صحیح است، لیکن اگر احتمال می دهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده است، احتیاط آن است که دوباره سعی کند.

مسأله ۱۲۳. اگر در بین آن که مشغول سعی است و در مروه می باشد شک کند که هفت بار سعی کرده یا بیشتر، به شکش اعتنا نکند، و بنا را بر تمام گذارد.

مسأله ۱۲۴. اگر در بین صفا و مروه شک کند که این مرتبه هفتم است یا بیشتر، سعیش باطل است، و باید از سر بگیرد.

پنجم - آن است که سعی بین صفا و مروه از طریق معمول و متعارف باشد، و از غیر آن صحیح نیست.

ششم - آن است که در وقت رفتن به مروه رو به مروه باشد، و در وقت برگشتن به صفا رو به صفا، پس اگر بطور قهقری برود و برگردد که در وقت رفتن به مروه رویش به صفا، و در برگشتن رویش به مروه باشد، سعیش صحیح نیست.

هفتم - آن است که لباس و کفش او مباح باشد، بلکه بنا بر احوط چیز غصبی همراه نداشته باشد، و اگر سواره سعی می کند باید مرکب او غصبی نباشد.

هشتم - از واجبات، ترتیب بین طواف و سعی است، و اگر فراموش کرد یا به جهت ندانستن مسأله، پیش از طواف سعی کرد، احتیاط واجب آن است که دوباره بعد از طواف سعی را بجا آورد.

- مستحبات سعی

مسأله ۱۲۵. مستحب است کسی که می خواهد سعی کند نزد حجر الاسود برود، و آن را بیوسد و دستها یا بدن را به آن بمالد، یا اشاره کند، پس به نزد چاه زمزم رود، و مقداری از آب آن بردارد، و بر سر و پشت و شکم بریزد و بخورد، و این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ.

پس متوجه صفا شود از دری که محاذی حجر الاسود است - و آن دری است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن در بیرون رفت - با آرامش و خضوع برود بالای کوه صفا، تا نظر کند به خانه کعبه، و رو به رکن عراقی کند و حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و از نعمت های الهی بخاطر آورد، پس هفت نوبت الله اکبر بگوید، و هفت نوبت الحمد لله، و هفت نوبت لا اله الا الله، پس سه مرتبه بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و سه نوبت بگوید:

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لَكَ عَلَى مَا أْبَلَانَا، وَالْحَمْدُ لَكَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ.

پس سه نوبت بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

و سه مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

پس سه مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

پس صد مرتبه بگوید: الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه الحمد لله و صد نوبت سبحان الله پس بگوید: لا اله الا الله وحده و حده انجز و عده و نصر عبده و غلب الأحزاب و حده، فله الملك و له الحمد و حده. اللهم بارك لي في الموت، و فيما بعد الموت. اللهم اني اعوذ بك من ظلمة القبر و وحشته، اللهم اظلني في ظل عرشك يوم لا ظل الا ظلك.

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل خود را به خداوند عالم و بگوید:

أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ، الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ، دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي. اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَتَوَقَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَأَعِدْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ.

پس سه نوبت بگوید: الله اکبر پس دو مرتبه دعای سابق را بخواند، پس یکبار تکبیر بگوید و بخواند دعای سابق را و اگر همه آنچه را که ذکر شد نتواند بخواند پس هر قدر که می تواند بخواند.

و مستحب است که این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدُّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي، وَإِنْ تُعَذِّبَنِي فَأَنْتَ غَنِي عَنْ عَذَابِي، وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ إِرْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبَنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي، أَصَبَحْتَ أَتَقِيْ عَذَابَكَ وَلَا أَخَافُ جُورَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي.

پس بگوید:

يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ، وَلَا يَفْضُذُ نَائِلُهُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.

و در صفا در بالای تل رو به کعبه این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَعُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَضَنْكِهِ. اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ.

پس از آن قدری پائین آید و بگوید:

يَا رَبَّ الْعَفْوِ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوِ، الْعَفْوِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، أَرُدُّدُ عَلَى نِعْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ.

مسأله ۱۲۶. مستحب است که پس از نماز طواف، مبادرت به سعی کند و در حال سعی، بدن و لباس او پاک و با وضو یا غسل باشد، و از صفا تا محلی که علامت هروله در آن جا نصب شده، بطور متوسط راه برود، یعنی نه تند برود نه کند، و از آن جا تا علامت دیگر اگر مرد باشد هروله کند، یعنی قدمها را کوتاه و تند بردارد.

و برای زن ها هروله مستحب نیست، و چون به محل هروله برسد بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَيَاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي. اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي، تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ.

پس تند برود تا به محل دیگر که علامت نصب شده، و آن جا هروله را ترک کند، و چون از آن جا بگذرد بگوید: يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.

و چون به مروه رسید دعای اول را بخواند که در صفا خواند و بگوید:

اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ

الْعَفْوُ.

و اهتمام کند در گریه کردن، و خود را به گریه بدارد، و دعا بسیار کند در حال سعی و این دعاء را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَصِدْقَ النَّبِيِّ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ.

و اگر هروله را فراموش کرد، هر جا بخاطرش آمد بطور قهقری برگردد تا به موضع هروله برسد، پس هروله کند، و هم چنین مستحب است هروله، وقتی از مروه بسوی صفا سعی می‌کند.

تقصیر

مسأله ۱۲۷. بعد از تمام شدن سعی باید تقصیر کند، یعنی به قصد حلال شدن چیزهایی که در عمره تمتع حجة الاسلام بر او حرام بوده است برای انجام فرمان خداوند متعال مقداری از ناخن‌ها یا موی سر یا ریش یا شارب خود را کوتاه کند، و تراشیدن سر در عمره تمتع کافی نیست بلکه حرام است.

مسأله ۱۲۸. اگر کسی در عمره تمتع بجای تقصیر، حلق کند، و تمام سر را بتراشد بنا بر احتیاط، یک گوسفند قربانی کند هر چند از روی جهل یا نسیان باشد.

مسأله ۱۲۹. اگر کسی تقصیر را فراموش کند و تا بعد از احرام حج، یادش نیاید، عمره او صحیح است، و بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بر او واجب می‌شود.

مسأله ۱۳۰. اگر کسی عمداً تقصیر را ترک کند تا محرم به حج شود، عمره تمتع او باطل است، و حج او حج افراد می‌شود، پس باید حج را تمام کند، و بنا بر احتیاط واجب بعد از حج، یک عمره مفرده بجا آورد، و سال بعد نیز دوباره حج کند.

مسأله ۱۳۱. بعد از تقصیر در عمره تمتع، هر کاری که بر او به سبب احرام حرام شده بود غیر از تراشیدن سر حلال می‌شود، ولی تراشیدن سر جایز نیست، و اگر سر بتراشد باید یک گوسفند کفاره بدهد بنا بر احتیاط هر چند جاهل یا ناسی باشد.

مسأله ۱۳۲. اقوی آن است که در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست، و وجوب آن مخصوص به حج و عمره مفرده است خواه، واجب باشد یا مستحب.

مسأله ۱۳۳. اگر وقت بقدری تنگ باشد که اگر بخواهد در وقت ورود به مکه عمره تمتع را بجا آورد بوقوف به عرفات نمی‌رسد، یا زن حائض اگر بخواهد صبر کند تا پاک شود و طواف را بجا آورد وقت وقوف به عرفات می‌گذرد، باید بجای حج تمتع حج افراد بجا آورد، پس اگر بواسطه عذری مثل بیماری و فراموشی و ندانستن مسأله از میقات احرام نبسته است و فعلا هم متمکن نیست که به میقات برگردد هر چند ادنی الحل باشد یابد هر

کجا هست محرم شود به احرام حج افراد، و اگر در میقات به جهت عمره تمتع احرام بسته است عدول کند به حج افراد، و با همان احرام اول، تمام اعمال حج را به نحوی که بعداً شرح داده می شود به نیت حج افراد بجا آورد، مگر قربانی را که در حج افراد واجب نیست.

و بعد از تمام شدن اعمال حج افراد، باید از حرم بیرون رود، و به نیت عمره مفرده محرم شود، و به مکه برگردد و طواف و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن را بطوری که شرح داده شد انجام دهد، و اگر بدون عذر در میقات احرام نبسته، احرام بستن او از مکه محل اشکال است.

مسئله ۱۳۴. اگر موقعی عمره تمتع را باطل کند که وقت آن که دوباره آن را بجا آورد، نداشته باشد باید حج افراد کند، و بعد از آن عمره مفرده بجا آورد، و بنابر احتیاط واجب باید سال بعد حج تمتع را بجا آورد.

مسائل حج تمتع

مسئله ۱۳۵. چنان که گفته شد حج تمتع، مرکب است از عمره تمتع و حج تمتع و گفته شد کسی که تکلیف او حج تمتع است باید اول عمره تمتع را بجا آورد، و پس از انجام اعمال عمره تمتع واجب است جزء دیگر حج تمتع را که به آن نیز حج تمتع می گویند بجا آورد و واجبات آن سیزده چیز است.

اول: احرام.

دوم: و وقف به عرفات یعنی ماندن در عرفات که معروف است.

سوم: وقوف به مشعر الحرام که به آن مزدلفه و جمع نیز می گویند، و بین منی و عرفات است.

چهارم و پنجم و ششم: اعمال منی است، و اعمال آن در روز عید، انداختن سنگریزه بر جمره عقبه، قربانی کردن، تراشیدن سر یا گرفتن کمی از ناخن یا موی سر است.

هفتم: طواف زیارت.

هشتم: دو رکعت نماز طواف زیارت.

نهم: سعی بین صفا و مروه.

دهم: طواف نساء.

یازدهم: دو رکعت نماز طواف نساء.

دوازدهم: ماندن در منی در شب های یازدهم و دوازدهم ذی حجه و بر بعضی حاجیان واجب است که شب سیزدهم را نیز در منی بمانند.

سیزدهم: انداختن سنگریزه بر سه جمره در منی در روز یازدهم و دوازدهم و بعضی باید در روز سیزدهم، به

جمره سنگریزه بیندازند، و احکام هر یک از این‌ها بطور مفصل بیان می‌شود انشاء الله تعالی.

احرام حج

مسأله ۱۳۶. بعد از تمام شدن عمره تمتع واجب است محرم شدن برای حج تمتع، و وقت آن موسع است ولی اگر وقت به قدری تنگ شود که اگر در آن وقت محرم نشود وقوف به عرفات در روز عرفه (نهم ذی حجه) از او فوت می‌شود باید فوراً محرم شود که روز عرفه وقوف به عرفات را درک کند.

مسأله ۱۳۷. پیش از روز ترویبه (هشتم ذی حجه) احرام بستن جایز است، و احتیاط آن است که بیشتر از سه روز پیش از ترویبه احرام نبندد چنان که احتیاط آن است که اگر مُحرم شد پیش از روز ترویبه از مکه خارج نشود، و مستحب آن است که در روز ترویبه مُحرم شود.

مسأله ۱۳۸. در احرام حج تمتع نیز پوشیدن دو جامه احرام (بعد از بیرون آوردن لباس دوخته برای مردها) و نیت و تلبیه به نحوی که در احرام عمره تمتع گذشت واجب است، پس باید نیت کند که احرام می‌بندم برای حج تمتع یعنی: ملتزم می‌شوم و بر خود قرار می‌دهم کارهایی را که در حال احرام حرام است ترک نمایم در حج تمتع، به جهت اطاعت فرمان خداوند متعال، و دستور احرام و کارهایی که در حال احرام ترک آن‌ها واجب است به شرحی است که در احرام عمره گفته شد.

مسأله ۱۳۹. محل احرام بستن برای حج تمتع، مکه است و بنا بر احتیاط واجب تا می‌تواند از مکه قدیم محرم شود.

مسأله ۱۴۰. اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسأله مُحرم نشود، تا برود به منی یا عرفات، و قبل از اعمال ملتفت شود، باید به مکه برگردد، و محرم شود و با احرام، اعمال را بجا آورد، و اگر برای تنگی وقت یا عذر دیگر نتواند برگردد، احتیاط آن است که هر قدر می‌تواند برگردد، و اگر نتوانست برگردد، واجب است از همانجائی که ملتفت شده محرم شود.

مسأله ۱۴۱. اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله محرم نشود، و بعد از تمام کردن اعمال حج ملتفت شود، حش صحیح است ولی اگر بعد از گذشتن وقت وقوف به عرفات و مشعر الحرام، و یا پیش از تمام شدن سایر اعمال حج بفهمد که محرم نشده، واجب است فوراً همانجا محرم شود و حج را تمام کند، و احتیاط آن است که سال آینده، دوباره بجا آورد، اگر چه بعید نیست جواز اکتفا به حج اول.

مسأله ۱۴۲. اگر کسی عمداً برای حج محرم نشود، تا وقت وقوف به عرفات و مشعر بگذرد، حج او باطل است. مستحبات احرام حج تا وقت وقوف به عرفات

مسأله ۱۴۳. بهترین اوقات احرام بستن برای حج، روز ترویبه است تا قبل از زوال، بطوری که بتواند نماز ظهر را در منی بجا آورد، و یا بعد از نماز ظهر است و اگر ممکن نشد بعد از نماز عصر، و اگر ممکن نشد بعد از نماز واجب دیگر، اگر چه نماز قضا باشد، و اگر نماز قضاء هم بر ذمه نداشته باشد بعد از نماز احرام که اقل آن دو رکعت است محرم شود، به نحوی که در احرام عمره شرح داده شد، و بهترین جاهای مکه برای احرام مسجدالحرام است، و بهترین جا در مسجد الحرام برای احرام، حجر اسماعیل یا مقام حضرت ابراهیم علیه السلام است، پس در آن جا بعد از پوشیدن جامه احرام و کارهایی که پیش از این در احرام عمره گذشت واجب است نیت کند، و لیبیک های واجب را به دستوری که در احرام عمره گذشت بگوید ولی در عوض کلماتی که مخصوص به عمره است دیگر بگوید مثلاً عوض (وَهَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَةً إِلَى الْحَجِّ) بگوید: (وَهَذِهِ حَجَّةٌ تَمْتَعُ) و چون مشرف بر ابطح شود به صدای بلند تلبیه بگوید، و چون متوجه منی شود بگوید:

اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو، وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي.

و با آرام تن و دل برود با تسییح و تقدیس و ذکر حق تعالی. و چون به منی رسید بگوید:

الْحَمْدُ لِيهِكَ الَّذِي أَقْدَمْتَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَبَلِّغْنِي هَذَا الْمَكَانَ.

پس بگوید:

اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي، وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ.

و مستحب است که شب عرفه در منی باشد، و مشغول طاعت الهی باشد، و بهتر آن است که این عبادت ها را خصوصاً نمازها را در مسجد خیف بجا آورد و چون نماز صبح خواند تعقیب بخواند تا طلوع آفتاب و روانه عرفات شود و اگر بخواهد می تواند بعد از طلوع فجر روانه شود و لیکن سنت بلکه احوط آن است که از وادی محسّر رد نشود تا آفتاب طلوع کند و مکروه است که پیش از فجر روانه شود بلکه خلاف احتیاط است. مگر از جهت ضرورتی مثل بیماری و کسی که خوف ازدحام مردم را داشته باشد و چون متوجه عرفات شود این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ، وَ إِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي، وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَ أَنْ تَجْعَلَنِي الْيَوْمَ مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي.

و تلبیه بگوید: تا به عرفات برسد و چون رسید خیمه اش را در نمره که نزدیک عرفات است بزند.

وقوف به عرفات

مسأله ۱۴۴. بر کسی که حج بجا می آورد ماندن در عرفات واجب است، و بنا بر احتیاط واجب وقت آن از ظهر روز عرفه (نهم ذیحجه) است تا مغرب، پس باید در تمام وقت در آن جا بماند، و از حدود عرفات از ظهر تا مغرب خارج نشود، و این وقت، وقت اختیاری عرفه است، و در ماندن در عرفات فرق نمی کند که پیاده باشد یا سواره، راه برود یا نشسته و یا خوابیده باشد.

مسأله ۱۴۵. اگر کسی از ظهر تا مغرب روز عرفه در عرفات خواب یا بیهوش باشد، وقوف او باطل است. و اگر بعد از قصد وقوف و دخول وقت بخوابد ضرر ندارد، وقوف او صحیح است.

مسأله ۱۴۶. بودن در عرفات از ظهر تا مغرب اگر چه بنا بر احتیاط واجب است، ولی آن مقداری که رکن است این است که بین ظهر تا مغرب به قدری در عرفات بماند که عرفا بگویند در آنجا توقف کرده است، و کسی که عمداً این مقدار را ترک کند حجتش باطل می شود، اگر چه بوقوف اضطراری عرفات برسد، یعنی شب دهم را در عرفات بماند و وقوف مشعر را هم درک کند، و چنانچه سهواً ترک کرد حج او باطل نیست، مگر آن که وقوف به مشعر را هم عمداً یا سهواً ترک کند، که در این صورت حجتش باطل است، و تفصیل آن ذکر می شود انشاء الله.

مسأله ۱۴۷. در وقوف به عرفات نیت واجب است، به این نحو که نیت کند از ظهر امروز تا مغرب برای حج تمتع حجة الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند عالم در عرفات می مانم.

مسأله ۱۴۸. اگر کسی عمداً بعد از گذشتن مقداری از ظهر در عرفات حاضر شود، و قوفش صحیح است و کفاره ندارد، ولی خلاف احتیاط نموده، و بنا بر آن که وقوف از اول ظهر تا مغرب واجب باشد گناه کرده است.

مسأله ۱۴۹. جایز نیست پیش از مغرب از عرفات خارج شود، و اگر کسی عمداً پیش از مغرب از عرفات بیرون برود و در همان روز برنگردد، بر او واجب است قربانی کردن یک شتر، که در راه خدا در روز عید در منی نحر کند، و اگر نتواند، هیجده روز پی در پی روزه بگیرد، و بر او واجب است در صورت توانائی، برگشتن به عرفات و ماندن در آن جا تا غروب، و اگر پشیمان شد و در همان روز به عرفات برگشت نیز بنا بر احتیاط مستحب کفاره از او ساقط نمی شود.

مسأله ۱۵۰. اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسأله پیش از مغرب از عرفات بیرون رفت، پس اگر در همان روز ملتفت شد، باید برگردد و اگر برنگردد معصیت کرده است، و بنا بر احتیاط، کفاره بدهد و اگر بعد از مغرب ملتفت شد چیزی بر او نیست.

مسأله ۱۵۱. اگر بواسطه فراموشی یا تنگی وقت، یا عذر دیگر، نتواند هیچ مقداری از ظهر تا مغرب روز عرفه را در عرفات بماند - باید مقداری از شب عید را تا فجر طالع نشده هر چند کم باشد در عرفات بماند و این زمان

را وقت اضطراری عرفه می‌گویند - و اگر عمداً هیچ مقداری از شب عید را هم در آن جا نماند حج او باطل می‌شود اگر چه وقوف به مشعر را درک نماید.

مسئله ۱۵۲. اگر کسی وقوف به عرفات را به عذری مثل فراموشی یا ندانستن مسئله در وقت اختیاری و اضطراری ترک نمود، ولی وقوف در مشعر الحرام را شب عید یا بین الطلوعین چنانچه خواهد آمد درک کند حجتش صحیح است.

مسئله ۱۵۳. هر گاه در پیش قاضی عامه، اول ماه ذی حجه ثابت شود و برای شیعه شرعاً ثابت نشده باشد، و به این جهت روز نهم ذی حجه در نزد آن‌ها روز هشتم در پیش شیعه باشد، احتیاط واجب آن است که اگر ممکن است وقوف اختیاری عرفات را در روزی که پیش شیعه نهم است انجام دهد و اگر ممکن نشد اضطراری آن را درک کند، و به مشعر رفته و وقوف در آن جا را نیز درک کند، و اعمال روز عید را در منی بجا آورد، و اگر درک اضطراری عرفات هم ممکن نشد درک اختیاری مشعر کافی است، و حجتش صحیح است و درک اضطراری عرفه و اضطراری مشعر نیز چنانچه گفته خواهد شد بنابر اقوی کفایت می‌کند، و اگر درک هیچ یک از این مواضع میسر نشود حکم آن، در مسئله بعد ذکر خواهد شد.

مسئله ۱۵۴. هر گاه هلال، نزد قاضی عامه ثابت شود و نزد شیعه ثابت نشده باشد، لیکن از جهت تقیه ناچار به متابعت باشند و از عمل به وظیفه خود خائف باشند، اقوی صحت و کفایت همین حج است از حجة الاسلام، هر چند عالم به خلاف باشند و اگر بدون خوف متمکن از عمل به وظیفه باشند احوط آن است که با آن‌ها رجاءاً متابعت کنند، و بعد واجب است عمل به وظیفه خود نمایند، حتی با عدم علم به خلاف.

مستحبات وقوف به عرفات

۱. خیمه‌اش را در محلی که آن را نمره گویند و متصل به عرفات است بزنند.
۲. در دست چپ کوه و پائین آن در زمین هموار وقوف کند و مکروه است که بالای کوه رود.
۳. با رفقا در یک جا وقوف کند.
۴. با طهارت باشد و غسل کند.
۵. هر چه را که باعث تشویش حواس و مانع از کمال توجه به خدا می‌شود رفع کند.
۶. نماز ظهر و عصر را اول وقت با یک اذان و دو اقامه بجا آورد.
۷. بعد از نماز بایستد و مشغول دعا شود.
۸. در تمام مدت وقوف، بایستد و نشسته یا سواره بودن در حال وقوف مکروه است، و اگر نمی‌تواند بایستد هر قدر می‌تواند بایستد، و اگر ایستادن مانع از حضور قلب و توجه باشد نشستن بهتر است.

۹. رو به قبله کند، و دل خود را متوجه به خداوند عالم نماید و حمد و ثنای او را بجا آورد، و تمجید و تهلیل بکند و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید و صد مرتبه آیه الکرسی بخواند و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله بفرستد و هم چنین صد مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و صد مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله بگوید و صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند.

۱۰. آنچه می خواهد دعا کند و دعا زیاد کند که این روز روز دعا و مسألت است و هیچ چیز در نزد شیاطین خوشتر از این نیست که انسان را از خداوند متعال غافل سازند.

۱۱. پناه بردن به خدا از شیطان.

۱۲. شمردن گناهان و توبه و استغفار کردن.

۱۳. گریه کردن، و اگر نتواند، خودش را بگریه وادار کند.

۱۴. دعا برای خود و پدر و مادر و برادران مؤمن، و اقل آن چهل نفر است، و در حدیث است که آنچه او برای برادر مؤمن طلب کند فرشته ای موکل است که برای او صد هزار برابر آن را طلب کند.

۱۵. تمام زمان وقوف را به دعا و استغفار و ذکر خدا صرف کند، و بعضی از علما این را واجب دانسته اند، و دعاهای منقوله را بخواند خصوصاً دعای صحیفه کامله، و دعای حضرت امام حسین علیه السلام و زیارت آن حضرت و دعای حضرت امام زین العابدین علیه السلام.

و مستحب است که بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَخِيْبِ وَفِدِكَ، وَأَرْحَمَ مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنَ الْفَجِّ الْعَمِيقِ.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا، فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ. اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ وَمَنَّكَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِقِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي (كَذَا وَ كَذَا) (وَأَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ).

آن گاه حاجت خود را بخواند پس دست بجانب آسمان بردارد و بگوید:

اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَمَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَأَجَلِي بَعْلَمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوقِّفَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَدَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ، وَأَطَلَتْ عُمُرُهُ، وَأَحْيَيْتُهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَوَةً طَيِّبَةً.

پس بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَتُسْكِينِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ تُرَاتِي وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنَ الْفَقْرِ وَمِنَ وَسَاوِسِ الصَّدْرِ وَمِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَمِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا تَجِيءُ بِهِ الرِّيحُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيءُ بِهِ الرِّيحُ فَاسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعَظَامِي وَعُرْوِقِي وَمَقْعَدِي وَمَقَامِي وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّي يَوْمَ الْفَاكِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و تا تواند در این روز از خیرات و تصدقات کوتاهی نکند خصوصاً بنده آزاد کردن و دیگر رو به قبله کند و بگوید:

(سُبْحَانَ اللَّهِ) صد بار و (اللَّهُ أَكْبَرُ) صد بار و (مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) صد بار (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) صدبار

پس ده آیه اول سوره بقره را بخواند و آن ده آیه این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم {۱} ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ {۲} الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ {۳} وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ {۴} أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ {۵} إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ {۶} خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ {۷} وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ {۸} يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ {۹} فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ {۱۰}

دیگر سوره قل هو الله احد سه بار بخواند و آیه الکرسی را بخواند و آیه سخره را که در سوره اعراف آیه (۵۴) است بخواند و آن آیه این است:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

پس معوذتین را بخواند سپس نعمت‌های الهی را یک یک بشمارد آن‌چه بداند از اهل و مال و سایر نعمت‌ها و

رفع بلا و بگوید:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَى بِعَمَلٍ.

و حمد کند حق سبحانه و تعالی را به هر آیه ای که در آن حمد کرده است خداوند عالم را با آن در قرآن، و تکبیر کند به هر تکبیری که خداوند عالم تکبیر خود کرده است در قرآن، و تهلیل کند بذکر لا اله الا الله که حق سبحانه و تعالی تهلیل خود کرده است به آن در قرآن، و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستد و جهد و سعی کند در آن، و بخواند حق سبحانه تعالی را به نام هایی که خود را به آن در قرآن خوانده است و به هر اسمی که داند و به اسماء آخر سوره حشر، و بگوید.

أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبَارِكَانَكَ كُلِّهَا، وَيَحَقُّ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُرُدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ.

و هر حاجت که دارد بخوهد و از حق سبحانه و تعالی طلب کند که توفیق حج بیابد در سال آینده و هر سالی و هفتاد مرتبه بگوید: (أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ) و هفتاد مرتبه (أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ) بگوید.

پس بخواند دعائی را که جبرئیل در این مقام به حضرت آدم علیه السلام تعلیم نمود برای قبول توبه او:

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

و چون آفتاب فرو رود بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشْتُّتِ الْأَمْرِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ لِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسَى ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَأَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَأَمْسَى ذَنْبِي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرِحِمَ، جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَأَلْبَسَنِي عَافِيَتِكَ، وَأَصْرَفَ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَارْزُقْنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

پس روانه به جانب مشعر الحرام شود با آرام تن و استغفار کند و این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَأَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَتْ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبِرْكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْمَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ.

و بسیار بگوید:

اللَّهُمَّ اغْتَفِنِي مِنَ النَّارِ.

و بگوید:

اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْفِقِي، وَزِدْ فِي عَمَلِي، وَسَلِّمْ دِينِي، وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي.

وقوف به مشعر

مسأله ۱۵۵. بر کسی که حج بجا می آورد بعد از وقوف به عرفات، وقوف به مشعر الحرام که آن را مزدلفه و جمع نیز می نامند واجب است، و آن مکانی است که در بین عرفات و منی واقع است. و معروف است، پس باید بعد از مغرب روز نهم از عرفات بسوی مشعر کوچ کند، و احتیاط واجب آن است که عمداً تا طلوع فجر تأخیر نیندازد، هر چند اگر تأخیر انداخت و بین الطلوعین را درک کرد حج او صحیح است، و واجب است که شب را در آنجا بماند و احتیاط آن است که در مشعر ذکر خدا را ترک نکند، هر چند مختصر و کم باشد. و باید نیت کند که برای اطاعت فرمان خداوند عالم در حج تمتع حجة الاسلام شب را تا صبح در مشعر الحرام می مانم، و نباید عمداً بدون عذر پیش از اذان صبح کوچ کند، هر چند اگر مقداری از شب مانده باشد و کوچ کند حجش صحیح است، و لیکن معصیت کرده و یک گوسفند کفاره باید ذبح کند، و چون فجر طالع شود دوباره جهت بین الطلوعین نیت وقوف کند، پس در حج تمتع قصد کند که برای اطاعت فرمان خداوند متعال در حج تمتع حجة الاسلام از حالا تا اول طلوع آفتاب در مشعر الحرام می مانم، و ممکن است که از ابتدا قصد کند شب را تا طلوع فجر و از طلوع فجر تا اول آفتاب می مانم و به همان قصد باقی باشد.

مسأله ۱۵۶. اگر چه اشهر و احوط آن است که ماندن در مشعر تا طلوع آفتاب واجب است، لیکن بعید نیست استحباب کوچ کردن کمی پیش از آفتاب، ولی باید از وادی محسّر که اسم محلی است نگذرد، بلکه بنا بر احتیاط، وارد وادی محسّر نشود، پس اگر عمداً پیش از طلوع آفتاب از وادی محسّر بگذرد گناه کرده است، و احوط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد، اگر چه اقوی واجب نبودن کفاره است.

مسأله ۱۵۷. ماندن در مشعر الحرام از طلوع فجر تا طلوع آفتاب بمقداری که عرفاً بگویند در آن جا توقف کرده است رکن می باشد، پس اگر کسی عمداً آن را ترک کند حجش را باطل می شود، مگر آن که مقداری از شب را در مشعر توقف کرده باشد، که در این صورت حج او صحیح است لیکن گناه کرده است، و به کفاره که یک گوسفند است جبران می شود.

مسأله ۱۵۸. کسانی که کار ضروری داشته باشند و پیرمردها و زنها و بیماران که اگر تا صبح در مشعر بمانند

بواسطه ازدحام و زیادی جمعیت در زحمت می‌افتند، اگر شب را در مشعر به قصد وقوف مانده باشند می‌توانند پیش از طلوع فجر از مشعر به منی بروند، و اگر بدون عذر پیش از اذان صبح از مشعر بیرون بروند حجتشان صحیح است، به شرط آن که وقوف به عرفات را انجام داده باشند، و شب را در مشعر به قصد وقوف مانده باشند، ولیکن بر آنها یک گوسفند کفاره واجب است.

و اگر سهواً یا جهلاً قبل از طلوع فجر کوچ کنند کفاره بر آنها واجب نمی‌شود، ولیکن باید بعد از التفات و تنبه در صورتی که متمکن از رجوع باشند برای وقوف بین‌الطلوعین برگردند.

مسأله ۱۵۹. کسی که شب و بین‌الطلوعین روز عید به جهت عذری نتوانسته است در مشعر وقوف کند، در صورتی که از اول آفتاب روز عید تا پیش از ظهر مقداری در آن جا بماند حجتش صحیح است، به شرط آن که درک اختیاری یا اضطراری عرفه را کرده باشد.

مسأله ۱۶۰. چنان که معلوم شد وقوف در مشعر سه قسم است که دو قسم آن وقوف اضطراری مشعر است.

اول - وقوف شب عید است برای کسانی که بواسطه عذری نتوانند بعد از طلوع فجر در مشعر بمانند.

دوم - وقوف در روز عید تا پیش از ظهر است برای کسانی که به وقوف شب و وقوف از طلوع صبح تا طلوع آفتاب نرسیده باشند، و یک قسم آن وقوف اختیاری مشعر است، و آن از اذان صبح تا اول آفتاب روز عید است، و چون عرفات هم به شرحی که گفته شد دو وقوف دارد، یکی وقوف اختیاری و آن ماندن در عرفات است از ظهر تا مغرب روز نهم و یکی وقوف اضطراری و آن ماندن در عرفات است در مقداری از شب دهم، پس به ملاحظه ادراک هر دو وقوف (وقوف به مشعر و وقوف به عرفات) یا ادراک اضطراری یکی، و اختیاری دیگری، و نرسیدن به اضطراری و اختیاری هر دو وقوف، اقسام آن، نه قسم می‌شود:

اول - آن که وقوف به عرفات و وقوف به مشعر هر دو را در وقت اختیاری انجام دهد، که حج او بی اشکال صحیح است.

دوم - آن که هیچ یک از اختیاری و اضطراری دو وقوف را درک نکند، که در این صورت حج از او فوت شده است، پس به همان احرام حج، عمره مفرده که عبارت از طواف و نماز و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن باشد بجا می‌آورد، و بعد از این اعمال از احرام بیرون می‌رود، و اگر گوسفند همراه او باشد، قربانی کند، و مستحب است که بماند در منی با حاجیان و چون به مکه رود اعمال عمره را بجا آورد و اگر حج بر او مستقر بوده باید در سال آینده به حج برود، و هم چنین در صورتی که حج بر او مستقر نشده اگر سال بعد مستطیع شود باید حج کند.

سوم - آن که اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر درک کند، که در این صورت حجتش صحیح است.

چهارم - آن که اختیاری مشعر و اضطراری عرفات را درک کند، که در این صورت نیز حجش صحیح است.
پنجم - آن که اضطراری هر دو وقوف را درک کند، که اقوی در این صورت هم صحت حج است، اگر چه احتیاط مستحب آن است که در سال آینده با بقاء شرایط وجوب، حج را اعاده نماید.

ششم - آن که فقط وقوف اضطراری مشعر را درک کند، که در این صورت اگر چه صحت حجش بعید نیست ولی احتیاط ترک نشود به انجام اعمال به قصد ما فی الذمه از عمره و حج و بجا آوردن حج در سال آینده در صورت استقرار حج بر او یا بقاء استطاعت.

هفتم - تنها ادراک وقوف اختیاری عرفات است، و احتیاط در آن ترک نشود به این که اعمال را بقصد ما فی الذمه از عمره و حج بجای آورد و در سال بعد نیز در صورتی که حج بر او مستقر بوده یا استطاعتش باقی باشد حج بجای آورد.

هشتم - تنها ادراک اختیاری مشعر است، که در این صورت نیز حجش صحیح است.

نهم - آن که فقط اضطراری عرفات را درک کند که حج در این صورت صحیح نیست.

مسأله ۱۶۱. کسی که یکی از وقوف اختیاری یا اضطراری عرفات یا مشعر را عمداً ترک کند حج او باطل است مثلاً اگر از ظهر تا غروب با تمکن عمداً در عرفات هیچ توقف نکرد حج او باطل است چه مقداری از شب در عرفات بماند یا نماند و چه شب عید یا ما بین الطلوعین یا پیش از ظهر آن در مشعر توقف کند یا نکند و هم چنین اگر از ظهر تا مغرب معذور باشد از توقف در عرفات، اما وقوف مقداری از شب عید را در عرفات عمداً ترک کند حج او باطل است، اضطراری مشعر یا اختیاری آن را درک کند یا نکند، و هم چنین اگر بین الطلوعین مشعر را بدون عذر ترک کند حج او باطل است، چه اختیاری یا اضطراری عرفات را درک کرده باشد یا نکرده باشد، و چه تا ظهر مشعر را درک کرده باشد یا نکرده باشد، و اگر بین طلوعین از جهت عذر ترک شود، لکن وقوف مقداری از شب عید را در مشعر با تمکن ترک کرده حج او باطل است، چه سایر وقوفات را درک کرده باشد یا درک نکرده باشد، و اگر کسی بواسطه عذر، تکلیف او وقوف قبل از ظهر عید شد در مشعر، و عمداً آن را ترک کند حج او باطل است، هر چند وقوف عرفات را درک کرده باشد.

مستحبات وقوف به مشعر

مسأله ۱۶۲. مستحبات وقوف به مشعر چند چیز است: از جمله آن که از عرفات به سوی مشعر الحرام با وقار و آرامی دل و بدن برود، و استغفار کند، و مرکب را، تند نراند، و کسی را آزار نرساند، و چون به تل سرخ رسد از طرف دست راست راه برود و بگوید:

اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي، وَزِدْ فِي عَمَلِي، وَسَلِّمْ لِي دِينِي، وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي.

و شهید (قدس سره) در دروس فرموده که بعد از این دعا بگوید:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَارْزُقْنِيهِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي.

و در حال حرکت بسیار بگوید:

اللَّهُمَّ اعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

و نماز مغرب و عشا را تأخیر کند تا مشعر الحرام، و اگر چه ثلث شب بگذرد.

ولی اگر نتواند پیش از نصف شب به مشعر برسد باید پیش از رسیدن به مشعر نماز را بجا آورد. و برای نماز

مغرب اذان و اقامه و برای عشا فقط اقامه بگوید، و میان نماز مغرب و عشا فاصله نیندازد، بلکه نافله مغرب را

بعد از نماز عشا رجاءاً بخواند. و در وادی در جانب راست راه فرود آید، و این دعا را بخواند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي،

وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَأَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ.

و تا مقدور باشد آن شب را به عبادت و طاعت الهی به روز آورد، که در خبر است که درهای آسمان در این

شب بسته نمی شود، و اصوات مؤمنان بالا می رود، و خداوند عالم می فرماید: من خداوند شمایم و شما بندگان

من هستید، ادا کردید حق مرا و بر من لازم است که اجابت نمایم دعاهای شما را پس برای بعضی از ایشان تمام

گناهان را می آمرزد، و بعضی را بعض گناهان می آمرزد، و مستحب است که هفتاد سنگریزه برای رمی جمرات

در این شب از اینجا بردارد، و مستحب است که غسل کند و در حال وقوف با وضو باشد و دعاهای منقوله از

ائمہ علیهم السلام را بخواند، و حمد و ثنای الهی را بجای آورد، و این دعا را نیز بخواند:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، فَكِّرْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ

وَالْإِنْسِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ، وَخَيْرُ مَسْئُولٍ، وَلِكُلِّ وَفِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي

وَمَوْقِفِي هَذَا أَنْ تُقْبِلَنِي عَثْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعْدِرَتِي، وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي وَتَقْلِبْنِي

مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَزُؤَارِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ.

و دعا بسیار کند به جهت پدر و مادر و برادران و اهل و مال و فرزندان، و احتیاط آن است که بمقداری که عرفاً

گفته شود ذکر خداوند عالم نموده دعا کند، یا ذکر خداوند متعال بنماید.

بهتر آن است که کمی پیش از طلوع آفتاب از مشعر کوچ کند، لیکن بنابر احتیاط داخل وادی محسّر نشود تا

آفتاب طلوع کند.

و چون آفتاب به کوه تبیر افتد هفت مرتبه به گناهان خود اقرار کند، و هفت مرتبه استغفار نماید و چون روانه

منی شود با ذکر و استغفار و آرامی و وقار برود، و چون به وادی محسّر برسد، اگر پیاده باشد، هروله کند به نحوی که در سعی گفته شد، و اگر سواره باشد مرکب خود را تند براند، و اگر هروله را فراموش کرد برگردد و هروله کند، و در وقت هروله بگوید:

اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَهْدِي، وَأَقْبِلْ تَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، وَأَخْلِفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي (و بگوید) رَبِّ اغْفِرْ وَاَرْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

اعمال منی در روز عید

مسأله ۱۶۳. چهارم و پنجم و ششم از کارهای حج تمتع اعمال واجب منی است و آن سه عمل است:

۱. رمی جمره عقبه.

۲. قربانی.

۳. حلق یا تقصیر.

در روز عید باید حجاج از مشعرالحرام به محلی که آن را منی می گویند بروند، و در آن جا این سه عمل را به شرحی که گفته می شود انجام دهند.

رمی جمره عقبه

مسأله ۱۶۴. اول از کارهای واجب در منی رمی جمره عقبه یعنی انداختن هفت سنگریزه به جمره عقبه است، و وقت آن بعد از طلوع آفتاب روز عید تا غروب است، و اگر سهواً یا جهلاً ترک کرد باید روز بعد تا روز سیزدهم، روزها بجا آورد، و اگر تا روز سیزدهم ملتفت نشد باید در سال آینده خودش برود رمی کند، یا نایب بگیرد که از طرف او بجا آورد.

مسأله ۱۶۵. جایز نیست رمی جمره در شب، مگر برای مریض و خائف (کسی که از دشمن می ترسد) و کسانی که از رمی در روز عذر داشته باشند، تا وقتی که خودشان بتوانند در شب رمی کنند نباید در روز برای خود نایب بگیرند، و در جواز رمی در شب برای صاحبان عذر، فرقی نمی کند که شب قبل رمی کنند یا شب بعد، و اگر متمکن نباشند که رمی هر روز را در شب آن روز انجام دهند می توانند رمی سه روز را در یک شب بجا آورند.

مسأله ۱۶۶. سنگریزه‌ها باید طوری باشد که عرفاً آن‌ها را سنگ بگویند، و از سنگریزه‌های حرم و بکر باشد، یعنی خودش یا کس دیگر قبلاً به طور صحیح با آن‌ها رمی نکرده باشد.

مسأله ۱۶۷. در رمی پنج چیز شرط است:

اول - نیت کند که هفت سنگ به جمره عقبه در حج تمتع حجة الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند عالم می‌اندازم.

دوم - انداختن سنگریزه‌هاست، پس اگر آن‌ها را به جمره بگذارد کافی نیست.

سوم - آن که سنگریزه‌ها بواسطه انداختن به جمره برسد، پس اگر بجای دیگر بخورد و از آن جا به جمره برسد، یا بواسطه انسان دیگر یا حیوانی به جمره برسد کافی نیست، و اگر شک کند که به جمره خورده یا نه بنا را بر نخوردن بگذارد.

چهارم - آن که سنگ‌هائی که می‌اندازد از هفت عدد کمتر نباشد.

پنجم - آن که آن‌ها را پشت سر هم جدا جدا بیندازد، پس اگر با هم بیندازد صحیح نیست، اگر چه پشت سر هم به جمره برسند، و اگر پشت سر هم بیندازد و با هم به جمره برسند، صحیح است هر چند وقوعش به این نحو بعید است.

مسأله ۱۶۸. اگر سهواً یا جهلاً کمتر از هفت سنگریزه رمی

کند، و پیش از به هم خوردن موالات عرفیه متوجه گردد، باید بقیه را بجا آورد، و اگر موالات به هم خورده باشد احتیاط آن است که باقی مانده را بجا آورد، و دوباره به طور کامل رمی نماید.

مسأله ۱۶۹. اگر در عدد سنگریزه‌هائی که انداخته، شک کند، بنا را بر کمتر بگذارد و عدد را تمام کند.

مستحبات رمی

مسأله ۱۷۰. مستحب است که سنگریزه‌ها را شب عید از مشعر بردارد، و مستحب است که سنگریزه‌ها رنگین یا برنگ سرمه‌ای یا رنگ دیگر و نقطه دار باشند. و آن‌ها را دانه دانه از روی زمین بردارد و بقدر سرانگشت و سست باشند، و مستحب است که در وقت سنگ انداختن پیاده و با وضو باشد، بلکه احوط آن است، که سنگ‌ها را بدست چپ بگیرد و با دست راست بیندازد، و نیز مستحب است که رمی مقارن ظهر باشد. و وقتی سنگریزه‌ها را بدست می‌گیرد این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَخْصِنِي لِي، وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي.

و هر سنگریزه که می‌اندازد این دعا را بخواند:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا، وَعَمَلًا مَقْبُولًا، وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا.

و میانه او و جمره ده ذراع یا پانزده ذراع فاصله باشد، و پشت به قبله کند و روی به جمره، به خلاف دو جمره

دیگر که مستحب است در آن‌ها رو به جانب قبله باشد، و آن که سنگریزه را برانگشت بزرگ بگذارد، و با ناخن انگشت شهادت (سبابه) بیندازد، و چون بجای خود آید در منی، سنت است که این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ بِكَ وَتَقْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.

قربانی

مسأله ۱۷۱. واجب دوم از واجبات منی در حج تمتع بعد از رمی جمره عقبه قربانی کردن یک شتر، یا یک گاو یا یک گوسفند در روز عید است، و از دو نفر یا بیشتر یک قربانی کفایت نمی‌کند، بلکه بر هر حاجی یک قربانی واجب است.

مسأله ۱۷۲. اگر کسی از روی جهل یا نسیان یا بواسطه عذری در روز عید قربانی نکرد، باید تا آخر ذی حجه قربانی نماید، و احوط آن است هر چه ممکن است زودتر قربانی کند.

مسأله ۱۷۳. در قربانی نیت قربانی شرط است، پس اگر خودش قربانی را ذبح می‌کند باید در حج تمتع قصد کند ذبح یا نحر قربانی را، که در حج تمتع حجة الاسلام واجب است برای اطاعت امر خداوند متعال، و اگر برای ذبح نایب می‌گیرد باید نایب نیت کند که ذبح می‌کنم قربانی واجب حج تمتع حجة الاسلام کسی را که مرا نایب نموده برای اطاعت فرمان خداوند متعال، و احوط آن است که علاوه بر نایب، خودش هم اگر در وقت ذبح حاضر باشد نیت کند و اگر حاضر نیست موقعی که نایب یا وکیل را که از طرف او برای ذبح نایب می‌گیرد می‌فرستد، نیت کند و نیت را تا وقت ذبح مستمر بدارد، و چنان که به آن اشاره شد لازم نیست نیت را در دل خطور دهد، بلکه همین قدر که داعی او بر این کار اطاعت خداوند متعال باشد کافی است و همین قدر که غفلت از حج و وظیفه نباشد بطور عادی این امور با نیت و قصد قربت واقع می‌شود و مشکلی نیست.

مسأله ۱۷۴. اگر قربانی پیدا نشود باید پول آن را نزد شخص مورد اعتمادی بگذارد که در بقیه ماه ذی الحجه بگیرد و ذبح کند، و اگر در این سال ممکن نشد در سال آینده بگیرد و ذبح نماید.

مسأله ۱۷۵. اگر قربانی شتر باشد، شرط است که پنج سال آن تمام شده باشد، و داخل در سال ششم شده باشد، و اگر گاو یا بز باشد احوط آن است که دو سالش تمام و داخل در سال سوم شده باشد، و اگر میش باشد احوط آن است که سال اولش تمام و داخل در سال دوم شده باشد.

مسأله ۱۷۶. قربانی باید صحیح باشد و اعضایش ناقص نباشد، پس قربانی کور و لنگ و ناخوش و بسیار پیر کافی نیست، حتی اگر کمی از گوش آن را بریده باشند یا از شاخ داخلی او چیزی کم باشد کفایت نمی‌کند، و

نیز باید لاغر نباشد، و مشهور آن است که همین قدر که در گرده آن پیه باشد کافی است، و احوط آن است که علاوه بر این طوری باشد که عرفاً آن را لاغر نگویند.

مسأله ۱۷۷. اگر گوش قربانی شکافته یا سوراخ باشد ضرر ندارد.

مسأله ۱۷۸. احتیاط واجب آن است که حیوانی را که شاخ یا گوش یا دم در اصل خلقت ندارد قربانی نکند.

مسأله ۱۷۹. قربانی کردن حیوانی که بیضتینش را کشیده‌اند کفایت نمی‌کند و احتیاط آن است که حیوانی که عروق و بیضتین او را مالیده باشند قربانی نکند.

مسأله ۱۸۰. اگر حیوانی را خرید و ذبح کرد، به گمان آن که صحیح است، و بعد معلوم شد ناقص است کفایت نمی‌کند.

مسأله ۱۸۱. اگر قربانی را بگمان چاقی ذبح کرد و لاغر درآمد کافی است.

مسأله ۱۸۲. اگر قربانی را با گمان لاغری ذبح کرد به احتمال آن که چاق باشد و چاق درآمد کافی است، ولی اگر لاغر درآمد کافی نیست.

مسأله ۱۸۳. اگر حیوانی را با علم به این که لاغر است از راه ندانستن مسأله قربانی کند، و بعد معلوم شود چاق است کفایت می‌کند، ولی اگر با علم به لاغر بودن و دانستن مسأله آن را ذبح نماید هر چند چاق در آید کفایت نمی‌کند.

مسأله ۱۸۴. اگر قربانی با خود نداشته باشد، و پول هم ندارد، که بتواند آن را بخرد، باید ده روز روزه بگیرد سه روز پی در پی در حج، و آن روز هفتم و هشتم و نهم ذیحجه است، و بعد از آن که به وطنش برگشت هفت روز دیگر روزه بگیرد، و احتیاط مستحب در این هفت روز روزه آن است که پی در پی و متوالی باشد.

مسأله ۱۸۵. اگر کسی که نمی‌تواند قربانی بخرد نتواند روز هفتم را روزه بگیرد، باید روز هشتم و نهم و یک روز هم بعد از برگشتن از منی روزه بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که در این صورت بعد از برگشتن از منی سه روز متوالی روزه بگیرد که اول آن سه روز، روز کوچ کردن و حرکت از منی باشد، و قصدش انجام تکلیف سه روزه در ضمن پنج روز باشد. و اگر روز هشتم را روزه نگرفت روز نهم را نگیرد، بلکه صبر کند بعد از مراجعت از منی بگیرد، و احتیاط آن است که بعد از مراجعت از منی هر چه زودتر بگیرد، اگر چه اشهر آن است که تا آخر ذی حجه می‌شود بجا آورد.

مسأله ۱۸۶. اگر بعد از روزه سه روز قادر بر خریدن قربانی شد احتیاط آن است که بخرد و ذبح نماید.

مسأله ۱۸۷. اگر قربانی ناقص و مریض یافت شود و گوسفند بی عیب و سالم نباشد، واجب است ناقص را قربانی کند و به آن اکتفا می‌شود، و احتیاط مستحب آن است که سه روز در حج و هفت روز پس از حج به

شرحی که گفته شد روزه بگیرد.

مسأله ۱۸۸. احتیاط واجب آن است که قدری از قربانی را خودش بخورد و قدری را هدیه دهد، و مقداری را به فقیر مؤمن صدقه بدهد، و احتیاط آن است که هدیه را هم به مؤمن دهد، و این که هر یک از صدقه و هدیه کمتر از ثلث قربانی نباشد، و در هدیه فقر شرط نیست.

مسأله ۱۸۹. لازم نیست که سهم هر یک را جدا کند، بلکه اگر همین طور هدیه و تصدق کند، و بعد آن فقیر مؤمن، و مؤمنی که هدیه را قبول کرده سهم خود را به دیگری صدقه بدهد اشکال ندارد، و اگر پیش از عمل کردن به این احتیاط، افرادی قربانی را به دزدی یا غارت ببرند، لازم نیست دوباره قربانی کند. ولی اگر قربانی را به آن‌ها بدهد، باید قیمت گوشت قربانی سهم فقرا را به فقرا برساند، نه قیمت گوسفند زنده را.

مسأله ۱۹۰. چون ممکن است در منی بواسطه حاضر نبودن فقیر مؤمن، تصدق دادن ثلث قربانی به مؤمن فقیر و هم چنین هدیه دادن ثلث آن به مؤمن ممکن نباشد، بهتر این است که از بعض برادران دینی خود، و از بعض فقرای مؤمن که آن‌ها را می‌شناسد در شهر خود، وکالت بگیرد که از جانب آن‌ها ثلث قربانی را به هدیه، و ثلث آن را به صدقه قبول کند، و هم چنین وکالت بگیرد که بعد از قبول کردن از جانب آن‌ها هر عملی می‌خواهد انجام دهد، در این صورت در منی ثلث آن را به فقیر مؤمنی که از طرف او وکالت دارد صدقه دهد، و ثلث دیگر را بمؤمن دیگری که از جانب او وکیل است هدیه بدهد،

و از طرف آن‌ها قبول کند و بعد به هر کس خواست بدهد یا همانجا بگذارد و برود.

مسأله ۱۹۱. اگر حاجی عمداً خودش از گوشت قربانی نخورد، گناه کرده لیکن به حج او ضرر نمی‌رساند.

مستحبات قربانی

مسأله ۱۹۲. مستحبات قربانی شش چیز است:

۱. آن که قربانی شتر باشد و بعد از آن گاو و بعد از گاو گوسفند.
۲. قربانی بسیار چاق و فربه باشد.
۳. اگر شتر یا گاو است ماده باشد، و اگر گوسفند یا بز است نر باشد.
۴. شتر در حال نحر ایستاده و از سر دست‌ها تا زانوی آن بسته باشد، و کسی که قربانی می‌کند در طرف راست شتر بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر را به گودی گردنش فرو برد.
۵. در وقت نحر شتر یا ذبح گاو و گوسفند بگوید:

وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ

أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.

(و در بعضی روایات این تتمه وارد شده است.)

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَمُوسَى كَلِيمِكَ وَمُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ.

۶. مستحب است که خودش قربانی را نحر یا ذبح کند و اگر نمی‌تواند دست روی دست کسی که آن را می‌کشد بگذارد.

مسئله ۱۹۳. قربانی را به کسی می‌توان داد سر ببرد که ذبیحه او حلال باشد (یعنی مسلمان باشد هر چند اثنا عشری نباشد).

حلق یا تقصیر

مسئله ۱۹۴. بعد از قربانی کردن باید حلق کنند، یعنی سرشان را بتراشند یا تقصیر نمایند، یعنی قدری از ناخن یا موی شارب خود را بگیرند، و برای مردی که موی سر خود را با یکی از مواد چسبنده چسبانیده، یا موی خود را جمع کرده و گره زده و درهم پیچیده و بافته باشد، احتیاط لازم تراشیدن تمام سر است، و هم چنین هر کسی که حج اول او باشد احتیاط واجب برای او تراشیدن موی تمام سر و اکتفا نکردن به تقصیر است.

مسئله ۱۹۵. بر زن‌ها و خنثی، یعنی کسی که هم آلت مردی و هم آلت زنی دارد، واجب است تقصیر کردن، یعنی ناخن گرفتن یا از مو گرفتن و برای آن‌ها سر تراشیدن جایز نیست.

مسئله ۱۹۶. در حلق یا تقصیر باید نیت کند که برای انجام فرمان خداوند متعال در حج تمتع حجة الاسلام سر خود را می‌تراشم یا مو یا ناخن خود را می‌گیرم، و بهتر آن است که کسی سر او را می‌تراشد نیز نیت کند.

مسئله ۱۹۷. وقتی حاجی حلق یا تقصیر نمود، هر چه بر او در احرام حرام شده بود حلال می‌شود، مگر زن و صید و بوی خوش.

مسئله ۱۹۸. بنا بر احتیاط واجب باید رمی و قربانی و حلق یا تقصیر را به ترتیب بجا آورد، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله اول قربانی کرد و بعد رمی و حلق نمود یا اول حلق کرد و بعد رمی و قربانی را انجام داد، ضرر ندارد و اگر عمداً خلاف ترتیب عمل کند مشهور آن است که اعاده واجب نیست، ولی اگر احتیاط ممکن باشد ترک نکند.

مسئله ۱۹۹. اگر در روز عید حلق یا تقصیر را فراموش کرد تا از منی بیرون رفت، واجب است برگردد و حلق یا تقصیر کند، و اگر ممکن نشود در هر جا یادش آمد حلق یا تقصیر کند، و مستحب است اگر ممکن شود موی خود را به منی بفرستد، که در آن‌جا دفن شود.

مسأله ۲۰۰. اگر حلق یا تقصیر را فراموش کند، و بعد از طواف یادش بیاید باید حلق یا تقصیر کند، و دوباره طواف را بجا آورد، و اگر بعد از طواف و سعی یادش بیاید، باید بعد از حلق یا تقصیر دوباره طواف و سعی را انجام دهد.

مستحبات حلق و تقصیر

مسأله ۲۰۱. مستحبات حلق و تقصیر سه چیز است.

۱. در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند.

۲. از طرف راست جلو سر شروع کند و این دعا را بخواند.

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۳. موی سر را در منی در محل خیمه خود دفن کند، و احوط آن است که از اطراف سر و ریش و شارب مو بگیرد، و ناخن‌ها را نیز بگیرد.

واجبات بعد از اعمال منی

مسأله ۲۰۲. هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم از واجبات حج تمتع، طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه و طواف نساء و نماز آن می‌باشد، پس واجب است بعد از رمی و قربانی و حلق یا تقصیر، از منی به مکه برگردد، و آن‌ها را به

دستوری که در عمره تمتع گفته شد بجا آورد، لیکن واجب نیست که بعد از اعمال منی فوراً به مکه برگردد، بلکه می‌تواند تا روز یازدهم برگشتن به مکه را تأخیر بیندازد، و بلکه بعید نیست جایز باشد تا آخر ذی حجه اعمال مکه را تأخیر بیندازد، اگر چه احوط آن است که تأخیر نیندازد.

مسأله ۲۰۳. جایز نیست برای متمتع پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی بجا آوردن طواف و سعی، ولی کسی که نتواند بعد از برگشتن به مکه آن را بجا آورد مثل زن که گمان کند بعد از برگشتن از منی حیض یا نفاس ببیند یا آن که پیرمرد بواسطه زیادی جمعیت بعد از برگشتن نتواند طواف کند، در این صورت برای او جایز است پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی طواف و سعی را بجا آورد، و احتیاط آن است که بعد از برگشتن اگر ممکن شود در ایام تشریق (روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) و اگر نه تا آخر ذیحجه طواف و سعی را دوباره بجا آورد.

مسأله ۲۰۴. کسی که یقین دارد بعد از برگشتن از منی در تمام ماه برای او طواف و سعی ممکن نمی‌شود، واجب است پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی طواف و سعی را بجا آورد، ولی احوط آن است که پس از

مراجعت از منی کسی را نایب بگیرد که از طرف او طواف و نماز و سعی را بجا آورد.

مسئله ۲۰۵. بعد از بجا آوردن طواف زیارت و نماز آن، و سعی بین صفا و مروه علاوه بر آن چه بواسطه تقصیر بر او حلال شده بود، بوی خوش نیز بر او حلال می شود، ولی صید و زن بر او حرام است، و وقتی طواف نساء و نماز آن را که دستورش مثل طواف زیارت و نماز آن است بجا آورد، زن و صیدهایی که برای احرام بر او حرام شده بود بر او حلال می شود، اما صید حیوانات حرم که حرمت آن برای حرم است بر او حرام می باشد، و احتیاط واجب در حج تمتع آن است که پیش از طواف نساء و نماز آن از بوی خوش نیز اجتناب کند.

مسئله ۲۰۶. از آن چه گفته شد معلوم شد که هر کس حج تمتع بجا می آورد بتدریج محرمات احرام در سه مرتبه بر او حلال می شود: اول - بعد از حلق یا تقصیر. دوم - بعد از سعی بین صفا و مروه. سوم - بعد از نماز طواف نساء.

مسئله ۲۰۷. اگر کسی عمداً اگر چه جاهل باشد یا سهواً طواف نساء و نماز آن را ترک نماید حشش فاسد نمی شود، بلکه واجب است آن را بجا آورد، و تا آن را بجا نیاورد زن بر او حلال نمی شود، حتی عقد کردن و شاهد عقد شدن هم حرام است، و احتیاط واجب آن است که ادای شهادت هم ننماید، و هم چنین زن تا طواف نساء را بجا نیاورد مرد بر او حلال نمی شود.

مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف نساء

مسئله ۲۰۸. مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف نساء چند چیز است:

از جمله آن که روز عید، بعد از اعمال منی به مکه برگردد، و اگر نشد فردای آن روز که روز یازدهم است مراجعت به مکه کند، و دیگر آن که غسل کند، و متوجه مسجدالحرام شود، و ذکر و تمجید و تعظیم الهی را بجا آورد، و بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم، صلوات بفرستد، و چون به در مسجدالحرام آید این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى نُسُكِي، وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمَهُ لِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الذَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمُ طَاعَتِكَ، مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.

پس به نزد حجرالاسود بیاید و آن را ببوسد، و آن چه در طواف عمره بجای آورده بجا آورد، و تکبیر بگویند و نیت کند، و هفت شوط بدستوری که در طواف عمره گفته شد طواف کند، آداب طواف زیارت و نماز آن و سعی

و طواف نساء و نماز آن، چنان است که سابقاً در طواف و سعی عمره گفته شد.

ماندن در منی در شب‌های تشریق

شب‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم

مسئله ۲۰۹. دوازدهم از واجبات حج تمتع، ماندن در منی در شب‌های یازدهم و دوازدهم است، و اگر از زن یا صید پرهیز نکرده باشد واجب است شب سیزدهم را نیز بماند، پس بر کسی که حج می‌گذارد اگر روز عید برای طواف و سعی به مکه رفته باشد، واجب است برای آن که این شبها را در منی به سر برد به منی برگردد.

مسئله ۲۱۰. برگشتن از منی بعد از ظهر روز دوازدهم جایز است، و قبل از ظهر جایز نیست. و اگر تا شب برنگشت باید شب را در آنجا بماند، و در روز سیزدهم نیز به سه جمره سنگ بیندازد.

مسئله ۲۱۱. برای ماندن در منی در این شبها باید نیت کند که این شب را در منی می‌مانم از برای حج تمتع حجة الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند متعال.

مسئله ۲۱۲. باید تا بعد از نصف شب در منی بماند، پس اگر بعد از نصف شب بیرون رود ضرر ندارد، و احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوع فجر وارد مکه نشود.

مسئله ۲۱۳. اگر کسی بدون عذر، ماندن در این شبها را در منی ترک کند گناه نموده لیکن حج او صحیح است، و واجب است که برای هر شبی یک گوسفند ذبح نماید. و احتیاط آن است که اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله و عذر دیگر،

مثل بیماری و پرستار بودن ترک کرد یک گوسفند ذبح نماید، هر چند گناه نکرده است.

مسئله ۲۱۴. برای کسی که این شبها را به عبادت در مکه احیا کند، و بکار دیگر غیر از عبادت مشغول نباشد مگر کارهای ضروری، مانند خوردن و آشامیدن و تجدید وضو، ماندن در منی واجب نیست و کفاره ندارد.

رمی جمرات سه گانه

مسئله ۲۱۵. واجب است در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات، یعنی انداختن هفت سنگریزه به سه جمره، به این ترتیب:

اول - جمره اولی.

دوم - جمره وسطی.

سوم - جمره عقبه.

پس اگر برخلاف این ترتیب رمی می کند باید دوباره آن چه را برخلاف ترتیب انجام داده از سر بگیرد که ترتیب بعمل آید. پس اگر مثلاً اول به جمره وسطی سنگ انداخت، و بعد به جمره اولی، باید رمی جمره وسطی را دوباره انجام دهد و بعد از آن رمی جمره عقبه را بجا آورد.

مسأله ۲۱۶. در روز سیزدهم نیز بر کسی که ماندن شب بر او به شرحی که گفته شد واجب شده باشد، رمی جمرات سه گانه واجب است.

مسأله ۲۱۷. اگر چهار سنگ به جمره انداخت و از روی فراموشی مشغول رمی جمره بعد شد کفایت می کند، و سه سنگ باقی مانده را بعد از آن به جمره ای که چهار سنگ زده بزند، و اگر عمداً باشد احتیاط لازم آن است که با رعایت ترتیب رمی را دوباره انجام دهد، چنان که احوط الحاق جاهل است به عامد.

مسأله ۲۱۸. واجبات دیگر رمی، به شرحی است که در اعمال منی در رمی عقبه گفته شد.

مسأله ۲۱۹. اگر کسی رمی جمرات سه گانه را سهواً یا عمداً اگر چه جاهل باشد ترک کرد، باید اگر به مکه یا خارج مکه هم رفته تا ایام تشریق نگذشته برگردد به منی، و رمی را بجا آورد، و اگر متمکن از رجوع نیست نایب بگیرد و اگر تا ایام تشریق خودش یا نایبش بجا نیاورد، باید در سال بعد خودش یا نایبش رمی را قضا نماید در ایام تشریق.

مسأله ۲۲۰. اگر کسی مریض باشد و مأیوس باشد از این که بتواند در وقتی که گفته شد رمی نماید، دیگری با نیابت او رمی کند، و اگر ممکن باشد سنگ را بدست خود بگیرد، و دیگری رمی کند، و اگر خوب شد اعاده رمی لازم نیست، اگر چه احوط آن است که در صورتی که در ایام تشریق خوب شود خودش آن را بجا آورد.

مسأله ۲۲۱. کسی که عمداً رمی جمرات را ترک کند حجتش باطل نمی شود ولی گناه کرده.

مسأله ۲۲۲. اگر کسی نتواند بواسطه عذری در روز، رمی کند، می تواند در شب قبل از آن روز، آن را انجام دهد.

مسأله ۲۲۳. اگر رمی یک روز را فراموش کرد روز دیگر یادش آمد، باید اول قضای رمی روز گذشته را انجام دهد، و بعد رمی واجب آن روز را بجا آورد.

مسأله ۲۲۴. کسی که بر او ماندن شب سیزدهم در منی واجب نیست، لازم نیست روز سیزدهم رمی جمرات نماید.

مستحبات منی در روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم

مسأله ۲۲۵. در این روزها چند چیز مستحب است:

۱. چون از مکه به منی مراجعت کند بگوید:

اللَّهُمَّ بِكَ وَتَقْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسَلْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.

۲. آن که اگر طواف زیارت را روز عید بجا آورده در این سه روز از منی بیرون نرود، حتی به جهت طواف مستحب.

۳. در وقت رمی جمره اولی و وسطی رو به قبله کند، و در جانب چپ جمره بایستد و رمی کند، و در رمی جمره عقبه رو به روی آن بایستد و پشت به قبله نماید، بلکه احوط است چنان که گذشت.

۴. موقع رمی، الله اکبر بگوید، و حمد و ثنای خداوند عالم بجا آورد، و صلوات بفرستد، پس اندکی پیش رود و دعا کند و بگوید:

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي

پس کمی بیشتر رود و دعائی را که روز دهم در وقت رمی می خواند بخواند و رمی کند.

۵. تکبیر گفتن در منی مستحب است، و احوط آن است که آن را در منی و غیر آن ترک نکند، و در منی عقب پانزده نماز، از نماز ظهر روز عید تا نماز صبح روز سیزدهم، تکبیر بگوید، و کیفیت آن چنانچه در بعضی روایات است این است:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَاللَّهُ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ.

و در بعضی از روایات در آخر آن این جمله نیز هست:

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا.

۶. اگر روز دوازدهم از منی کوچ کرد بیست و یک سنگریزه را در منی دفن کند.

۷. نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد، و در حدیث است که هر که در مسجد خیف صد رکعت نماز بگزارد پیش از آن که مسجد بیرون رود، برابر است با عبادت هفتاد سال و هر که صد مرتبه سبحان الله بگوید بنویسد از برای او ثواب بنده آزاد کردن، و هر که صد مرتبه لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید برابر است با ثواب احیاء نفسی، و هر که صد مرتبه الحمد لله بگوید، برابر است با خراج عراقین که در راه خدا صدقه دهد.

مستحبات بازگشت به مکه برای طواف وداع

مسأله ۲۲۶. مستحب است مراجعت از منی به مکه به جهت طواف وداع، هر گاه طواف واجب و سعی و طواف نساء را قبلاً انجام داده باشد، و اگر انجام نداده باشد واجب است برگشتن به مکه برای بجا آوردن آنها.

مسأله ۲۲۷. مستحب است پیش از حرکت از منی شش رکعت نماز در مسجد خیف بخواند.

مسأله ۲۲۸. مستحب است که چون به مکه رود داخل خانه کعبه شود خصوصاً اگر حج اولش باشد، که در حدیث است: داخل شدن در کعبه داخل شدن در رحمت خدا است، و بیرون رفتن از آن بیرون رفتن از گناهان است.

مسأله ۲۲۹. مستحب است به جهت وارد شدن در خانه کعبه غسل کند، و پای برهنه وارد شود، و پیش از ورود هر دو حلقه در را بگیرد و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنَّ الْبَيْتَ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدَ عَبْدُكَ، وَقَدْ قُلْتَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ، وَأَجِرْنِي مِنْ سَخَطِكَ.
(پس داخل شود و بگوید).

اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ، وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، اللَّهُمَّ فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ عَذَابِ النَّارِ.

پس دو رکعت نماز بخواند در میان دو ستون سرسنگ سرخ، و در رکعت اول بعد از حمد، سوره (حم سجده) و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و چهار آیه از سایر قرآن بخواند، و در گوشه‌های خانه نیز نماز بخواند، پس به رکنی آید که در آن جا حجر الاسود است، و بطن خود را به آن بچسباند، پس دور ستون بگردد و ظهر و بطن خود را به آن ستون بمالد، و چون خواست بیرون آید نردبان را بدست چپ بگیرد، و نزدیک کعبه دو رکعت نماز بخواند.

مسأله ۲۳۰. مستحب است بسیار طواف کردن، و آن برای حاجیان از نماز مستحبی بهتر است، لکن در سعی غیر از سعی واجب در هر یک از حج و عمره مشروع بودن آن، چه برای خود و چه به نیابت از غیر، محل اشکال است.

مسأله ۲۳۱. مستحب است طواف به نیابت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام و حضرات دوازده امام علیهم السلام، و به نیابت پدر و مادر و زن و فرزند، و اهل شهر و سایر مؤمنین و ثواب آن بسیار است و ممکن است یک طواف به نیابت چند نفر بجا آورد.

مسأله ۲۳۲. مستحب است بجا آوردن سیصد و شصت طواف به عدد ایام سال و اگر نتوانست سیصد و شصت دور طواف کند که پنجاه و یک طواف و سه شوط می‌شود و چون هر طواف باید هفت دور باشد چهار دور دیگر بر آن اضافه کند که پنجاه و دو طواف شود.

مسأله ۲۳۳. مستحب است ختم قرآن مجید در مکه، و مشرف شدن به مکان ولادت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و منزل حضرت خدیجه ام المؤمنین، و زیارت قبر حضرت اَبی طالب و عبدالمطلب و آمنه مادر مکرمه پیغمبر صلی الله علیه و آله و قبر خدیجه ام المؤمنین که در حجون معروف است، و رفتن به غار حرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در ابتدای بعثت در آن عبادت می کردند و رفتن به غار ثور.

دستور عمره مفرده

مسأله ۲۳۴. بعد از انجام اعمال حج عمره مفرده مستحب است و فاصله بین عمره مفرده بعد از حج و عمره تمتع معتبر نیست پس می تواند بلافاصله بعد از انجام حج تمتع، عمره مفرده بجای آورد. بلی اگر عمره مفرده ای را برای خودش انجام داده باشد و بخواهد مکرراً برای خودش بجای آورد و یا برای دیگری بجای آورده و بخواهد مکرراً برای همان شخص بجا آورد چون در همان ماهی است که عمره اولی را بجای آورده عمره دوم را رجاءاً بجا آورد ولی در تکرار عمره به قصد اشخاص مختلف فصل معتبر نیست.

مسأله ۲۳۵. میقات احرام عمره مفرده ادنی الحلّ است و مقصود از آن اولین مکان خارج حرم است از هر طرف و بهتر احرام بستن از جعرانه یا تنعیم یا حدیبیه است.

مسأله ۲۳۶. در عمره مفرده بعد از احرام، طواف و نماز طواف و سعی و تقصیر کند، و طواف نساء و نماز آن لازم است، و تا بجا نیاورد زن بر مرد و مرد بر زن حلال نمی شود.

طواف وداع

مسأله ۲۳۷. چون بخواهد از مکه بیرون رود مستحب است غسل کند، و طواف وداع بجا آورد، و در هر دوری دست یا بدن به حجرالاسود و رکن یمانی برساند، و چون به مستجار رسد دعاهائی را که پیش از این گفته شد بخواند، پس به نزد حجرالاسود بیاید، و خود را به خانه بساید، و یک دست به حجرالاسود گذارد و دست دیگر بجانب خانه بگشاید، و حمد و ثنای خداوند متعال را بجا آورد، و صلوات بر محمد آل محمد علیهم السلام بفرستد، و مستحب است که از در حناتین که مقابل رکن شامی است بیرون رود، و عزم کند که دوباره به حج برگردد، و از خدا بخواهد که به او توفیق مراجعت عنایت فرماید، و در وقت بیرون رفتن یک درهم خرما بگیرد و تصدق بدهد بر فقرا، برای احتمال آن که در حال احرام از روی غفلت بعضی محرمات حال احرام را مرتکب شده باشد.

استفتاءات حجّ

س - اگر کسی نذر احرام پیش از میقات کرده باشد و پیش از میقات محرم شود و بعد از ورود به جدّه وسایل حرکت او به مدینه فراهم شود، آیا می تواند محل شود و به مدینه برود و بعد از آن میقات دیگر محرم شده و وارد مکه شود؟

ج - انصراف از نیت احرام، سبب بیرون آمدن از احرام نمی شود، و با آن که احرام بسته، تجدید به نحو جزم مشروع نمی باشد، بلی رجاء بخواند در مسجد شجره تجدید نیت کند مانعی ندارد.

س - اگر از حاجی در حال احرام عملی سرزند که موجب کفاره است حیوان کفاره را در کجا باید ذبح یا نحر کند؟

ج - در احرام عمره تمتع احوط آن است که در مکه ذبح یا نحر نماید، و اگر در احرام حج است باید در منی نحر یا ذبح کند، و اگر عمداً یا از روی فراموشی در این دو مکان ذبح نکرد، در صورت امکان باید نایب بگیرد که از طرف او در منی یا مکه ذبح نماید، و اگر ممکن نشد هر چند به واسطه عدم دسترسی به فقیر مؤمن در مکه و منی باشد در شهر خودش یا در جای دیگر رجاءاً ذبح نماید.

س - در حیوان کفاره نیز، رعایت شرایط حیوان قربانی در منی لازم است یا خیر؟

ج - احتیاط مستحب رعایت آن شرایط است.

س - سجده کردن بر سنگ هائی که مسجدالحرام و مشاهد مشرفه به آن فرش شده، از سنگ مرمر و غیره آن جایز است یا خیر؟

ج - بلی جایز است، و معادنی که سجده بر آن جایز نیست معادنی است که عرفاً به آن ها زمین گفته نمی شود مثل طلا و نقره و عقیق و مس و سایر فلزات.

س - اگر جامه احرام را با پول خمس یا زکات نداده خریده باشند، احرام در آن صحیح است یا خیر؟

ج - اگر به عین آن پول معامله واقع شده باشد احرام در آن جایز نیست، و هم چنین اگر خود جامه احرام متعلق خمس شده باشد محرم شدن در آن جایز نیست، و طواف در آن باطل است ولی اگر آن را با پول کلی خریده باشد احرام در آن ضرر ندارد هر چند در مقام پرداخت قیمت، پول خمس یا زکات نداده را بدهد لکن ذمه او به مقدار خمس یا زکات بری نمی شود، و ضامن آن مقدار خمس و زکات می باشد.

س - در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام به واسطه ازدحام و کثرت جمعیت، ممکن نمی شود که در موقع نماز طواف، مرد یا زن طوری بایستند که محاذی هم نباشند و یا زن، جلو مشغول نماز نباشد، در این صورت نماز آن ها صحیح است یا خیر؟

ج - بلی صحیح است.

س - کسی که می‌دانسته است در سعی باید از صفا شروع و به مروه ختم کند، ولی جای آن‌ها را نمی‌دانسته و از کسی پرسیده و او مروه را بجای صفا به او نشان داده، و بنا به گفته او از مروه شروع به سعی کرده، پس از این که هفت مرتبه سعی انجام داده، ملتفت اشتباه شده، و یک مرتبه دیگر سعی نموده، آیا سعی او صحیح است یا خیر؟

ج - احوط اعاده سعی است.

س - اگر زن بعد از اعمال حج در منی حائض شود، و به مکه بیاید، و پیش از آن که پاک شود ناچار به رفتن از مکه شود، مثل این که همراهان او عازم مراجعت باشند، آیا می‌تواند برای طواف حج و نماز آن، و طواف نساء و نماز آن، نایب بگیرد؟

ج - بلی لازم است بر او که نایب بگیرد، و بعد از آن که نایب، طواف حج و نماز آن را انجام داد، خودش سعی را بجا آورد، و بعد از سعی برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد.

س - کسی که حج تمتع بجا می‌آورد اگر پس از احرام و بعد از وارد شدن به حرم فوت شود، کفایت از سایر اعمال حج می‌نماید یا باید برای او نایب گرفته شود؟

ج - کفایت می‌کند و گرفتن نایب لازم نیست خواه حج خودش باشد یا نایب از غیر باشد.

س - اگر زن پس از اعمال حج اثر عادت در خود ببیند و شک کند که پیش از انجام عمل، حیض شده یا بعد از تمام شدن اعمال، حج او صحیح است یا خیر؟

ج - اعتنا به این شک نکند و حج او محکوم به صحت است.

س - کسی که با احرام عمره تمتع وارد جدّه شد، و به واسطه نبودن وسیله، احرام را به هم زد و رفت به مدینه منوره، که در مراجعت، از مسجد شجره محرم شود حکمش چیست؟

ج - شخص مذکور اگر احرام اول او صحیح بوده تا اعمال عمره را تمام نکند از احرام بیرون نمی‌رود، اگر چه قصد به هم زدن آن را کرده باشد، و باید با همان احرام، عمره را تمام کند، و تجدید احرام، بعد از برگشت از مدینه لازم نیست، لیکن اگر بخواهد رجاء در مسجد شجره تجدید احرام کند مانعی ندارد، ولی لازم نیست، و اگر به گمان اینکه احرامش به هم خورده مرتکب یکی از محرمات شود، حکم آن در احکام محرمات احرام گفته شد.

س - شخصی که به احرام عمره تمتع، در ماه شوال و ذی قعدة و ذی حجه وارد مکه معظمه شود و بعد از اتمام عمره قصد رفتن به مدینه یا محل دیگری کرد که در مراجعت از میقات، مجدداً احرام ببندد آیا این کار صحیح

است یا خیر؟

ج - کسی که عمره تمتع را بجا آورده و محل شده، تا حج را بجا نیاورد جایز نیست از مکه بیرون رود مگر برای حاجت، که در این صورت می تواند از سه روز پیش از ترویبه در مکه محرم شود به احرام حج تمتع، و بعد برای انجام حاجت خود از مکه بیرون برود، و پس از مراجعت، با همان احرام، باقی اعمال حج را بجا آورد. اما قبل از سه روز در صورتی که ترک خروج برای او حرجی باشد می تواند بدون احرام بیرون برود، پس اگر مراجعتش در همان ماهی باشد که عمره اولی را بجا آورده همان عمره اولی کافی است، و جایز نیست دوباره محرم شود به احرام عمره، و اگر در غیر آن ماه باشد باید در میقات محرم به احرام عمره تمتع شود، و بعد از وارد شدن به مکه عمره تمتع را انجام دهد و عمره اولی مفرد می شود، و بعد محرم به احرام حج شود.

س - کفاره کشتن ملخ در حال احرام چیست؟

ج - یک کف طعام یا یک دانه خرما است به طور تخمیر، و اگر هر دو را بدهد بهتر است.

س - اگر ملخ را در حال احرام بکشد و بخورد کفاره آن چیست؟

ج - یک گوسفند قربانی بر او واجب می شود.

س - اگر ملخ بسیار باشد و همه آنها را بکشد حکم آن چیست؟

ج - احوط آن است که اگر بیشتر از یک ملخ کشته باشد یک گوسفند قربانی کند، و احوط از آن، ضمیمه ساختن یک کف طعام و یک دانه خرما است.

س - اگر از جهت زیادی ملخ در بین راه نتواند خود را از کشتن آنها حفظ نماید چه کند؟

ج - در این صورت چیزی بر او واجب نیست.

س - روزه گرفتن در روزهای تشریق جایز است یا نه؟

ج - بر کسی که در منی باشد حرام است، و روزه عید قربان بر همه کس حرام است.

س - طواف نساء و نماز آن که اگر در عمره مفرد و در حج بجا آورده نشود زن حلال نمی شود، بر زن ها نیز

این طواف و نماز آن لازم است یا نه؟

ج - بلی بر زن نیز لازم است و تا آن را بجا نیاورد مرد بر او حلال نمی شود، بلکه اگر طفل را هم محرم نمودند

طواف نساء او هم لازم است، و تا طواف نساء او انجام نشود زن بر او حلال نمی شود.

س - نماز طواف مستحب، واجب است یا مستحب؟

ج - مستحب است.

س - در حرم بر محل، صید کردن حرام است یا نه؟

ج - هر صیدی که بر محرم در حال احرام حرام است بر محل نیز در حرم حرام است.

س - کسی که بدون وصیت فوت نموده و مستطیع نیز بوده است، آیا حج بلدی برای او واجب است یا غیر بلدی هم کفایت می‌کند؟

ج - حج میقاتی کفایت می‌کند.

س - زن‌ها در حال احرام می‌توانند جوراب بپوشند یا بایستی روی پای آن‌ها مثل مردان باز باشد؟

ج - اقوی جواز پوشیدن جوراب است برای زن.

س - بر حسب فتوای حضرت مستطاب عالی جایز است که محرم، در منزل زیر سقف و سایه برود یا چتر بر

سر بگیرد، آیا مراد از منزل، شهر مکه است یا منزلی که در شهر مکه دارد، و هم چنین در منی و عرفات؟

ج - مراد از منزل، محل نزول است، در مقابل حال طی طریق، پس در شهر مکه و منی و عرفات و قهوه خانه‌های بین راه و امثال آن، برای محرم بعد از منزل کردن تا قبل از کوچ کردن استظلال مانعی ندارد، هر چند درآمد و شد برای حوائج باشد.

س - پوشیده شدن روی پا در حال احرام در موقع نشستن، یا آمدن جامه احرام روی پا، در حال سیر، یا در منزل چه صورت دارد؟

ج - اشکال ندارد.

س - در منزل سر روی بالش نرم گذاشتن که باعث پوشیدن مقداری از سر می‌شود چه صورت دارد؟

ج - سر روی بالش گذاردن مانعی ندارد.

س - در اثر هجوم جمعیت، وقت بوسیدن حجرالاسود ممکن است جامه احرام بعضی از حاجیان سر آن‌ها را یا سر سایر حجاج را بیوشاند، اگر تصادفاً این طور شد چه صورت دارد؟

ج - در صورت تصادف اشکال ندارد.

س - محرم اگر روی لباس دوخته یا پتوی دوخته بنشیند یا بخوابد، یا زیر پتوی دوخته یا لحاف بخوابد، چه صورت دارد؟

ج - اقوی جواز آن است، لیکن پتو و لحاف را بخود نیچد که مثل لباس شود.

س - در غیر حال طواف و نماز آن اگر جامه احرام یا بدن محرم نجس شود، مثل نجس شدن بدن یا لباس در قربانگاه، آیا برای حرام او اشکال دارد یا نه؟

ج - برای احرام او اشکال ندارد ولیکن احوط آن است که در صورت امکان تطهیر یا تبدیل نماید.

س - نظر حضرت عالی درباره کسی که در عمره مفرده نماز طواف نساء را نخوانده، و به ولایت خود مراجعت

کرده چیست؟

ج - اگر برگشتن به مسجدالحرام برای او دشوار باشد می تواند آن را در هر محلی که یادش آمد بخواند، هر چند در شهر دیگر باشد.

س - شخصی به واسطه ندانستن مسأله، طواف نساء را بجا نیاورده، ولی نیت طواف مستحب کرده، به این نیت که این طواف را برای هر نقصانی که در طواف داشته ام قریباً الی الله بجا می آورم، و بعد از گذشتن یک سال ملتفت شده آیا این طواف او، از طواف نساء کفایت می کند؟

ج - در مورد سؤال احوط آن است که بعد از التفات، با زن نزدیکی نکند، و در صورت تمکن برود طواف نساء را خودش بجا آورد، و اگر مشقت دارد نایب بگیرد که برای او طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، اگر چه در غیر ماه حج باشد.

س - در حج لازم است که طواف نساء و نماز آن را بعد از طواف حج و نماز و سعی بجا آورد یا خیر؟

ج - بلی لازم است طواف نساء را بعد از سعی بجا آورد، و اگر عمداً مقدم داشت اعاده آن با نمازش بعد از سعی لازم است، و در صورت جهل و فراموشی اعاده آن احوط است، و اگر خودش نمی تواند اعاده کند نایب بگیرد.

س - کسی که عمره مفرده استحبابی بجا می آورد، اگر طواف نساء آن را عمداً اگر چه جاهل به حکم باشد یا سهواً ترک کند، آیا زن بر او حرام می شود؟

ج - بلی تا طواف نساء را بجا نیاورد زن بر او حلال نمی شود، و از این جهت فرقی میان عمره مفرده واجب و مستحب نیست.

س - در صورتی که جهلاً نماز را قبل از طواف بجا آورد تکلیف او چیست؟

ج - نماز را دوباره بجا آورد.

س - اگر نماز طواف حج را بعد از سعی بجا آورد آیا لازم است برای حفظ ترتیب، سعی را اعاده نماید؟

ج - احتیاط مستحب اعاده سعی است.

س - اگر جهلاً سعی را بر طواف زیارت مقدم دارد چه حکمی دارد؟

ج - احتیاط واجب آن است که سعی را اعاده نماید.

س - روی صفا و مروه طاقی زده شده محاذی زیر، آیا سعی را در طبقه فوقانی صحیح می دانید یا خیر؟

ج - در صورتی که فوقانی بلندتر از کوه صفا و مروه نباشد به طوری که سعی بین دو کوه صدق بکند مانعی ندارد.

س - آیا لازم است که تقصیر در عمره تمتع را بعد از سعی، بدون فاصله بجا آورد یا نه؟
ج - قبل از احرام حج تقصیر نماید کافی است، و مدرکی برای فوریت آن به نظر نرسیده.
س - آیا اجازه می‌دهید که در حال ضرورت، یک نفر به نیابت از چند نفر قربانی نماید؟

ج - در قربانی مباشرت شرط نیست، و می‌تواند وکیل این کار را انجام دهد، هر چند ضرورت نباشد لکن باید در حین قربانی قصد کند که این گوسفند قربانی زید است مثلاً و اگر چه گوسفند به قصد چند نفر قربانی کند بدون قصد تعیین، صحیح نیست.

آداب تشریف به مدینه طیبه و زیارت

حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم

مسئله ۲۳۸. یکی از مستحبات مؤکده مخصوصاً برای حاجیان، زیارت مرقد منور و روضه مطهره حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله و مرقد مقدسه اهل بیت علیهم السلام و خصوصاً حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام است. و در حدیث وارد شده که ترک زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله بعد از حج، جفا بر آن حضرت است، و شرح فضایل و ثواب و آداب زیارت هر یک با زیارت هایی که وارد شده، در کتاب‌های دعا و زیارت مفصلاً مذکور است، که سزاوار است به آن کتاب‌ها رجوع شود، و بطور اختصار به بعض مستحبات و آداب اشاره می‌شود.

۱. مستحب است پیش از ورود به شهر مدینه یا پس از ورود به آن غسل کردن، و هم چنین مستحب است غسل، برای ورود در مسجد پیغمبر صلی الله علیه وآله و برای زیارت آن حضرت، و اگر در غسل اول هر سه را نیت کند کافی است.

۲. از باب جبرئیل وارد شود.

۳. اذن دخول بخواند.

۴. با آرامی و وقار وارد مسجد شود.

۵. در وقت ورود دعاهائی را که وارد شده بخواند.

۶. دو رکعت نماز تحیت بجا آورد.

۷. سلام دادن به آن حضرت از جانب پدر و مادر و همراهان.

۸. دو رکعت نماز برای زیارت، و هدیه نمودن ثواب آن برای آن حضرت.

۹. نزد منبر ایستادن، و حمد و ثنای خدا بجا آوردن و دعا کردن.
۱۰. نماز و دعا در مقام جبرئیل علیه السلام
۱۱. نماز در خصوص روضه (بین قبر و منبر).
۱۲. نماز در بیت فاطمه علیها السلام.
۱۳. صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله در وقت ورود و خروج از مسجد.
۱۴. نماز در مقام پیغمبر صلی الله علیه و آله.
۱۵. دو رکعت نماز نزد اسطوانه ابی لبابه معروف به اسطوانه توبه، و خواندن نمازهای وارده.
۱۶. مواظبت بر اداء نمازهای واجب در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله.
و بر حسب بعض روایات، ثواب نماز در مسجد آن حضرت
معادل با هزار نماز در مساجد دیگر غیر از مسجد الحرام، و در بعض روایات برابر ده هزار نماز است.
۱۷. در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله صدا را بلند نکند.
۱۸. در مدینه از تصدق به فقیر هر چه می تواند کوتاهی نکند و هم چنین بسیار تسبیح و ذکر بگوید، و قرائت قرآن بکند و استغفار بنماید و صلوات بسیار بفرستد.
۱۹. زیارت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در خانه آن حضرت، و بین قبر و منبر (روضه) و در بقیع بنماید.
۲۰. زیارت فاطمه بنت اسد علیها السلام مادر محترمه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله.
۲۱. زیارت جناب حمزه و سایر شهداء احد در احد.
۲۲. رفتن به مسجد قبا و مشربه ام ابراهیم فرزند رسول خدا، و مسجد فضیخ که در آن ردّ شمس برای امیرالمؤمنین علیه السلام شده، و مسجد احزاب و مساجد دیگر که در این مساجد نماز خواندن خصوصاً مسجد قبا فضیلت بسیار دارد.
۲۳. مستحب است نماز در مسجد غدیر خم که در بین مکه و مدینه در طرف رابع واقع است.

آداب زیارت

مدینه منوره

آداب زیارت مدینه منوره

اما زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله.

شیخ کفعمی فرموده چون خواستی داخل شوی به مسجد حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله یا در یکی از مشاهده مشرفه ائمه طاهرين عليهم السلام پس بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتَ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ، كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيَرُدُّونَ سَلَامِي، وَأَنْكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ، وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبُّ أَوْلًا، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا، وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ

نام آن امامی را که زیارت کند ذکر می کند و هم چنین نام پدرش را ببرد مثلا اگر در زیارت امام حسین علیه السلام است بگوید:

الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ....

و هكذا پس بگوید:

وَالْمَلَائِكَةَ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا، أَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللهِ، أَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللهِ، أَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدَّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَدْنَتْ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَانْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ.

پس داخل شو و بگو:

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ

أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

زیارت اول

کیفیت زیارت رسول خدا صلی الله علیه وآله

اما کیفیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله و سلم چنین است هرگاه وارد شدی به مدینه پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم پس غسل کن برای زیارت و چون خواستی داخل مسجد آن حضرت شوی، بایست نزد در و بخوان اذن دخول را و داخل شو از در جبرئیل و مقدم بدار پای راست را در وقت دخول پس صد مرتبه الله اکبر بگو پس دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذار و برو به سمت حجره شریفه و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَصَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

پس بایست نزد ستون پیش که از جانب راست قبر مطهر است و رو به قبله که دوش چپ بجانب قبر باشد و دوش راست بجانب منبر که موضع سر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَغُلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِهَذَا الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالَةِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ وَانْبِيَاءِكَ الْمُرْسَلِينَ

وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَآتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَأَبْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا، يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: (وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)، وَإِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي، يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيَعْفِرَ لِي ذُنُوبِي.

و اگر ترا حاجتی باشد رو به قبله کن و دست ها را بردار و حاجت خود را بطلب بدرستی که سزاوار است که برآورده شود این شاء الله تعالی.

پس زیارت کن حضرت فاطمه سلام الله علیها را از نزد روضه مطهره و مستحب است که بگوئی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ آمِينَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّادِقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَرْضِيَّةُ الرَّضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَعْصُوبَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمُقَهُّورَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ وَبَنِيكَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ، وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَيْتَةِ مَنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ أَذَاكَ فَقَدْ أَذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ، وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنَبَيْهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ وَرُسُلُهُ وَمَلَائِكَتُهُ، أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَتْ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَتْ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّاتِ مِنْهُ مَوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتِ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتِ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّيْتِ، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً وَمُتَبِئاً.

پس صلوات می فرستی بر حضرت رسول و ائمه علیهم السلام.

زیارت دوم

زیارت دوم زیارتی است که سید بن طاووس علیه الرحمه نقل نموده:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ الْحُجَّجِ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّهَا.

پس بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ وَأَبْنَةِ نَبِيِّكَ وَزَوْجَةَ وَصِيِّ نَبِيِّكَ، صَلَاةً تُزَلِّفُهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ.

که روایت شده است که هر که به این زیارت آن حضرت را زیارت کند و از خداوند طلب آمرزش کند حق تعالی گناهانش را بیامزد و او را داخل بهشت نماید و بعضی از علماء این زیارت را اختصاص داده اند به روز وفات آن مظلومه که سوم جمادی الثانی باشد و صلوات بر آن مظلومه این است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّديقَةِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَأُمَّ أَحِبَائِكَ وَأَصْفِيائِكَ الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا
 وَاخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا وَكُنِ الثَّائِرَ اللَّهُمَّ بِدَمِ أَوْلَادِهَا، اللَّهُمَّ
 وَكَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَيْمَةِ الْهُدَى وَحَلِيلَةَ صَاحِبِ اللُّوَا، وَالْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى، فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى أُمِّهَا صَلَاةً تُكْرِمُ
 بِهَا وَجْهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقَرُّ بِهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا، وَأَبْلِغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ.
 در بحار الانوار از تهذيب نقل می کند از ابراهيم بن محمد عريضي كه حضرت باقر عليه السلام فرمودند: وقتي كه
 موفق شدي به زيارت جدّه خود فاطمه سلام الله عليها بگو:

يَا مُتَحَنُّنَةً امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَمُصَدِّقُونَ
 وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا آتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَتَانَا بِهِ وَصِيُّهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقِّتِنَا
 بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ.

زيارت ائمه بقیع عليهم السلام

زيارت ائمه بقیع عليهم السلام یعنی حضرت امام حسن مجتبی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام
 جعفر صادق عليهم السلام.

چون خواستی زیارت کنی این بزرگواران را باید بعمل آوری آن چه در آداب زیارت ذکر شد از غسل و طهارت
 و پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و استعمال بوی خوش و رخصت طلبیدن در دخول و نحو اینها و نیز بگو:
 يَا مَوَالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكُمْ وَأَبْنُ أُمَّتِكُمْ، الدَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ، وَالْمُضْعِفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ،
 جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ، قاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ، ءَأَدْخُلُ يَا مَوَالِيَّ، ءَأَدْخُلُ
 يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ، الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ.
 و بعد از خضوع و خشوع و رقت داخل شو و پای راست را مقدم دار و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لَهُ بِكَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، وَالْحَمْدُ لَهَا الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الْمَاجِدِ الْأَحَدِ، الْمُتَفَضَّلِ
 الْمَنَّانِ، الْمُتَطَوَّلِ الْحَنَّانِ، الَّذِي مِنْ بَطْوَلِهِ، وَسَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ
 وَمَنَحَ.

پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو و پشت به قبله و رو به قبر ایشان کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحُجَّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا
 الْقَوَّامُ فِي الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ
 أَنْكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَكُذِّبْتُمْ وَأُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْإِيْمَةُ

الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا، وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعَايُمُ الدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بَعَيْنِ اللَّهِ، يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ، وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدْنَسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَلَمْ تَشْرَكَ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ، طَبِئْتُمْ وَطَابَ مَنبُتُكُمْ، مَنْ بَكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَوَاتَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُونِنَا، إِذْ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا، وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنْ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَأَ وَاسْتَكَانَ وَأَقْرَبَ بِمَا جَنَى، وَرَجَى بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ، وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكَى مِنَ الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَأَتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا، وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْنَهُو، وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنْ بِمَا وَقَفْتَنِي، وَعَرَفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَى مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَلَا تُخَيِّبْنِي فِي مَا دَعَوْتُ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

پس دعا کن از برای خود به هر چه خواهی و بعد از آن هشت رکعت نماز زیارت بکن یعنی از برای هر امامی دو رکعت.

زیارت امین الله

که در جمیع روضات مقدسه باید به آن مواظبت نمود از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مأثور است که به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد، نزد قبر ایستاد و گریست و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

(اگر زیارت برای غیر امیرالمؤمنین خوانده شود) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ در آن گفته نمی شود، بلکه رجاءاً نام امامی را که زیارت می کند ببرد و بعد بدون هیچ تغییری زیارت را تا آخر بخواند لیکن در قبرستان بقیع که قبور شریفه چهار امام در آن جا است هر گاه همه آن بزرگواران با هم بیک مرتبه زیارت امین الله خواندن زیارت شوند زیارت را باین نحو شروع کند.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَمَنَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَاهِدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَمِلْتُمْ بِكِتَابِهِ، وَأَتَّبَعْتُمْ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى دَعَاكُمْ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ فَقَبَضَكُمْ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَالزَّمَّ أَعْدَاءَكُمْ الْحُجَّةَ مَعَ مَالِكُمْ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ، وَازْجَمَلَهُ (اللَّهُمَّ اجْعَلْ).

بدون تغییر زیارت را تا آخر بخواند.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لِصُفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آيَاتِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ.

پس بھلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّةُ وَسُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَأَعْلَامُ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَأَقْنِدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةٌ وَأَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَأَبْوَابُ الْجَابِبَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ وَدَعْوَةٌ مِنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ وَتَوْبَةٌ مِنْ أَنَابِ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعِبْرَةٌ مِنْ بَكَيٍ مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْإِعَانَةُ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْإِعَانَةُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ وَعِدَاتُكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِزَةٌ وَزَلَلٌ مَنِ اسْتَفَالَكَ مُقَالَةٌ وَأَعْمَالُ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَأَرْزَاقُكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ وَذُنُوبُ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ وَحَوَائِجُ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ وَجَوَائِزُ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُؤَفَّرَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَمَوَائِدُ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ وَمَنَاهِلُ الظَّمَاءِ مُتْرَعَةٌ، اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَأَقْبَلْ تَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَلِيُّ نِعْمَائِي وَمُنْتَهَى مُنَايَ وَغَايَةَ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَمْتَوَايَ.

و در کامل الزبارة این اضافات مسطور است.

أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ اغْفِرْ لَأَوْلِيَائِنَا وَكُفِّ عَنَّا أَعْدَائِنَا وَاشْغَلْهُمْ عَنَّا أَذَانًا وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ذکر سایر زیارات در مدینه طیبه

در زیارت ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می ایستی نزدیک قبر و می گویی:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ وَخَيْرَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَالسُّعْدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكَايَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السُّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسَمَةُ الزَّكَايَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَنَبِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَالْجَنِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَالْعَلَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا بَنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ إِنْعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ فَنَفَلَكَ إِلَيْهِ طَيِّباً زَاكِيّاً مَرْضِيّاً طَاهِراً مِنْ كُلِّ نَجَسٍ مُقَدَّساً مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَبَوَّأَكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً تَقَرُّ بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ وَتُبَلِّغُهُ أَكْبَرَ مَا مَوْلَاهُ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا وَأَنْمَى بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا عَلَى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ عَتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ

وإبراهيم نجل نبيك أن تجعل سعياً بهم مشكوراً وذنباً بهم مغفوراً وحياتي بهم سعيدة وعاقبتى بهم مرضيةً وأُمُورِي بهم مسعُودةً وشؤوني بهم محمودةً، اللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ وَنَفِّسْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَضِيقٍ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ وَأَمْنِحْنِي ثَوَابَكَ وَأَسْكِنْنِي جَنَّاتِكَ وَارْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَأَشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدِي وَوَلَدِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

پس بخواه حاجات خود را و دو رکعت نماز زیارت بخوان.

زیارت جناب فاطمه بنت اسد والده محترمه امیرالمؤمنین علیه السلام می ایستی نزد قبر شریفش و می گویی:

السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوْلِيَانِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ الْأَهْلِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَرَبَّيْتُهَا لَوْلِيٍّ اللَّهُ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتَ الْكِفَالََةَ، وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَبَالِغْتَ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَةً بِنُبُوَّتِهِ، مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ، كَافِلَةً بِتَرْبِيَّتِهِ، مُشْفِقَةً عَلَى نَفْسِهِ، وَاقِفَةً عَلَى خِدْمَتِهِ، مُخْتَارَةً رِضَاهُ، مُؤَثِّرَةً هَوَاهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى الْإِيمَانِ وَالتَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، طَاهِرَةً زَكِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً، فَرَضِيَّ اللَّهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوَاكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَتَبَتَّنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتِهَا وَشَفَاعَةَ الْأَيْمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا، وَارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا، وَأَحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا، وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهَا أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا، وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ، اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَأَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً،

وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

پس دو رکعت نماز زیارت می کنی و دعا می کنی به آن چه خواهی.

زیارت حضرت حمزه عم بزرگوار

پیغمبر صلی الله علیه و آله در احد

چون به زیارت آن حضرت رفتی می گویی نزد قبرش:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ، وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، أَتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ، وَمُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، ابْتِغَى زِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَبَطْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَرَعَا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتَكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، طَالِبًا فَكَأكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ أَوْقَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَأَتَيْتُ مَا اسْخَطَ رَبِّي، وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْرَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَقْرِي وَحَاجَتِي، فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَأَتَيْتَكَ مَكْرُوبًا، وَسَكَبْتُ عِبْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِيًا، وَصِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا، وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصِلَتِهِ، وَحَتَّيْنِي عَلَى بَرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ، وَرَغَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَالْهَمْنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاهُمْ، وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ، وَلَا يَسْعُدُ مَنْ عَادَاهُمْ.

پس رو به قبله کن و دو رکعت نماز زیارت بجا آورد و بعد از فراغ خود را به قبر بچسبان و بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومِي لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِجِجِرِنِي مِنْ نِقْمَتِكَ فِي يَوْمٍ تَكْتَرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ، وَتُشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ، وَتُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ تَرَحَّمْنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَلَا حُزْنَ، وَإِنْ تَعَاقَبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عِبْدِهِ، وَلَا تُخَيِّبْنِي بَعْدَ الْيَوْمِ، وَلَا تَصْرِفْنِي بغير حاجتِي، فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَرَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ جِنَايَةَ نَفْسِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، وَمَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي، وَلَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ، فَانظُرْ الْيَوْمَ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، فَبِهِمَا فُكِّنِي مِنَ النَّارِ، وَلَا تُخَيِّبْ سَعْيِي، وَلَا يَهْوَنَنَّ عَلَيْكَ ابْتِهَالِي، وَلَا تَحْجُبْنَنِّي عَنْكَ صَوْتِي، وَلَا تَقْلِبْنِي بغيرِ حَوَائِجِي، يَاغِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَمَحْزُونٍ، وَيَا مُفْرَجًا عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانَ الْغَرِيقِ الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَاكَةِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً لَا أَشْقَى بَعْدَهَا أَبَدًا، وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَعَبْرَتِي وَأَنْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ، وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، فَلَا تُرُدُّ أَمْلِي، اللَّهُمَّ إِنْ تَعَاقَبَ فَمَوْلَى لَهُ

الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ وَجَزَاءِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ، فَلَا أَخِيْنَ الْيَوْمَ، وَلَا تُصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، وَلَا تُخَيِّبَنَّ شُخُوصِي وَوَفَادَتِي، فَقَدْ
 أَنْفَدْتُ نَفْقَتِي، وَأَتَعَبْتُ بَدَنِي، وَقَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ، وَخَلَفْتُ الْأَهْلَ وَالْمَالَ وَمَا خَوَّلْتَنِي، وَأَثَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلَى نَفْسِي،
 وَوَلَدْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، فَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَى
 ذَنْبِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمَ.

زیارت قبور شهداء احد رضوان الله عليهم

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ
 رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَأَصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ،
 وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَذَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِيِّهِ وَجَدْتُمْ بَأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ
 عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَعَنْ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَعَرَفْنَا وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ
 وَمَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَاكُمْ رَفِيقًا.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَإِنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ وَأَنَّكُمْ لِمَنْ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ
 يُرْزَقُونَ، فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، آتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَبِحَقِّكُمْ عَارِفًا
 وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا وَبِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَمَرْضِيِّ الْأَفْعَالِ عَالِمًا، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ،
 وَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ، اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ وَتَبَّتْ بِي عَلَى قُصْدِهِمْ وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ
 وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ بِكُمْ لَاحِقُونَ.
 و می خوانی سوره انا انزلناه فی لیلۃ القدر را آن چه توانی.

زیارت وداع

هر گاه خواستی از مدینه بیرون آئی غسل کن و برو نزد قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و زیارت آن بزرگوار را
 بجا آور پس وداع کن آن حضرت را و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، اسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهِ،
 اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَأِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ
 فِي حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

و حضرت صادق علیه السلام (علی المحکی) در وداع قبر پیغمبر به یونس بن یعقوب فرموده بگو:
صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ لَجَعَلَهُ اللهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

بَشْرُ و بَشِيرُ فرزندان غالب روایت نموده‌اند، که در روز عرفه خدمت امام حسین علیه السلام رسیدیم در حالی که آن حضرت با اهل بیت و فرزندان و پیروانش از خیمه خارج شده و در طرف چپ کوه زبیر آسمان روی پا ایستاده دست‌ها را مقابل صورت گرفته و به حالت خضوع و خشوع کامل چنین می‌خواندند:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِهَذَا الَّذِي لَيْسَ لِقَضَاءِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَاءِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيغُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ، جَازِي كُلِّ صَانِعٍ، وَرَائِسُ كُلِّ قَانِعٍ، وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ، وَمُنْزِلُ الْمَنَافِعِ، وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ، وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءَ يَعْذِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقِرًّا بِأَنَّكَ رَبِّي، وَأَنَّ إِلَيْكَ مَرَدِّي، ابْتِدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا، وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِنًا لِرَيْبِ الْمُنُونِ، وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسِّنِّينَ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبٍ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُومٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي، وَ لَطْفِكَ لِي، وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ، الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ، لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنْ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسْرَتِي، وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوَّفْتَ بِي، بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَ سَوَابِغِ نِعْمِكَ، فَأَبْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيٍّ يُمْنِي، وَ أَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ، بَيْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي، وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي

مِنْ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامًا سَوِيًّا، وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا، وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا، وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَ كَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمَ، وَ كَلَّاتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَلْتُ نَاطِقًا بِالْكَلامِ، أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ، وَ رَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلْتُ فِطْرَتِي، وَ اعْتَدَلْتُ مَرَّتِي، أَوْجِبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنَّ الْهَمَّتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَ رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ، وَ أَيْقَنْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَ نَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ، وَ أَوْجِبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ، وَ فَهَمَّتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَ يَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَ

لُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ التُّرَى، وَلَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَ صُنُوفِ الرِّيَاشِ، بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ، وَ صَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النَّفَمِ، لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَ جُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، وَ وَقَفْتَنِي لِمَا يُزَلِّفُنِي لَدَيْكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِإِنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبْدِيٍّ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مُجِيدٍ، وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَ عَظُمَتْ آلَاؤُكَ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عَدَدًا وَ ذَكَرًا، أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا، وَ هِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَ دَرَأْتَ عَنِّي.

اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَ الضَّرَاءِ أَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَ السَّرَّاءِ، وَ أَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي، وَ عَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي، وَ خَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي، وَ بَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي، وَ عِلَاقِ مَجَارِي نُورِ بَصَرِي، وَ أَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي، وَ خَرَقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَ خَذَارِيفِ مَارِنِ عَرْنِينِي، وَ مَسَارِبِ سِمَاحِ سَمْعِي، وَ مَا ضَمَّتْ وَ أَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفْتَايَ، وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَ مَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَ فَكِّي، وَ مَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي، وَ حِمَالَةِ أُمَّ رَأْسِي، وَ بَلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي، وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي، وَ حِمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي، وَ نِيَابِطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَ أَفْلَازِ حَوَاشِي كِبِدِي، وَ مَا حَوَتْهُ شَرَّاسِيفُ أَضْلَاعِي، وَ حِقَاقُ مَفَاصِلِي، وَ قَبْضُ عَوَامِلِي، وَ أَطْرَافُ أَنَامِلِي، وَ لَحْمِي، وَ دَمِي، وَ شَعْرِي، وَ بَشْرِي، وَ عَصَبِي، وَ قَصَبِي، وَ عِظَامِي، وَ مَخِي وَ عُرُوقِي، وَ جَمِيعُ جَوَارِحِي، وَ مَا انْتَسَجَ عَلَيَّ ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَ نَوْمِي، وَ يَقْظَتِي، وَ سُكُونِي، وَ حَرَكَاتِ رُكُوعِي وَ سُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَ الْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتَهَا أَنْ أُودِيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ، الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَ تَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا، أَجَلٌ، وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَ الْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَ آئِنِهِ مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا، وَ لَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا، هَيْهَاتَ أَنِّي ذَلِكَ، وَ أَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَ النَّبِيُّ الصَّادِقِ (وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا)، صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَ أَنْبَاؤُكَ، وَ بَلَّغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَ رُسُلَكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَ شَرَعْتَ لَهُمْ وَ بِهِمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَ جِدِّي، وَ مَبْلَغِ طَاعَتِي وَ وَسْئِعِي، وَ أَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا: الْحَمْدُ لَكَ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَكَلَدًا فَيَكُونُ مَوْرُوثًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَ لَا وَلِيٌّ مِنَ الدَّلِّ فَيُرْفِدُهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ، لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفْطَرَتَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، الْحَمْدُ لَكَ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَآئِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلَّم.

سپس شروع به درخواست های خود از خداوند نمود، و در دعا اهتمام می ورزید، و در حالی که می گریست،

مى فرمود:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَاسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ، وَلَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِرْلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبُّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالثُّورَ فِي بَصَرِي، وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَ مَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَانصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَارِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِي، وَاقْرَ بِذَلِكَ عَيْنِي.

اللَّهُمَّ اكشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَاخْسَأْ شَيْطَانِي، وَفُكَّ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الآخِرَةِ وَالْأُولَى.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقاً سَوِيّاً رَحْمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً.

رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافِيَتَنِي، رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَوَقَّعْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَ سَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الآخِرَةِ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ.

اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي، وَمَا أَحْذَرُ فاقْنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاخْلُفْنِي، وَفِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالنَّاسِ فَسَلِّمْنِي، وَبِدُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَبِسَرِيرَتِي فَلَا تُخْزِنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي، وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكْلِبْنِي.

إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكَلَّمْتَنِي، إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعْنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمْنِي، أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي، وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكَ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي.

إِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ، سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ، وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلِحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمَيِّنَنِي عَلَى غَضَبِكَ، وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ، لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ، الَّذِي أَحَلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النُّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي

وَحَدَّثِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي.

يَا إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَإِلَهَ الْمُتَنَجِّبِينَ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ، وَمُنْزِلَ كَهيعص وَطه وَيَس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا، وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَلَوْلَا سَتْرُكَ إِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ.

يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاءُهُ بَعِزَّهُ يَعْتَرُونَ، يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمُلُوكُ نَيْرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهَمُّ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَالذُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرُّكْبِ لِيُوسُفَ فِي الْبَلَدِ الْفَقْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلْوَى عَنْ أَيُّوبَ، وَيَا مُمْسِكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَانْجَيْهِمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمَغْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ يَا مَنْ لَمْ يَجْعَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدَّ غَدَاؤًا فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَ قَدَّ حَادُوهُ وَنَادُوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ.

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيءُ، يَا بَدِيْعًا لَانِدَّ لَكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِيَ فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظْنِي فِي صِغَرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي، يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى، وَنِعْمُهُ لَا تُجَازَى، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْأَمْتِنَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَعَرِيَانًا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَاشْبَعْنِي، وَعَطْشَانًا فَارْوَانِي، وَذَلِيلًا فَاعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي، وَغَائِبًا فَردَّدْتِي، وَمَقْلًا فَأَغْنَانِي، وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي، وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَنَفَسَ كُرْبَتِي وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ أَعَدَّ نِعَمَكَ وَمِنْكَ وَكَرَائِمَ مِنْحِكَ لَا أَحْصِيهَا.

يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي

أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي وَقَفْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي أَقْبَيْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي
أَوْبَيْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي أَقْلَتَهُ،
أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَهُ، أَنْتَ
الَّذِي شَفَيْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَهُ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا.

ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا
الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي
نَكَتْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ
عِبَادِهِ، وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَالْمَوْفِقُ مِنْ عَمَلِ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي.

إِلَهِي أَمْرَتِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَاصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةَ لِي فَاعْتَذِرْ، وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ، فَبَايَ شَيْءٍ
اسْتَقْبَلْتُكَ يَا مَوْلَايَ، أَسْمَعِي أَمْ بِيصْرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا
مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرْتَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَرْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْيَاخُونَ أَنْ
يُعَيِّرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَلَوْ اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَلَوْ فَضُونِي وَ
قَطَعُونِي، فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرَاءَةَ فَاعْتَذِرْ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ،
وَلَا حُجَّةٍ فَاحْتَجُّ بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا وَمَا عَسَى الْجُحُودُ، وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعْنِي، كَيْفَ
وَإِنِّي ذَلِكَ، وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَائِلِي مِنْ عِظَائِمِ
الْأُمُورِ، وَأَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تَعَذَّبْتَنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي
بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَإِنْ تَعَفُّ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ.

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
مِنَ الْوَجِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَسِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي
كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكَبِّرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي
الْأَوْلِيَّيْنَ.

اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَإِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا، وَإِقْرَارِي بِآلَائِكَ مُعَدِّدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقْرَأًا إِنِّي لَمْ أَحْصِهَا
لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مِنْذُ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ
مِنَ الْإِعْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَكَشْفِ الضَّرِّ وَتَسْبِيبِ الْيُسْرِ وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةِ فِي

الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدْتَنِي عَلَى قَدَرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصَى آلاؤُكَ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ، وَاسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

اللَّهُمَّ أَنْكَ تَجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ السُّوءَ، وَتُعِيثُ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُغْنِي الْفَقِيرَ، وَتَجْبِرُ الْكَسِيرَ، وَ تَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَ تُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطِيقَ الْمُكْبَلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْظِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَ أَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تَوَلَّيْتَهَا، وَآلَاءٍ تُجَدِّدُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا، وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَتَغَمَّدُهَا، أَنْكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ أَنْكَ أَقْرَبُ مِنْ دُعَايَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعَوْتُكَ فَاجِبْتَنِي، وَسَأَلْتُكَ فَأَعْظَيْتَنِي، وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي، وَوَقَّعْتُ بِكَ فَجَجَيْتَنِي، وَفَرَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ، وَهَيِّئْ لَنَا عَطَاءَكَ، وَارْحَمْنَا لَكَ شَاكِرِينَ، وَآلَاؤِكَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرًا، وَقَدَّرَ فَقَهْرًا، وَعَصَى فَسْتَرًا، وَاسْتَعْفَرَ فَغَفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ، وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَالِيكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ، وَرَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَةٍ تُنْزِلُهَا، وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ أَقْبِلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَلَا تُخَلِّنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِكَ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَاكَ قَانِطِينَ، وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ، فَاعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا، وَاكْمِلْ لَنَا حَاجَتَنَا، وَاعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا، فَهِيَ بِذَلِكَ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ.

اللَّهُمَّ فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَافْقِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذٌ فِيْنَا حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِيْنَا قَضَاؤُكَ، إِفْضٌ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ.

اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ وَكَرِيمَ الذُّخْرِ وَدَوَامَ الْيُسْرِ، وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَتَابَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ، وَتَتَّصَلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

اللَّهُمَّ وَنَقِّنَا وَسَدِّدْنَا وَاعْصِمْنَا، وَأَقْبَلْ تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُنُوفِ، وَلَا لِحْظُ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَوَسَّعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَ مَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَ عُلُوُّ الْجَدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ.

اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ عَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَأَمِنْ خَوْفِي وَاعْتِقُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَلَا تَخْدَعْنِي، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالنَّاسِ.

سپس آن حضرت علیه السلام سر به آسمان برداشته، و در حالی که بر گونه های شریفش اشک می ریخت، با صدای بلند می فرمود:

يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينَ، وَاسْأَلْكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبُّ يَا رَبُّ.

و مکرر می گفت یا رب کسانی که همراه حضرت بودند گوش می دادند و فقط آمین می گفتند پس صداها ایشان بلند شد به گریستن با آن حضرت تا آفتاب غروب کرد و روانه به طرف مشعرالحرام شدند.

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه

یکی از مستحبات روز عرفه زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است پس این زیارت را به قصد رجاء بخوان:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ

حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمُؤْتُونَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَيْكَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيَاءَهُ وَرَسُولَهُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِأَيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَمُنْقَلَبِي إِلَى رَبِّي، فَصَلِّواتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى شَاهِدِكُمْ وَعَلَى غَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَابْنَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَابْنَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ، وَكَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ وَأَنْتَ بَابُ الْهُدَى، وَإِمَامُ التَّقَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَخَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ، غَدَتِكَ يَدُ الرَّحْمَةِ، وَرُضِعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ، وَرَبِّيتَ فِي حَجْرِ الْإِسْلَامِ، فَالْفَسُّ غَيْرُ رَاضِيَةٍ بِفِرَاقِكَ، وَلَا شَاكَّةٌ فِي حَيَاتِكَ، صَلَّواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَابْنَائِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيحَ الْعِبْرَةِ السَّاكِبَةِ، وَقَرِينَ الْمُصِيبَةِ الرَّائِيَةِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ، وَأَنْتَهَكَتَ فِيكَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ، فَقَتَلْتَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ مَقْهُورًا، وَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَ مُؤْتُورًا، وَأَصْبَحَ كِتَابُ اللَّهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُورًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ، وَأُمِّكَ وَأَخِيكَ، وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ، وَعَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِقَبْرِكَ، وَالشَّاهِدِينَ لِزُورِكَ، الْمُؤْمِنِينَ بِالْقَبُولِ عَلَى دَعَايِ شَيْعَتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَهَيَّأتْ لِقِتَالِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، تَوَسَّلْتُ وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ، وَبِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يُجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، بِمَنِّهِ وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ.

سپس دو رکعت نماز بخوان و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ، اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرُّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَإِمَامِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي، وَاجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ، وَفِي وَلِيِّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و در زیارت حضرت علی اکبر علیه صلوات الله بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ

الحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ بْنُ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ ابْنُ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ،
وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ
وَابْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ، وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ
وَالْيَاكُ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

و در زیارت سایر شهداء عليهم السلام بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَأَحِبَّاءَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَأَوْدَاءَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ، وَأَنْصَارَ
نَبِيِّهِ، وَأَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْوَلِيِّ
النَّاصِحِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ الْمَظْلُومِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، يَا أَبِي أَنْتُمْ وَأُمَّيْ،
طِبْتُمْ وَطَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ، وَفُزْتُمْ وَاللَّهُ فَوْزًا عَظِيمًا، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ فِي الْجَنَانِ مَعَ
الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسُنَ أَوْلِيَاكَ رَفِيقًا، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و از حضرت صادق علیه السلام نقل شده، هر کس زیارت کند آن حضرت را در هر کجا و در هر وقت به این
کیفیت که بجانب راست و چپ نظر کند پس سر بجانب آسمان کند و این کلمات را بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

امید است که ثواب حج و عمره برای او نوشته شود بنابراین شایسته است کسانی که روز عرفه در عرفات
هستند این سلام مختصر را نیز ترک نکنند.

فهرست

۳	فضیلت حج
۴	احکام حج
۴	اقسام حج
۴	- حج قران
۴	- حج افراد
۵	- حج تمتع
۵	- عمره تمتع
۶	مستحبات احرام عمره
۸	مکروهات احرام
۹	مواقیت احرام
۱۰	احکام میقات
۱۰	احکام احرام بانوان
۱۳	نذر احرام پیش از میقات
۱۴	واجبات احرام
۱۵	۲۵ چیز بر محرم حرام است
۲۳	محل ذبح کفاره
۲۴	طواف عمره
۲۴	- مستحبات داخل شدن به حرم
۲۵	- مستحبات داخل شدن به مکه معظمه
۲۵	- مستحبات داخل شدن به مسجدالحرام
۲۷	احکام طواف عمره تمتع
۲۸	شرایط طواف
۳۰	واجبات طواف
۳۲	مستحبات و مکروهات طواف

۳۴	نماز طواف
۳۵	مستحبات نماز طواف
۳۶	سعی
۳۶	- واجبات سعی
۳۸	- مستحبات سعی
۴۰	تقصیر
۴۱	مسائل حج تمتع
۴۲	احرام حج
۴۴	وقوف به عرفات
۴۵	مستحبات وقوف به عرفات
۴۹	وقوف به مشعر
۵۳	اعمال منی در روز عید
۵۳	رمی جمره عقبه
۵۴	مستحبات رمی
۵۵	قربانی
۵۷	مستحبات قربانی
۵۸	حلق یا تقصیر
۵۹	مستحبات حلق و تقصیر
۵۹	واجبات بعد از اعمال منی
۶۰	مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف نساء
۶۱	ماندن در منی در شب‌های تشریق
۶۱	شب‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
۶۱	رمی جمرات سه گانه
۶۳	مستحبات منی در روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
۶۴	مستحبات بازگشت به مکه برای طواف وداع
۶۵	دستور عمره مفرده
۶۵	طواف وداع

۶۶	استفتاءات حجّ
۷۱	آداب تشرّف به مدینه طیبه و زیارت
۷۱	حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم
۷۳	آداب زیارت
۷۳	مدینه منوره
۷۳	آداب زیارت مدینه منوره
۷۶	زیارت ائمه بقیع علیهم السلام
۷۷	زیارت امین الله
۷۸	ذکر سایر زیارات در مدینه طیبه
۸۰	زیارت حضرت حمزه عم بزرگوار
۸۱	زیارت قبور شهداء احد رضوان الله علیهم
۸۱	زیارت وداع
۸۲	دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه